# مرگ اندیشی
# در آموزه‌های اسلامی

محمد حیدر مظفری ورسی

بسم الله الرحمن الرحیم

# مرگ اندیشی در آموزه های اسلامی

نویسنده:

محمدحیدر مظفری ورسی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# مرگ اندیشی در آموزه های اسلامی

## مشخصات کتاب

سرشناسه: مظفری ورسی، محمدحیدر، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور: مرگ اندیشی در آموزه های اسلامی/ محمدحیدر مظفری ورسی ؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما .

مشخصات نشر: قم: دفترعقل، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۳۳ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۰۸-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: مرگ -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: مرگ -- جنبه های اخلاقی

موضوع: مرگ -- جنبه های روان شناسی

شناسه افزوده: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: ۴۱۳۸۸ م۵۵م/۲۲/BP ۲۲۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۷۲۰۳۷

ص:۱

## اشاره

مرگ آندیشی در آموزه های اسلامی

کد: ۱۱۳۹

نویسنده: محمدحیدر مظفری ورسی

ویراستار: محبوبه ابرنجی

تهیه¬کننده: مرکز پژوهش¬های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۴۰۰

بها: ۱۸۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش¬های اسلامی صدا و سیما

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ _ ۰۲۵۱ دورنگار : ۲۹۱۵۵۱۰

تهران: خیابان جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرزمین

تلفن: ۲۲۰۱۴۷۳۸ نمابر: ۲۲۱۶۴۹۹۷

info@irc.ir www.irc.ir

شابک: ۵-۰۸-۵۵۶۳-۶۰۰- ۹۷۸ / ۵-۰۸-۵۵۶۳-۶۰۰-۹۷۸ :ISBN

## فهرست مطالب

ص:۵

## دیباچه

دیباچه

«الله یَتَوَّفَی اِلّا نَفْسٍ حینَ مَوْتِها؛ خداوند ارواح را هنگام مرگ می گیرد». (زمر: ۴۲)

مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک

چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم

خرم آن روز که پرواز کنم تا بر دوست

به هوای سر کویش پرو بالی بزنم

(مولوی)

تمام ادیان آسمانی، به زندگانی پس از مرگ معتقد بوده اند و این عقیده از اساسی ترین روش های تربیتی مکتب های آسمانی است. در این میان، مکتب اسلام از آغاز بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بسیار جدی و اندیشمندانه از مرگ و زندگی پس از آن سخن به میان آورده و حقیقت و هویت مرگ را نه تنها نیستی نمی داند، بلکه آغاز زندگی تازه ای می داند که با عبور انسان از این جهان به جهان دیگر روی می دهد. بر این اساس، تمام خوشی ها و تلخی های زندگی پس از مرگ در جهان آخرت، به عملکرد آدمی در این جهان پیش از مرگ وابسته است.

بدین ترتیب، مرگ اندیشی تکلیف و واقعیتی است که فلسفه و راه های پرداختن به آن در قرآن و روایات معصومان(ع) به دقت بیان شده است و رهبران الهی نیز بر یادآوری مرگ به مردم تأکید می کردند. با توجه در مضمون مناجات های سفیران الهی و معلمان و مربیان دین درمی یابیم که اینان برای لحظه های خطرناک مرگ با سوز و گدازی عجیب از خداوند یاری

خواسته اند. برای نمونه، آنگاه که حضرت موسی بن جعفر(ع) ضمن مناجاتش با خداوند، سر به سجده می نهاد و عرضه می داشت:

اللّهُمَّ إِنّی أسْئَلُکَ الرّاحَهَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسابِ.(۱)

پروردگارا راحتی در هنگام مرگ و بخشش وقت حساب را از درگاهت خواستارم.

درباره مرگ اندیشی علاوه بر دانشمندان مسلمان، دانشمندان غیرمسلمان نیز سخنان ارزنده ای بیان کرده اند. موریس مترلینگ می گوید:

مرگ عبارت است از تولدی جاودانه در گهواره ای از نور یا آتش. هرکس بخواهد تصور وجود مرگ را از ذهن خود دور کند، یا از آن بگریزد، بیشتر خود را در چنگال آن گرفتار می بیند و شبح مرگ، مانع از دیدن همه چیز می شود.(۲)

فاضل ارجمند جناب حجت الاسلام آقای محمدحیدر مظفری ورسی با بهره گیری از آموزش های تربیتی، به موضوع مرگ اندیشی و آثار و پیامدهای دوری از آن پرداخته است. امید است تلاش های محققانه ایشان، در جهت یاری به مسئولان فرهنگی به ویژه اصحاب رسانه ملی صدا و سیما به منظور تحقق اهداف برنامه سازی به کار آید.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

---

۱- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ص ۳۲۳.

۲- موریس مترلینگ، مرگ، ترجمه: فرامرز برزگر، تهران، کانون معرفت، ۱۳۳۶.

## پیشگفتار

پیشگفتار

روزها فکر من این است و همه شب سخنم

که چرا غافل از احوال دل خویشتنم

از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود؟

به کجا می روم آخر، ننمایی وطنم؟

برخی موضوع ها همواره خارج از دسترس حس و تفکر آدمی است و تلاش او برای حل آنها نیازمند ابزار و راهگشایانی است تا در مسیر اندیشه ورزی و دست یافتن به واقعیت ها او را یاری رسانند.

یکی از این موضوع های پیچیده که افکار بشر را به خود مشغول ساخته، پدیده مرگ است. تمام انسان ها پس از سیر کوتاهی در دنیا، به ناچار گرفتار مرگ می شوند و دنیا را برای همیشه رها می سازند. برهمین اساس، بشر از دیرباز در این اندیشه است که مرگ و واقعیت های آن چیست؟ مرگ هرکس چه زمانی فرا می رسد؟ چگونه روح از بدن انسان خارج می شود؟ در لحظات جان دادن چه رخ می دهد؟ گیرنده روح کیست؟ چه عواملی در جدایی روح از بدن دخیل است؟ آیا انسان با مرگ فانی می شود یا زندگی جدیدی را آغاز می کند؟ این ندای درونی هر انسان است: «من کیستم؟»، «از کجا آمده ام؟» و «برای چه آمده ام؟»

از آنجا که مرگ یکی از آیات حکیمانه خداوند در نظام خلقت است و حقیقت آن همانند حقیقت حیات ناشناخته است، بشر با وجود بسیاری از پیشرفت های تحسین برانگیزش در رشته های گوناگون علوم، هنوز به حقیقت

مرگ و پرسـش هـای پیرامون آن دست نیافته است. او در بیابان خشک انـدیشه هایش در پی سـراب به ظلمات نیست انگاری رسـیده است، تمـام گمـان ها و معادله های مادی گرایانه اش در هم ریخته و پرسـش هایی بـدون پاسـخ در خزانه ذهنش باقی مانده است.

دراین میـان، تنهـا ابزار مهم و مطمئن، معارف دینی است که منبع و راهگشای اصـلی بشـر در شـناخت عوالم ماورایی و دور از دسترس اوست. دین، انـدیشه ورزی انسـان را از دام تخیلاـت و نیست انگـاری هـا نجـات می بخشـد و به راز های ناگشوده او پاسخ می دهد. آموزه های وحی در قرآن و روایات پیام آوران الهی درباره مرگ و واقعیت های آن، بسـیار روشن و فهم پذیر است و هریـک می توانـد دفتر خردگرایی و انـدیشه ورزی انسان را بگشایـد و گوشه هایی از حقیقت مرگ را برایش آشکار سازد.

در نوشـتار حاضـر، سـعی بر ایـن اسـت که براسـاس آمـوزه هـای قرآن و روایـات پیشوایـان معصـوم(ع) به مرگ و حقیقت آن بپردازیم و بـا برگرفتن از آموزه هـای تربیتی، مسـیر زنـدگی خود را به گونه ای ترسـیم کنیم که آثار مثبت مرگ اندیشـی، در تمام ابعاد زندگی ما آشکار شود.

# فصل اول: کلیات

## اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

۱. مفهوم شناسی

۲. ضرورت تحقیق

۳. مرگ اندیشی در منابع اسلامی(۱)

## ۱. مفهوم شناسی

۱. مفهوم شناسی

مرگ: این واژه ریشه فارسی دارد و به معنای مردن، جان سپردن، بی جان شدن، از دست دادن نیروی حیوانی و حرارت غریزی، فنا شدن و نابودی بدن است.(۲)

معادل عربی آن واژگان موت، ممات و اجل است. در کتب لغت، موت به معنای از دست رفتن توان هر چیزی(۳) و فوت، به معنای گرفتن چیزی به تمام و کمال یاد شده است.(۴) همچنین، اجل به معنای پایان مدت، در قرآن زیاد آمده و مراد این است که هر موجودی وجودش محدود به مدتی است که خداوند آن را تعیین کرده و هیچ کس از مدت خود فراتر نخواهد رفت.(۵)

مرگ در اصطلاح دینی، عبارت است از انتقال از این جهان به جهان دیگر.(۶) برخی نیز با دیدگاه مادی گرایانه، مرگ را توقف حیات و نشانه های آن مانند قطع تنفس و ضربان قلب تعریف می کنند.(۷)

---

۱-

۲- مصطفی پاشنک، فرهنگ ریشه یابی واژگان، تهران، انتشارات محور، ۱۳۷۷، ص ۲۵۵؛ محمد معین، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۴۰۴۳.

۳- ابی الحسن احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۰ هـ. ق، ج ۵، ص ۲۸۳؛ ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۳ هـ. ق، ج ۲، ص ۹۰.

۴- عبدالله جوادی آملی، معاد در قرآن، قم، مرکز نشر اسرا، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۸۱.

۵- محمدحسین طباطبایی، معاد از دیدگاه طباطبایی، تحقیق: مرتضی متقی نژاد، قم، انتشارات عصر غیبت، ۱۳۸۲، ص ۵۳.
۶- سیدمجتبی موسوی لاری، مبانی اعتقادات در اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ص۵۰۳.
۷- دیوید چایدستر، شور جاودانگی، ترجمه: غلام حسین توکلی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۰، ص ۳۰.

انـدیشه: این واژه در لغت به معنای فکر کردن، تأمل در کار و هـدف گزینی(۱) و در اصـطلاح به معنای به کار بردن خرد در رسیدن به کاوش فکری است.(۲)

تربیت: در لغت به معنای پرورش دادن برای به فعلیت رسانیـدن نیروهای بالقوه اسـت(۳) و در اصـطلاح به معنای فراهم آوردن زمینه رشد در جنبه های مختلف و ارائه راه درست اندیشیدن، جهت رسانیدن آدمی به مرحله کمال انسانی است.(۴)

## ۲. ضرورت تحقیق

۲. ضرورت تحقیق

اندیشمندانه ترین راه برای ارزیابی ضرورت هر کاری، این است که به آثار و جایگاه کاربردی آن توجه کرد.

نقش تربیتی و جایگاه اعتقادی و عملی مرگ اندیشی، به خوبی ضرورت های تحقیق درباره این موضوع را روشن می کند که عبارتند از:

الف) ضـرورت اعتقـادی: عقیـده داشـتن به مرگ و اتفاقاتی که در آن هنگام رخ می دهـد و درحقیقت دروازه ورود به جهان آخرت است، از امور ضروری دین و جزو اصول دین به شمار می رود.(۵)

ب) ضرورت عملی و فردی: هر انسانی در انجام تکالیف و اعمال عبادی خود، نیاز به انگیزه دارد تا آن را با عشق و علاقه بهتر و برتر انجام دهـد. از جمله انگیزه هـایی که انسان را به حرکت هدفمنـد وا می دارد، عقیـده و انـدیشه درست درباره مرگ و واقعیت های آن است. امام صادق(ع) می فرماید: «هرکس

---

۱- فرهنگ معین، ج ۱، ص ۳۷۷؛ حسن عمید، فرهنگ عمید، دوره یک جلدی، کتاب خانه ابن سینا، ۱۳۶۲، ص ۱۶۴.

۲- سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، ج۱، ص۲۸۸.

۳- لغت نامه دهخدا واژه «تربیت».

۴- عباس اسماعیلی یزدی، فرهنگ تربیت، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲، ص۳۹.

۵- معاد از دیدگاه طباطبایی، ص ۵۳.

زیاد در اندیشه مرگ باشد، پیوند محکمی با خداوند برقرار می سازد و تکالیف الهی را ترک نمی کند».(۱)

اینک با انـدکی تأمل در مطالب یادشـده درباره ضـرورت مرگ اندیشـی، جایگاه و لزوم نگارش یک اثر مسـتقل درباره نقش تربیتی مرگ، برای همگان آشکار می شود.

## ۳. مرگ اندیشی در منابع اسلامی۱

### اشاره

۳. مرگ اندیشی در منابع اسلامی(۲)

مسئله مرگ اندیشـی درتمام ادیان آسـمانی از جمله دین اسلام، یک برنامه تربیتی برای تکامل و سعادت انسان هاست. دراین میان، مکتب اسـلام از آغاز بعثت پیامبر خاتم صـلی الله علیه و آله، بسـیار جـدی و اندیشـمندانه از مرگ و زنـدگی پس از آن سخن به میان آورده که به مواردی اشاره می شود:

### الف) مرگ اندیشی در قرآن

#### اشاره

الف) مرگ اندیشی در قرآن

مسئله مرگ اندیشـی واقعیتی است که اساس آن در قرآن با شیوه های گوناگون بیان شده و راه را برای اندیشه گرایی در این زمینه باز کرده است. در اینجا فقط سه روش تربیتی قرآن توضیح داده می شود.

#### یک _ تشبیه مرگ به خواب

یک _ تشبیه مرگ به خواب

در برخی آیات، مرگ به خواب تشبیه شده است:

أَللّهُ یَتَوَفَّی الأَـنْفُسَ حِینَ مَوْتِهَـا وَ الَّتِی لَمْ تَمُتْ فِی مَنَامِهَا فَیُمْسِکُ الَّتِی قَضَـی عَلَیْهَا الْمَوْتَ وَ یُرْسِلُ الْأُخْری إِلی أَجَلٍ مُسَـمًّی إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ.(زمر: ۴۲)

خداونـد ارواح را هنگـام مرگ می گیرد و ارواحی را که نمرده انـد نیز به هنگـام خواب می گیرد، سـپس ارواح کسانی را که فرمـان مرگشان را صادر کرده، نگه می دارد و ارواح دیگری را تا سـرآمد معیّن بازمی گردانـد. در این امر نشانه هایی روشـن است برای کسانی که می اندیشند.

۱- شیخ جواد کربلایی، الانوار الساطعه، دارالحدیث، ج ۳، ص ۴۹۴.

۲- در این فصل هدف، روشن کردن این مطلب است که اساس بحث تربیتی مرگ اندیشی در قرآن، سیره امامان معصوم و صالحان از جایگاه بالایی برخوردار است.

مرحوم فیض کاشانی دراین باره می نویسد: «تشبیه خواب به مرگ برای این است که اندیشه آدمی را بیدار سازد؛ زیرا همان گونه که از خواب راه گریزی نیست، از مرگ نیز چنین است».(۱)

## دو ـ تشبیه و تمثیل به امور طبیعی

دو ـ تشبیه و تمثیل به امور طبیعی

یکی از روش های کاربردی قرآن در زمینه تربیتی، تشبیه و تمثیل است. خداوند متعال معانی پیچیده و مشکل را به مفاهیم ملموس و مجسم تشبیه کرده است. چنان که درباره حقیقت مرگ و نیز حالات انسان در آن هنگام، تمثیل ها و تشبیه های فراوانی در قرآن وجود دارد، از جمله می فرماید:

وَ اضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ الْحَیَاهِ الدُّنْیَا کَمَاءٍ اَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الاَرْضِ فَاَصْبَحَ هَشِیماً تَذْرُوهُ الرِّیَاحُ وَ کَانَ اللهُ عَلی کُلِّ شَیْءٍ مُّقْتَدِراً.(کهف: ۴۵)

[ای پیامبر!] زندگی دنیا را به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می فرستیم و به واسطه آن گیاهان زمین در هم فرو می رود، ولی بعد از مدتی می خشکد و باد ها آن را به هر سو پراکنده می کنند و خداوند به همه چیز تواناست.

در سوره مبارکه یونس نیز می فرماید:

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَیَاهِ الدُّنْیَا کَمَاءٍ اَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الاَرْضِ مِمَّا یَاْکُلُ النَّاسُ وَالاَنْعَامُ حَتَّی إِذَا اَخَذَتِ الاَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّیَّنَتْ وَظَنَّ اَهْلُهَا اَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَیْهَا اَتَاهَا اَمْرُنَا لَیْلاً اَوْ نَهَاراً فَجَعَلْنَاهَا حَصِیداً کَاَن لَّمْ تَغْنَ بِالاَمْسِ کَذَلِکَ نُفَصِّلُ الآیاتِ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ.(یونس: ۲۴)

مَثَل زندگی دنیا، همانند آبی است که از آسمان نازل کرده ایم، در پی آن گیاهان زمین که مردم و حیوانات از آن می خورند، می روید تا زمانی که زمین، زیبایی خود را می یابد و آراسته می شود و مردمش خود را بر آن قادر و متصرف می پندارند، [ناگهان] فرمان ما شب هنگام یا در روز [برای نابودی آنان] فرا می رسد و آنچنان آن را درو می کنیم که گویی دیروز در آن هیچ نبوده است. این گونه آیات خود را برای گروهی که می اندیشند، شرح می دهیم.

---

۱- ملامحسن فیض کاشانی، محجه البیضا، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ه_ ق، ج ۲، ص ۳۵۹.

به تصریح آیات قرآن هدف از آوردن این نمونه ها تقویت اندیشه و تفکر آدمیان است:

«وَ یَضْرِبُ اللّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ؛ خداوند برای مردم نمونه هایی می آورد تا شاید متذکر شوند».(ابراهیم: ۲۵)

«وَ تِلْکَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ؛ این مثال هایی است که برای مردم بیان می کنیم، شاید در آن بیندیشند».(حشر: ۲۱)

در برخی منابع آمده است، کاربرد تمثیل ها و تشبیه های قرآن از زندگی انسان به امور طبیعی مانند باد، باران و گیاهان، برای این است که به انسان گوشزد کند زندگی اش مانند آنها روزی به پایان خواهد رسید.(۱)

## سه _ بیان داستان ها

سه _ بیان داستان ها

داستان های قرآن در تربیت و هدایت انسان ها و ایجاد زمینه مرگ اندیشی نقش مؤثر و ارزشمندی دارند، چنان که خداوند به پیامبرش خطاب می کند: «فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ؛ قصه ها را با آنها بازگو کن، شاید که فکر کنند.» (اعراف: ۱۷۶) همچنین، در سوره مبارکه روم دراین باره می فرماید:

أَوَلَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَیَنْظُرُوا کَیْفَ کَانَ عَاقِبَهُ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ کَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّهً وَ اَثَارُوا الْاَرْضَ وَعَمَرُوهَا اَکْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَیِّنَاتِ فَمَا کَانَ اللهُ لِیَظْلِمَهُمْ وَ لَکِنْ کَانُوا أَنفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ. (روم: ۹)

آیا در زمین گردش نکردند تا پایان کار کسانی را که پیش از ایشان بودند، بنگرند که آنها از اینان نیرومند تر بودند و زمین را بیش از ایشان دگرگون و آباد ساختند و پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند. خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، بلکه خود در حق خویش ستم کردند.

نگاهی پندگیرانه به این گونه داستان های قرآنی، باعث تربیت افراد و هدایت ایشان به مرگ اندیشی و بازداری از رفتار انحرافی می شود.

---

۱- سید محمدحسین حسینی تهرانی، معاد شناسی، انتشارات حکمت، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۳.

## ب) مرگ اندیشی در سیره پیشوایان معصوم(ع)

ب) مرگ اندیشی در سیره پیشوایان معصوم(ع)

یک _ مرگ اندیشی در روایات: با مراجعه به منابع روایی، می توان به انبوهی از روایات امامان معصوم(ع) درباره مرگ اندیشی دست یافت. ایشان با مخاطبان خویش به قدر درکشان سخن گفته اند. در اینجا به نمونه هایی از آن روایات که جنبه تربیتی دارد، اشاره می شود:

در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره اهمیت مرگ اندیشی نقل شده است:

بهترین عبادت؛ زهدورزی، و تفکر، این است که انسان، همواره در اندیشه مرگ باشد و هرکس زیاد در اندیشه مرگ باشد، قبرش را باغی از باغستان های بهشت می یابد.(۱)

در رفتارشناسی انسان ثابت شده است که او زیاده خواه و به دنبال بهترین هاست. ازاین رو، رسول اکرم صلی الله علیه و آله مرگ اندیشی را برتر از زهد، عبادت و تفکر ذکر کرده تا کسانی که می خواهند در وادی مرگ اندیشی قدم گذارند، تشویق شوند. همچنین آن حضرت می فرماید: «اَلنَّومُ اَخُ الْمَوْتِ؛ خواب برادر مرگ است.»(۲) چنان که لقمان به فرزندش خطاب می کند:

فرزندم! اگر درباره مرگ شک داری، در خوابت امتحان کن. اگر توانستی خواب را از خود دور کنی، توان دور کردن مرگ را نیز خواهی داشت، درحالی که هیچ یک عملی نیست.(۳)

علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید:

وَ بادِرُو المَوْتَ وَ غَمَراتِهِ وَ امْهَدُوا لَهُ قَبْلَ حُلُولِهِ وَ اَعِدُّو لَهُ قَبْلَ نُزُولِهِ فَإِنَّ الْغایَهَ الْقِیامَهُ وَ کَفی بِذالِکَ واعِظاً لِمَنْ عَقَلَ وَ مُعتَبَرًا لِمَنْ جهِل.(۴)

---

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۶، ص ۱۳۷؛ محمد بن محمد تاج الدین شعیری، جامع الاخبار، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲- محجه البیضا، ج۲، ص ۳۵۹.

۳- محجه البیضا، ج۲، ص۳۷۲.

۴- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، خطبه ۱۹۰، ص۳۷۲.

پیش از فرا رسیدن مرگ، خود را برای پیشامد های پایان زندگی دنیا آماده سازید. هدف نهایی، قیامت است. مرگ برای خردمندان، پند و اندرز، و برای جاهلان، وسیله عبرت آموزی است.

در روایتی نقل شده است، روزی یکی از یاران امام صادق (ع) به آن حضرت عرض کرد: «ای پسر رسول خدا! مدتی است خواب های آشفته می بینم، می ترسم مرگم نزدیک شده باشد.» امام فرمود: «شب و روز در اندیشه مرگ باشید، همانا او به سراغ انسان می آید».(۱)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت برای تحریک مرگ اندیشی در افراد، مرگ و پیامدهای آن را یادآوری می کرد و می فرمود:

در اندیشه مرگ باشید و بدانید که از مرگ گریزی نیست. مرگ آنچه از خوبی ها و بدی ها دارد، با خود می آورد. هرکس برای جهان پس از مرگ بکوشد، خوشی و آسایش را برای او می آورد و آن که برای این دنیا کار و تلاش کند، مرگ برای او بدبختی و پشیمانی می آورد.(۲)

با توجه به تأکیدات فراوان امامان معصوم(ع) درباره مرگ اندیشی برخی از یاران امیرمؤمنان، علی (ع) با اظهار نگرانی، از آن حضرت پرسیدند: چگونه در اندیشه مرگ باشیم؟ حضرت در پاسخ فرمود: «با به جای آوردن واجبات و دوری از محرمات و فرا گرفتن خوی نیک، انسان برای مرگ آمادگی می یابد و دیگر از فرا رسیدن زمان مرگش باک ندارد».(۳)

بنابراین، توجه به این روایات می تواند برای هرکس زمینه آماده شدن برای مرگ و جهان پس از آن را فراهم آورد.

دو ــ سیره عملی پیشوایان معصوم(ع): انسان های وارسته، آرمان گرا و دارای اندیشه الهی، همواره در مسیر زندگانی پربارشان به دنبال تأثیرگذاری بر

---

۱- عبد علی بن جمعه حویزی، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ هــ.ق، ج ۲، ص ۴۷۱.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۷۵.

۳- شیخ صدوق، امالی، انتشارات کتاب خانه اسلامیه، ۱۳۶۲، ص ۱۱۰.

دیگران هستند. یکی از بهترین راهکارهای تربیتی و اثرگذاری بر افراد، هماهنگی بین کردار و گفتار مربی است. رهبران الهی که معلمان و مربیان افراد بشرند، هیچ گاه میان کردار و گفتارشان ناهمگونی دیده نمی شد. شواهد فراوان از سیره عملی امامان درباره مرگ اندیشی نقل شده است که نشان می دهد هریک از آنان در عمل نیز از این تفکر الهام می گرفتند که به نمونه هایی اشاره می شود:

علامه مجلسی در حالات پیامبر نقل کرده است که آن حضرت در تمام لحظه های زندگی اش به یاد مرگ بود و می فرمود: «نفسم بر من فشار می آورد.» ایشان همواره از خوف مرگ گریه می کرد و می فرمود: «احوالات هنگام مرگ و لحظه های خطرانگیز آن، تنگی قبر و سختی های قیامت کجاست؟»(۱)

از ابوذر نقل شده است:

ما همواره رسول خدا صلی الله علیه و آله را از خوف مرگ اندیشناک و غمگین می دیدیم. روزی آن حضرت را شادمان دیدم، علت را جویا شدم، فرمود: مقداری از بیت المال نزد من باقی مانده بود و در هراس بودم که اگر در این حال مرگم فرا رسد، چه کنم، تا آن مال را تقسیم کردم و خیالم راحت شد.(۲)

درباره امیرمؤمنان، علی (ع) و حالات مرگ اندیشی آن حضرت، ضرار بن ضمره گوید:

او را در یکی از شب ها دیدم که در محراب خود ایستاده بود. محاسن خود را به دست گرفته بود و چون مارگزیده به خود می پیچید و چون غمزده ها می گریست. گویا اکنون صدایش در گوش من است که می گوید: «آهِ آهِ!

---

۱- بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۵۳۰.

۲- تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۷.

مِنْ قِلَّهَ الزّادِ وَ بُعْدِ السَّفَرِ وَ وَحْشَهِ الطَّریقِ؛ آه، آه! از کمی توشه و دوری سفر و وحشت راه».(۱)

درباره مرگ اندیشی زهرا (س) نیز نقل شده است که امام علی (ع) در شب عروسی، فاطمه (س) را نگران دید. علت را از فاطمه (س) جویا شد، فاطمه (س) جواب داد:

پیرامون حال و رفتار خویش اندیشیدم، به یاد مرگ و قبر خویش افتادم. امروز از خانه پدر به خانه شما آمدم و روز دیگر از اینجا به طرف قبر و قیامت خواهم رفت. تو را به خدا سوگند می دهم! بیا به نماز بایستیم و خدا را با هم عبادت کنیم.(۲)

به راستی روش فاطمه (س) یکی از بهترین آموزه های تربیتی است که هر زن و مرد، لحظه های شیرین آغاز زندگی مشترک خود را به تلخی گناه نیالاید، بلکه با گرفتن گلبرگی از زندگی علی (ع) و زهرا (س)، برای لحظه های مرگ و زندگی پایدار آخرت خود بیندیشد.

درباره حالات سروَر عبادت کنندگان، امام سجاد (ع)، از طاووس یمانی نقل شده است:

نیمه شبی داخل حجر اسماعیل شدم، دیدم که امام زین العابدین (ع) در سجده است و کلامی را تکرار می کند. چون گوش دادم، این دعا را تکرار می فرمود: «اِلهی عَبیدُکَ بِفَنائِکَ وَ مِسْکینُکَ بِفَنائِکَ وَ فَقیرُکَ بِفَنائِکَ؛ خدایا! بنده مسکین، محتاج و نیازمند تو، بر درگاهت منتظر رحمت است و امید عفو و احسان به تو دارد».(۳)

---

۱- بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۲۱.

۲- محمد دشتی، فرهنگ سخنان فاطمه زهرا(س)، انتشارات مشهور، ۱۳۸۱، ص ۲۰، به نقل از: شیخ مفید، الارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی، تهران، انتشارات اسلامیه، ص ۲۸۸.

۳- تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۱۵.

نقل های فراوان دیگری از ایشان رسیده است که با تمام توان در خدمت گزاری به تهی دستان و نیازمندان مشغول بود و می فرمود: «با این کار های نیک، می خواهم توشه سفر مرگ خود را آماده کنم».(۱)

سه ــ مرگ اندیشی در دعا و نیایش امامان معصوم(ع): دعا به معنای خواندن و نوعی خواستن است که به صورت راز و نیاز و نیایش و مناجات با خداوند ابراز می شود. در مکتب تربیتی رهبران معصوم، دعا گونه ای از ابراز قدردانی و شکرگزاری است. انسان ها به درگاه خداوند حضور می یابند و بی تابانه و همراه با ناله، خواسته های خود را مطرح می کنند. دعا در ساعت های خاصی از شبانه روز و در مکان های مخصوص همچنین با توجه به حالات ویژه انسان، بسیار گوناگون و گسترده است. با دقت در مضمون دعاها، می توان به این نتیجه دست یافت که امامان و رهبران الهی، از یک طرف به جهت معرفت و شناختی که از مرگ و لحظه های خطرناک آن داشته اند، با سوز و گدازی عجیب از خداوند یاری خواسته اند و از سوی دیگر، با اظهار ناله و سوز و گداز، خواسته اند در مکتب تربیتی خود، انسان هایی مرگ اندیش تربیت و آنها را اصلاح کنند.

درباره رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که در لحظه های آخر عمر شریفش به پیشگاه خداوند عرضه داشت: «اَللّهُمَّ اَعِنّی عَلَی غَمَراتِ المَوتِ؛(۲) خداوندا! مرا در لحظه های جان دادن یاری رسان.» همچنین، در برخی منابع آمده است که یکی از دعا های آن حضرت این بود: «أللّهُمَّ اَعِنِّی عَلی سَکَراتِ الْمَوْتِ؛ خداوندا! در هنگام تلخی جان دادن یاری ام کن.»(۳) پیامبر خدا به آن دسته از افراد که

---

۱- شیخ صدوق، علل الشرایع، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۳ه__.ق، ص ۲۳۱.

۲- محمد بن عیسی ترمذی، السنن، بیروت، دارحیاء التراث العربی، ج ۳، ص ۳۰۸؛ ابی بکر محد بن عبدالله بن ابی الدنیا، المحتضر، بیروت، داربن حزم، ۱۴۱۷ه__.ق، ص۴۶.

۳- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ ه__.ق، ج ۲، ص ۴۴۹؛ احمد بن شعیب نسائی، سنن نسائی، حلب، مکتبه مطبوعات الاسلامیه، ۱۴۰۶ه__.ق، ج ۴، ص ۲.

به دلیل بروز گرفتاری ها و مشکلات بی تابی می کردند و مرگ خود را از خداوند می خواستند، می فرمود:

هیچ یک از شما برای سختی هایی که در طول زندگی تان پیش می آید، به درگاه خداوند تقاضای مرگ نکنید، بلکه خداوند را این گونه بخوانید:

«أَللّهُمَّ أَحْيِنِی ما کانَتِ الْحَیوةُ خَیراً لِی وَ تَوَفَّنِی إذا کانَتِ الْوَفاتُ خَیْراً لِی؛ خداوندا! مرا زنده بدار تا زمانی که زندگی برایم خیر و برکت است و مرا بمیران، زمانی که مرگ برای من خیر و صلاح است».(۱)

این جملات رسول اکرم صلی الله علیه و آله، آموزه های بسیار نیک و شایسته ای برای بیدارسازی اندیشه آدمی درباره مرگ و خطرات آن است. نیز نقل شده است امام صادق (ع) همواره در نماز شب می فرمود:

أللّهُمَّ اَعِنّی عَلَی هَولِ المُطَّلَعِ وَ وَسِّع عَلَی المُضطَجَعِ وَ ارْزُقنِی خَیْرَ مَا قَبْلَ المَوتِ وَ خَیْرَ مَا بَعدَ المَوْتِ.(۲)

خداوندا! مرا در لحظه های بعد از مرگ، یاری فرما و قبر را بر من گشاده گردان، برایم خوبی ها را پیش از مرگ و بعد از مرگ عنایت فرما.

درباره حالات مرگ اندیشی امام کاظم (ع) ضمن مناجاتش با خداوند، نقل است که آن حضرت سر را به سجده می نهاد و عرضه می داشت:«أَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ الرّاحَةَ عِندَ المَوْتِ وَ العَفْوَ عِنْدَ الحِسابِ؛ پروردگارا! راحتی در هنگام مرگ و بخشش وقت حساب را از درگاهت طلب دارم.»(۳) و نیز می گفت: «خداوندا! آمادگی پذیرش مرگ و دست یابی به انجام کارهای نیک را قبل از آمدن مرگ، برایم ارزانی فرما».(۴)

با بررسی صحیفه سجادیه، می توان دریافت که در روزگار فروپاشی معنویت و گرایش مردم به دنیاگرایی، در زمان حکومت امویان، امام

---

۱- تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۰۳.

۲- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ه_ ق، ج ۱، ص ۴۸۰.

۳- الکافی، ج ۳، ص ۳۲۳.

۴- تقی الدین ابراهیم کفعمی، بلد الامین، ص ۳۲۹.

سجاد (ع) برای تربیت و بیدارسازی اندیشه مردم، در فراز های گوناگون از دعاهایش، مردم را به سوی مرگ اندیشی هدایت می کرد. چنان که اختصاص دو مناجات، یکی برای طلب توبه و دیگری برای دعا در زمان یاد مرگ، میزان اهمیت آن حضرت به مرگ اندیشی را نشان می دهد. ایشان در فرازی از دعای طلب توبه، پس از اظهار خشوع فراوان در پیشگاه خداوند، سخن از توبه و پشیمانی به میان می آورد، سپس با یادآوری عظمت و بخشایش خداوند، عرضه می دارد:

أَللّهُمَّ وَ ثَبِّتْ فِی طاعَتِکَ نِیَّتِی وَ أَحْکِمْ فِی عِبادَتِکَ بَصِیرَتِی وَ وَفِّقْنِی مِنَ اَلْأَعْمالِ لِما تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطایا عَنِّی وَ تَوَفِّنِی عَلی مِلَّتِکَ وَ مِلَّتِ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ اِذا تَوَفَّیْتَنی.(۱)

خدایا! نیتم را در اطاعت از تو استحکام ببخش و بینشم را در بندگی ات قوی گردان و به انجام کارهایی که پلیدی و خطاهایم را شست وشو می دهد، توفیقم ده و هنگام مرگ، به آیین خویش و پیامبرت، محمد صلی الله علیه و آله، بمیران.

امام سجاد(ع) در دعای چهلم صحیفه سجادیه، هرگاه خبر مرگ کسی را می شنود یا خود از مرگ یاد می کند، ابتدا با سوز و گداز به پیامبر و خاندانش درود می فرستد و از خداوند درخواست می کند که بندگان خویش را از تعلقات دنیایی و آرزوهای دراز بازدارد و از غرور ایمن بدار، سپس در اوج مرگ اندیشی عرضه می دارد:

وَ انْصِبِ الْمَوْتَ بَیْنَ أَیْدِینا نَصْباً، وَ لا تَجْعَلْ ذِکْرَنا لَهُ غِباً وَاجْعَلْ لَنا مِنْ صالِحِ الْأَعْمالِ عَمَلاً نَسْتَبطِیءُ مَعَهُ الْمَصِیرَ اِلَیْکَ وَ نَحْرِصُ لَهُ عَلی وَشْکِ اللَّحاقِ بِکَ حَتّی یَکُونَ الْمَوْتُ مَأْنَسَنَا الَّذِی نَأْنَسُ بِهِ وَ مَأْلَفَنَا الَّذی نَشْتاقُ اِلَیْهِ.(۲)

و همواره مرگ را در پیش چشم ما مجسم فرما و هیچ گاه یاد آن را از خاطرمان مبر، از کارهای نیکو عملی به ما عطا فرما که با آن توشه به سوی

---

۱- صحیفه سجادیه، ترجمه: محمدتقی خلجی، انتشارات پیام مهدی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۸، دعای سی ویکم در طلب توبه.
۲- صحیفه سجادیه، ترجمه: محمدتقی خلجی، انتشارات پیام مهدی، ۱۳۸۲، ص۲۸۲، دعای چهلم.

تو سیر کنیم و به قرب دیدار تو حریصانه مشتاق شویم تا اینکه مرگ مایه انس ما باشد که بدان انس گیریم و موعد الفتی باشد که بدان عشق ورزیم....

## ج) نکات پندآموز در گفتار صالحان و دانشمندان

ج) نکات پندآموز در گفتار صالحان و دانشمندان

علامه مجلسی: «مراد از مرگ اندیشی این است که انسان پیش از مرگ، حقیقت دنیا را بدانند و برای پس از مرگ تدارک سفر ببیند».(۱)

صدرالمتألهین شیرازی: «بدان که در اندیشه مرگ بودن، بهترین عبادت هاست؛ زیرا حجاب بشر، از ضخیم ترین حجاب هاست و انسان با مرگ اندیشی، از آن حجاب ها رها می شود».(۲)

فیض کاشانی: «در تشییع جنازه حاضر شو و درباره آن میت اندیشه کن که چگونه همه چیز خود را رها می سازد و در میان خاک می خوابد. بدان که سفر نزدیک است و پشیمانی ها فرا می رسد، درحالی که نفع ندارد. بکوش تا خود را با این تفکر، برای کردار صالح آماده کنی».(۳)

شهید ثانی: «بر هر انسان عاقبت اندیشی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، واجب است که از محاسبه نفس خود و اندیشه و هوس ها غفلت نورزد، که با هر نفس این عمر، می توان گنجی به دست آورد که نعمت های آن تا ابد به پایان نرسد».(۴)

بهاری همدانی: «مرگ در یک لحظه پایه های خوشی ها را در هم می شکند و بنیان غرایز را ویران می سازد. شاید اشتغال قلب به غیرخدا، مانع از یاد مرگ است. خردمند کسی است که خود را با مرگ پیراسته کند».(۵)

ملکی تبریزی: « ای بنده پست و بیکاره! زندگی تو از هنگام تولد تا زمان مرگ، همانند ایستگاه های مسافرت تو به وطن نخستینت است».(۶)

---

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۶۴.

۲- محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۶۶، ج۴، ص ۳۹۷.

۳- محجه البیضا، ج۲، ص۵۲.

۴- شهید ثانی، اندرزنامه، ترجمه: حسین قهستانی، انتشارات نهاوندی، ۱۳۸۰، ص ۲۹.

۵- شیخ محمد بهاری همدانی، تذکره المتقین، تحقیق: علی افراسیابی، انتشارات نهاوندی، ۱۳۸۵، ص۱۳۷.

۶- میرزا جواد ملکی تبریزی، المراقبات، ترجمه: ابراهیم محدث بندرریگی، قم، انتشارات اخلاق، ۱۳۷۶، ص ۲۷.

امام خمینی: «فکر درباره مرگ و شدت و سکرات آن، همچنین ناراحتی، حرارت، درد و رنج هنگام جدایی روح از بدن، حسرت آدمی در آن حال، جدایی از تمام آنچه بر آن دل بسته است، تاریکی قبر و غربت آدمی در گور، بسیار مؤثر است».(۱)

فخر رازی، دانشمند اهل سنت: «هرکس بیشتر به یاد مرگ باشد، قلب او هیچ گاه از خشوع خالی نمی شود و همین امر سبب می شود که او توبه نماید».(۲)

موریس مترلینگ، دانشمند غیرمسلمان: «مرگ عبارت است از تولدی جاودانه، در گهواره ای از نور یا آتش. هرکس بخواهد تصور وجود مرگ را از ذهن خود دور کند، یا از آن بگریزد، بیشتر خود را در چنگال آن گرفتار می بیند و شبح مرگ مانع از دیدن همه چیز می شود».(۳)

توماس، دیگر دانشمند غیرمسلمان: «تأمل کن! درباره مرگ و اینکه به زودی زندگی به پایان خواهد رسید. پس به وضع خودت بنگر! امروز آدمی اینجاست و فردا اثری از او نیست. هنگامی که او از دید انسان ها خارج می شود، به زودی از یاد آنها خواهد رفت».(۴)

بنابراین، مرگ به علت اجتناب ناپذیر بودن، مورد توجه تمام اندیشمندان الهی و غیرالهی قرار گرفته است و همه آنها تأکید دارند که انسان باید همواره در اندیشه مرگ باشد و درنتیجه برای پذیرش آن آماده شود.

### د) نکات تربیتی و برنامه ای

د) نکات تربیتی و برنامه ای

---

۱- روح الله موسوی خمینی، اسرار الصلاه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸.
۲- محمد بن عمر فخر رازی، تفسیر کبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ هـ. ق، ج۱، ص۴۹۱.
۳- موریس مترلینگ، مرگ، ترجمه: فرامرز برزگر، تهران، کانون معرفت، ۱۳۳۶، ص ؟ .
۴- توماس کمپس، اقتدا به مسیح، ترجمه: سعید عدالت نژاد، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲، ص ۷۰.

دست انـدرکاران امور تربیتی، برای عملی سـاختن این آموزه هـا بـا انتخـاب طرح هـای منـاسب، می تواننـد نقش تأثیرگـذار و ارزشـمندی را ایفـا کننـد. دراین میـان، رسانه های گروهیماننـد رادیو و تلویزیون، به دلیل داشـتن مخاطبان فراوان، قادرنـد با انتخاب آموزه های ذیل، مرگ اندیشی را بهتر ترویج کنند:

یـک ـ انتخـاب تشبیهـات قرآن و مثـال هـای آن درباره حقیقت زنـدگی انسان که در متن اشاره شـد. دراین زمینه می توان از گردش فصل های چهارگانه سال و ارتباط آن با بهار و خزان عمر انسان، برای مرگ اندیشی و آخرت گرایی استفاده کرد.

دو ـ برگزیدن قصه های قرآن و داستان هایی که در آنها بشارت و انذار مطرح شده است.

سه ـ ساختن فیلم هایی مانند سیاحت غرب و پیامک از دیار باقی براساس آیات و روایات.

چهار ـ انتخاب آموزه هایی از سیره معصومان(ع) و حالات آنها درباره مرگ اندیشی.

پنج ـ گزینش احادیث کوتاه درباره مرگ، برای زیرنویس تلویزیون در زمان های مناسب.

شش ـ ارائه بعضی احادیث درباره مرگ اندیشی، هنگام اجرای مسابقات رادیویی و تلویزیونی.

هفت ـ تصویرسازی از یادگارهای پیشـینیان مانند آثار باسـتانی، کاخ ها، قلعه ها، قبرستان های قدیمی. همچنین، طرح پرسش هایی درباره سرنوشت سازندگان این بناها و آرزوهای ساکنان این مکان ها.

## فصل دوم: مرگ اندیشی در اندیشه اسلامی و غیراسلامی

### اشاره

فصل دوم: مرگ اندیشی در اندیشه اسلامی و غیراسلامی

زیر فصل ها



### ۱. هویت مرگ در اندیشه اسلامی

#### اشاره

۱. هویت مرگ در اندیشه اسلامی

زیر فصل ها

ط) تبیین جایگاه تمنا و آرزوی مرگ در اندیشه اسلامی

ی) تبیین جایگاه مرگ اندیشی در اسلام

## الف) مخلوق بودن مرگ

الف) مخلوق بودن مرگ

در هویت شناسی مرگ، بیش از همه دانستن این مطلب ضرورت دارد که قرآن کریم، مرگ و حیات را کنار هم قرار داده و هر دو را به طور یکسان، مخلوق خداوند خوانده است: «أَلَّذِی خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَیاهَ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً؛ او خداوندی است که مرگ و حیات را آفرید، برای آنکه شما را امتحان کند تا کدامتان نیکوکارترید.»(ملک: ۲) این آیه بیانگر این حقیقت است که مرگ و زندگی دو امر وجودی هستند و خالق توانا، هر دو را با هم آفریده و از نعمت هستی برخوردارشان ساخته است.

در برخی منابع تفسیر آمده است: «از این آیه برگرفته می شود که مرگ و حیات هر دو مخلوقند. اگر مرگ به معنای فنا و نیستی مطلق بود، مخلوق بودن آن معنی نداشت؛ زیرا مرگ انتقال از جهانی به جهان دیگر است. ازاین رو، یک امر وجودی و قابل آفرینش است».(۱)

خداوند به واسطه مرگ، بندگانش را امتحان می کند و اعتقاد به چنین معنایی، می تواند عامل تربیتی برای انسان باشد تا آگاهانه برای انجام کارهای نیک اقدام کند.

---

۱- ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، قم، مدرسه علی بن ابی طالب، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۳۰.

امام باقر (ع) در این رابطه می فرماید:

حیات و مرگ دو مخلوق از آفریده های خداوند هستند. موقعی که مرگ فرا می رسد و در آدمی راه می یابد، به هیچ یک از اعضای بدن وارد نمی شود، جز آنکه حیات از آن خارج می شود.(۱)

مرحوم شهید مطهری دراین زمینه می فرماید:

قرآن همان گونه که حیات را یک امر وجودی و دارای رسول، فرشته و مأمور می داند، برای مردن نیز مأموران و فرشتگان مخصوص معرفی کرده است. اگر مرگ پایان حیات بود، دیگر این حرف ها معنی نداشت.(۲)

## ب) انواع مرگ در اندیشه اسلامی

### اشاره

ب) انواع مرگ در اندیشه اسلامی

در منابع اسلامی مانند قرآن و روایات معصومان(ع)، تعبیرات و واژگانی درباره ماهیت مرگ به کار رفته است که می توان از آنها سه نوع مرگ روحی، ارادی و جسمی را در اندیشه اسلامی دریافت.

### یک ـ مرگ روحی یا قلبی

یک ـ مرگ روحی یا قلبی

در قرآن صفات و امور فراوان چون درک کردن، اندیشیدن، ترس، اضطراب، اطمینان، رحمت، رأفت و... به قلب نسبت داده شده است. ازاین رو، می توان نتیجه گرفت که اصطلاح قلب در قرآن با قلب مادی کاملاً متفاوت است. شاید بتوان ادعا کرد که منظور از قلب، همان روح و نفس است که می توانـد هم منشأ صفات عالی انسانی و هم پستی ها باشد.(۳) اگر قلب مرکز اندیشه خیرخواهانه شد و به دعوت منادیان دین جواب مثبت داد، در اندیشه اسلامی درحقیقت قلب زنده است:

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ اسْتَجِیبُواْ لِلّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاکُمْ لِمَا یُحْیِیکُمْ. (انفال:۲۴)

ای آنان که ایمان آورده اید! خدا و رسول او را اجابت کنید، هنگامی که شما را به چیزی که زنده تان کند، بخوانند.

---

۱- کافی، ج۳، ص۲۵۹.

۲- مرتضی مطهری، معاد، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.

۳- محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی ـ پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۷، چ ۳،، ج۱،

ص۲۶۴.

اما اگر قلب از درک واقعیت ها و اندیشیدن در مسائل دینی و ارزش های اعتقادی بازماند، در اندیشه اسلامی، چنین قلبی گرفتار و نابود شده است و به دلیل همین کج روی، قرآن با صراحت از آنها به مردگان تعبیر و به پیامبر خطاب می کند:

إِنَّکَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَی وَلا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِینَ. (نمل: ۸۰)

همانا تو نمی توانی سخنت را به گوش مردگان برسانی و نمی توانی کران را هنگامی که روی برمی گردانند، فرا خوانی.

و در سوره روم نیز می فرماید: «فَإِنَّکَ لاَ تُسْمِعُ الْمَوْتَی؛ تو نمی توانی سخنت را به گوش مردگان برسانی.» (روم: ۵۲) آشکار است که مراد از این مردگان، انسان های زنده نمایی بودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی آنان می رفت و ایشان را به اسلام فرا می خواند، ولی این انسان های دل مرده به دلیل نداشتن درک و اندیشه، نمی توانستند میان حق و باطل تمییز دهند، پس خداوند از آنها به مردگان تعبیر کرده است.

امیرمؤمنان، علی (ع) درباره این گونه افراد می فرماید:

فَالصُّورَهُ صُورَهُ اِنْسانٍ وَالْقَلْبُ قَلْبُ حَیوانٍ لا یَعْرِفُ بابَ الْهُدی فَیَتَّبِعَهُ وَ لا بابَ الْعَمی فَیَصُدَّ عَنْهُ وَ ذلِکَ مَیِّتُ الْاَحْیا.(۱)

چهره ظاهر او انسان و قلبش، قلب حیوان درنده است. راه هدایت را نمی شناسد که از آن سو برود و راه خطا را نمی داند که از آن بپرهیزد. پس مرده ای است در میان زندگان.

همچنین، حضرت در برابر ناسپاسی ها و کوتاهی های اهل کوفه می فرماید: «مالِی أَراکُمْ اَشْباحاً بِلا أَرْواحٍ؛ مردم کوفه چرا شما را پیکر های بی روح می نگرم؟»(۲)

---

۱- نهج البلاغه، ص۱۴۸، خطبه ۸۷.

۲- نهج البلاغه، ص ۲۰۰، خطبه۱۰۸.

بنابراین، از دیدگاه اسلام، هرگاه انسان از اندیشیدن در امور دین و دنیای خود بازماند، همچون مرده ای میان زندگان به سر می برد. این مسئله از نظر تربیتی می تواند اثر عملی مهمی برای انسان داشته باشد تا با اندیشیدن در مسائلی همانند مرگ به زندگی واقعی دست یابد.

## دو ــ مرگ ظاهری و جسمی

دو ــ مرگ ظاهری و جسمی

برای این قسم از مرگ که همان جدا شدن روح از جسم است، نمونه های فراوان در آیات و روایات ذکر شده است:

اول ــ مرگ طبیعی: در این نوع مرگ، شخص عمر طبیعی خود را به پایان می رساند. این گونه مرگ ها عادی تلقی می شوند و افسوسی به دنبال ندارد. «وَ لِكُلِّ اُمَّةٍ اَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ اَجَلُهُمْ لاَ يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً؛ برای هر قوم و جمعیتی، سرآمدی معیّن است. هنگامی که زمان آنها فرا می رسد، ساعتی تأخیر ندارد».(اعراف: ۳۴ و یونس: ۴۹)

دوم ــ مرگ اخترامی و دسته جمعی: این نوع مرگ بر اثر بیماری هایی مثل وبا و حصبه، یا بر اثر حوادث طبیعی مانند زلزله و سیل صورت می گیرد که به دلیل گسترده بودنش تأسف آور است و معمولاًـ به دنبال ظلم و فساد اجتماعی دامن گیر جامعه می شود. خداوند در سوره اسرا می فرماید:

وَإِذَا اَرَدْنَا اَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً اَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيراً.(اسراء: ۱۶)

هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر برای مترفین آنها بیان می داریم. سپس هنگامی که آنها فسق ورزیدند آنها را به شدت می کوبیم.

سوم ــ مرگ جنایی: مرگی که در آن فردی، بر اثر پیروی از هوای نفسش، شخص دیگر را به قتل می رساند. مانند ماجرای فرزندان آدم، هابیل و قابیل.

«فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ نفس سرکش، او را به کشتن برادرش ترغیب کرد. [سرانجام] او را کشت و از زیان کاران شد».(مائده: ۳۰)

چهارم ـ مرگ نفله ای: مانند اینکه کسی بر اثر نداشتن ایمان یا ضعف آن، دست به خودکشی می زند که این، از بدترین مرگ هاست. خداوند در قرآن می فرماید:

وَلاَ تَقْتُلُواْ اَنفُسَکُمْ إِنَّ اللّهَ کَانَ بِکُمْ رَحِیماً وَمَنْ یَفْعَلْ ذَلِکَ عُدْوَاناً وَظُلْماً فَسَوْفَ نُصْلِیهِ نَاراً وَکَانَ ذَلِکَ عَلَی اللهِ یَسِیراً. (نساء: ۲۹ و ۳۰)

خودکشی نکنید، خداوند به شما مهربان است و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، به زودی او را در آتش خواهیم افکند و این کار برای خدا آسان است.

پنجم ـ مرگ با شهادت: شخصی برای دفاع از دین، جان، ناموس یا مال خود در برابر متجاوزان، کشته شود که از بهترین مرگ ها، در فرهنگ اسلامی معرفی شده است: «وَلاَ تَقُولُواْ لِمَنْ یُقْتَلُ فِی سَبیلِ اللهِ اَمْوَاتٌ بَلْ اَحْیَاءٌ وَلَکِن لا تَشْعُرُونَ ؛ به کسی که در راه خدا کشته می شود مرده نگویید، بلکه او زنده است، ولی شما درنمی یابید».(بقره: ۱۵۴)

و نیز در سوره آل عمران جایگاه بلند شهدا را در نزد خداوند، یادآوری کرده است.(۱)

ششم ـ مرگ ارادی: آن هنگام که کسی خداجویانه در اصل آفرینش و پایان عمر خود بیندیشد، به ناپایداری این دنیا پی ببرد و با اراده و اختیار خود از شهوت ها، خواسته ها و لذت های زودگذر دنیایی دست بردارد، درحقیقت نفس سرکش خود را از بین برده است. او در تمام کارهایش، فقط رضایت خداوند، آسان شدن مرگ و حساب و کتاب روز قیامت را در نظر می گیرد. این آیه مبارکه به همین معنا اشاره دارد: «فَتُوبُواْ إِلَی بَارِئِکُمْ فَاقْتُلُواْ أَنْفُسَکُمْ؛ به سوی خالق خود بازگردید و [نفس سرکش] خود را به قتل رسانید».(بقره: ۵۴)

---

۱- نک: آل عمران: ۱۶۹ و ۱۷۰.

انسانی که تمام آرزوهای خود را در کنترل خویش درآورد، به مقام بالای معنویت رسیده است، در این صورت او مرگ ارادی انجام داده است.(۱)

### ج) آغاز زندگی نوین پس از مرگ

ج) آغاز زندگی نوین پس از مرگ

این پرسش همواره در اندیشه بشر وجود داشته است که آیا با فرارسیدن مرگ، همه چیز برای انسان تمام و شعله زندگی او خاموش می شود یا پس از مرگ باز هم زندگانی دیگری وجود خواهد داشت؟ در این زمینه دیدگاه های متفاوتی است و قرآن خبر می دهد که در صدر اسلام، وقتی پیامبر سخن از مرگ و زندگی پس از آن به میان می آورد، در باور و اندیشه برخی افراد نمی گنجید و می گفتند:

إِنْ هِیَ إِلّا حَیاتُنَا الدُّنْیا نَمُوتُ وَنَحْیا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِینَ. (مؤمنون: ۳۷)

همانا غیر از زندگی دنیای ما چیزی در کار نیست، پیوسته گروهی از ما می میریم و نسل دیگری جای ما را می گیرد و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد.

در اندیشه اسلامی، مرگ نه فقط فنا و نیستی معنا نمی دهد، بلکه آغاز زندگی نوین و پایدار است و سرنوشت سعادت بار یا شقاوت بار انسان، از همان لحظه مرگش معلوم می گردد. در بسیاری از آیات قرآن، از مرگ با واژه توفی تعبیر شده است:

«الَّذِینَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلائِکَهُ ظَالِمِی أَنْفُسِهِمْ». (نحل: ۲۸)

«الَّذِینَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلائِکَهُ طَیِّبِینَ». (نحل: ۳۲)

«أَللَّهُ یَتَوَفَّی الْأَنْفُسَ». (زمر: ۴۲)

«تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لا یُفَرِّطُونَ». (انعام: ۶۱)

«حَتّی إِذا جاءَتْهُمْ رُسُلُنَا یَتَوَفَّوْنَهُمْ». (اعراف: ۳۷)

«أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِی یَتَوَفَّاکُمْ». (یونس: ۱۰۴)

---

۱- ملا صدرا، مفاتیح الغیب، ترجمه: محمدجواد خواجویی، تهران، انتشارات مولا، ۱۳۸۴، ص ۸۰۸.

«قُلْ یَتَوَفَّاکُمْ ملک الموت». (سجده: ۱۱)

در این آیـات از مرگ به تَـوَفِّی تعـبیر شـده و مرگ از مـاده وفی، به معنـای دریـافت چیزی به تمـام و کمـال است. بسیاری از مفسران در تفسیر این آیات می نگارند:

در قرآن کریم هرکجا سخن از مرگ است، کلمه توفی به کار رفته و نمایان گر این است که هرگاه مرگ انسان فرا می رسد، مأموران الهی روحش را می گیرند و او از این جهان فانی مادی، به سوی جهان ابدی آخرت انتقال می یابد.(۱)

افزون بر آیات قرآن، در روایات فراوانی، از حقیقت مرگ، به آغاز زندگی نوین یاد شده است.

پیامبر خدا درباره حقیقت مرگ می فرماید: «اَلمَوتُ اَوَّلُ مَنازِلِ مِنْ مَنازِلِ الْآخِرَهِ و آخِرُ مَنْزِلٍ مِنْ مَنازِلِ الدُّنْیا؛ مرگ آغاز منزل از منزل های آخرت و پایان منزل از منزل های دنیاست».(۲)

از امیرمؤمنـان، علی (ع) دراین بـاره نقل شـده است که در موقعیت های فراوان، یاران و خویشان خود را ارشاد و نصیحت می کرد و می فرمود: «مرگ، طلبکار سـریعی است و کسـی نمی توانـد از آن فرار کند. اینک خود را برای مرگ آماده سازید.» و در ادامه می فرمود:

اِنّا وَ اِیّاکُمْ خُلِقْنا لِلْبَقاءِ لا لِلْفَناءِ لکِنَّکُمْ مِنْ دارٍ اِلی دارٍ تَنْقِلُون فَتَزَوَّدُو لِما أَنْتُمْ صائِرُونَ اِلَیْهِ وَ خالِدُونَ فِیهِ.(۳)

ما و شـما برای مانـدن آفریـده شده ایم، نه برای نابودی! باید بدانید که از خانه ای به خانه دیگر کوچ می کنید. بنابراین، زاد و توشه آنجا را که در آن برای همیشه در حرکت هستید، فراهم سازید.

---

۱- علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه: محمدباقر همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲، چ ۱۷، ج۱۶، ص۲۵۲؛ معاد در قرآن، ج۴، ص۱۸۱؛ محمود زمخشری، الکشاف، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ه_.ق، ج۳؛ ص۵۱۹، معاد، ص۴۱.

۲- بحارالانوار، ج۶، ص۱۳۳.

۳- شیخ مفید، ارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۲۲۸.

همچنین، نقل است امام حسین (ع) در روز عاشورا، خطاب به یاران خود به حقیقت مرگ و زندگی پس از آن اشاره کرد و فرمود:

صَبْراً بَنِی الْکِرامِ فَمَا اَلْمَوْتُ اِلّا قَنْطِرَهٌ یَعْبُرُ بِکُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَ الضَّرّاءِ اِلَی الْجِنانِ الْواسِعَهِ و النَّعیمِ الدّائِمَهِ فَأَیُّکُم یَکْرَهُ اَنْ یَنْتَقِلَ مِنْ سِجْنٍ اِلی القَصْرِ.(۱)

ای بزرگ زادگان! صبر و شکیبایی پیشه سازید؛ زیرا مرگ چیزی جز پلی نیست که شما را از سختی و رنج عبور می دهد و به بهشت پهناور و همیشگی می رساند. چه کسی از شما کراهت دارد که از زندانی به قصری انتقال یابد؟

بنابراین، هویت و حقیقت مرگ از دیدگاه اسلام، نه فقط فنا و نیستی معنا نمی دهد، بلکه آغاز زندگی جدیدی است که انسان را از این دنیا به سوی جهان دیگر عبور می دهد و در آنجا زندگی نوینی را آغاز می کند. تمام خوشی ها و تلخی های زندگی انسان، در آن جهان به عملکرد او در این دنیا بستگی دارد.

### د) اجتناب ناپذیر بودن مرگ

د) اجتناب ناپذیر بودن مرگ

حتمی بودن مرگ برای هیچ کس پوشیده نیست و اگر انسان در هرچیز شک کند، درباره مرگ نمی تواند تردید کند؛ زیرا کاروان مرگ یکی از سنگین ترین کاروان هایی است که هر روز انسا ن های زیادی را با خود به وادی خاموش قبرستان انتقال می دهد. این مطلب، درسی برای ناگزیر بودن مرگ است و دربردارنده این پیام، که هر انسانی طعم مرگ را خواهد چشید.

دراین میان، آنچه مهم به نظر می رسد، توجه به این نکته است که بعضی افراد از حتمی بودن مرگ پند و اندرز نمی گیرند و در اندیشه مرگ نیستند. پس بر اثر مرض های روحی و معنوی گناه، مرگ در نظرشان تلخ و سهمناک جلوه می کند. ازاین رو، در قرآن و روایات، بر حتمی بودن مرگ بسیار تأکید می شود تا با بیان زیبا، آثار تربیتی آن را به همگان منتقل کنند.

خداوند در آیات زیادی از قرآن، از مرگ به یک قانون عمومی و حتمی یاد می کند و می فرماید:

---

۱- بحار الانوار، ج۶، ص۱۵۴.

«أَیْنَمَا تَکُونُوا یُدْرِکْکُمُ الْمَوْتُ؛ هرجا باشید مرگ شما را درمی یابد».(نساء: ۷۸)

«وَجَاءَتْ سَکْرَهُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِکَ مَا کُنْتَ مِنْهُ تَحِیدُ؛ [و به هوش آیید که] سرانجام سکرات مرگ به حق فرا می رسد. این همان چیزی است که از آن می گریختی».(ق: ۱۹)

امیرمؤمنان، علی(ع) در این زمینه می فرماید: «آن کس که از مرگ بترسد، نجات نمی یابد و آن کس که زنده ماندن را دوست بدارد، برای همیشه در دنیا نخواهد ماند.»(۱) همچنین آن حضرت می فرماید:

ای بندگان خدا! شما همه شکار آماده مرگ هستید. اگر توقف کنید شما را می گیرد و اگر فرار کنید، به شما می رسد. مرگ از سایه به شما نزدیک تر است. نشانه مرگ بر پیشانی شما زده شده است. دنیا پشت سر شما در حال در هم پیچیده شدن است.(۲)

بنابراین، در اندیشه اسلامی مرگ سرنوشت حتمی انسان هاست و دارا و ندار، پیر و جوان، مریض و سالم همه خواهند مرد. مهم این است که انسان در هر موقعیتی، در انتظار مرگ باشد و بکوشد تا پیوندی از خوبی ها میان زندگی خود در این دنیا و جهان پس از مرگ ایجاد کند و این معنا را درک کند که همه بدون استثنا اجل و سرآمدی دارند که لحظه ای در آن تأخیر نیست. به گفته مولانا:

مرغ باغ ملکوتم نِیَم از عالم خاک

چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم

خرم آن روز که پرواز کنم تا بر دوست

به هوای سر کویش پر و بالی بزنم

روشن است با چنین اندیشه ای درباره مرگ، که دنیا را زندان و مرگ را آزادی از آن بدانیم، می کوشیم با کردار و رفتار شایسته و آبرومندانه و با

---

۱- نهج البلاغه، ص ۹۰، خطبه ۳۸.

۲- نهج البلاغه، ص۵۱۰، نامه۲۷.

سعادتمندی از این زندان بیرون بیاییم و دیگر هیچ وحشت و هراسی نخواهیم داشت.

## ه_) عمومی بودن مرگ

ه_) عمومی بودن مرگ

عمومی بودن مرگ، از واقعیت های دیگری است که در قرآن کریم و روایات بر آن تأکید فراوان شده و هشداری برای همگان است که سرنوشت آنان با مرگ گره خورده است؛ زیرا از دیدگاه قرآن تمام نظام آفرینش اجل معیّنی دارند که پس از سپری شدن آن، عمر به پایان می رسد و مرگ فرا خواهد رسید، چنان که خداوند در آیات قرآن با اشاره به این حقیقت می فرماید: «مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُسَمًّى؛ ما آسمان و زمین و آنچه را در میان آنهاست نیافریدیم، مگر به حق و اجل معیّن». (احقاف: ۳)

علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه می نگارد:

معنای آیه این است که ما عالم مشهود را با همه اجزای آن، چه آسمانی و چه زمینی، نیافریدیم مگر به حق؛ یعنی دارای غایت و هدف ثابت و نیز دارای اجلی معیّن است که وجودش از آن تجاوز نمی کند.(۱)

خداوند در آیه ای دیگر می فرماید :

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الأَرْضِ إِلّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ. (زمر: ۶۸)

در صور دمیده می شود، پس تمام کسانی که در آسمان ها و زمین هستند می میرند، مگر کسانی که خداوند بخواهد [که آنها زنده بمانند].

از انس بن مالک نقل شده است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: این کسانی که در این آیه استثنا شده اند چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: «آنان جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و ملك الموت هستند.» سرانجام خداوند به ملك الموت دستور می دهد که میکائیل و اسرافیل را نیز قبض روح کند. پس خداوند جان ملك الموت را نیز می گیرد:

---

۱- المیزان، ج۱۸، ص۲۸۴.

فَعِنْدَ ذلِکَ یَمُوتُ جَبْرَئِیلُ وَ هُوَ آخِرُ مَنْ یَمُوتُ مِنَ السَّمواتِ وَ الْأَرْضِ.(۱)

بعد از آنکه همه می میرند، جبرئیل نیز می میرد و او آخرین موجود است که در آسمان و زمین خواهد مرد.

تا اینجا سخن از مرگ مجموعه آفرینش بود، اما درباره عمومی بودن مرگ انسان و تجلی بیشتر جنبه های تربیتی آن آیات ویژه ای وجود دارد که با لحن های متفاوت بیان شده است. از آن جمله «کُلُّ نَفْسٍ ذائِقَهُ الْمَوْتِ؛ هر انسانی مرگ را می چشد.» و این تعبیر عمومیت مرگ، در سه آیه قرآن تکرار شده است.(۲)

فخر رازی در تفسیرش حدیثی را نقل کرده است که وقتی آیه «کُلُّ مَنْ عَلَیْهَا فَانٍ؛ تمام کسانی که بر روی زمین هستند، فانی می شوند.» (الرحمن: ۲۶) نازل شد، ملائکه گفتند: فرمان مرگ اهل زمین صادر شد و هنگامی که آیه «کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَهُ الْمَوْتِ» نازل شد، فرشتگان گفتند فرمان مرگ ما نیز صادر شد.(۳)

بدین ترتیب، مرگ به عنوان قانونی عمومی، حاکم بر تمام جهان و موجودات آن، از جمله انسان است، هیچ گونه استثنایی حتی برای خوبان ندارد، چنان که خداوند به اشرف مخلوقاتش، حضرت محمد صلی الله علیه و آله دراین زمینه می فرماید:

وَ مَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِکَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ. (انبیاء: ۳۴)

پیش از تو برای هیچ انسانی جاودانگی قرار ندادیم. پس آیا در صورتی که تو مردی، ایشان جاودان خواهند بود؟

اگر قانون مرگ استثنایی داشت، باید بهترین آفریده ها و برگزیده خداوند، پیامبر اسلام باقی می ماند، درصورتی که مرگ به سراغ آن حضرت نیز رفت و

---

۱- بحارالانوار، ج۸۲، ص۱۸۴.

۲- نک: آل عمران: ۱۸۵، انبیا: ۳۵، عنکبوت: ۵۷.

۳- تفسیر کبیر، ج۹، ص۱۲۵.

او را باقی نگذاشت. بنابراین، هیچ کس طمع ماندن در این دنیا را نداشته باشد.

## و) نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ

### اشاره

و) نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ

از دیدگاه منابع دینی، زمان و مکان مرگ از جمله اموری است که به اقتضای حکمت خداوند بر انسان ها مخفی و نامعلوم است و از جمله امور غیبی شمرده می شود. چه بسیارند انسان هایی که تا مرز جان سپردن پیش می روند، ولی نمی میرند و درمقابل، انسان هایی هستند که هیچ گونه نشانه های مرگ در آنها دیده نمی شود و ناگهان گرفتار مرگ می شوند.

قرآن درباره نامعلوم بودن مکان مرگ می فرماید:

و َمَا تَدْرِی نَفْسٌ مَاذَا تَکْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِی نَفْسٌ بِأَیِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللّهَ عَلِیمٌ خَبِیرٌ.(لقمان: ۳۴)

هیچ کس نمی داند فردا چه خواهد کرد و هیچ کس نمی داند به کدام سرزمین، مرگش فرا می رسد؟ پس تنها خداوند به همه چیز خلایق دانا و بر تمام اسرار و دقایق عالم آگاه است.

امیرمؤمنان، علی(ع) درباره پنهان بودن زمان مرگ می فرماید: «مِسْکِینٌ إِبْنُ آدَمَ مَکْتُومُ الْأَجَلِ مَکْنُونُ الْعِلَلِ مَحْفُوظُ الْعَمَلِ؛ بیچاره فرزند آدم! اجلش پنهان، بیماری هایش پوشیده و اعمالش همه نوشته شده است».(۱)

در روایتی نقل شده است: «فرشته مرگ بر حضرت سلیمان وارد شد و به یکی از هم نشینان او نگاهی طولانی انداخت. هنگامی که فرشته بیرون رفت، آن هم نشین به سلیمان گفت: این که بود؟ سلیمان گفت: فرشته مرگ. گفت: دیدم به من چنان نگریست که گویا قصد قبض روح مرا دارد. سلیمان گفت: چه می خواهی؟ پاسخ داد: می خواهم مرا از او رهایی دهی و به باد دستور

---

۱- نهج البلاغه، ص ۷۳۰، حکمت ۴۱۹.

فرمایی تا مرا به دور ترین نقاط هنـد برد. پس سـلیمان به باد دسـتور انجام این کار را داد و باد فرمان او را به انجام رسانیـد. بار دیگر فرشته مرگ نزد سلیمان آمد. سلیمان به وی گفت: چرا تو به یکی از هم نشینان من آن گونه نگاه کردی؟ پاسخ داد: من از دیدن او در کنار تو شگفت زده شدم؛ زیرا مأمور بودم در ساعتی نزدیک، او را در یکی از مناطق هند قبض روح کنم».(۱)

دیدمش اینجا و بس حیران شدم

در تفکر رفته سرگردان شدم

از عجب گفتم مگر او صد پَر است!

زو به هندوستان شدن دور اندر است

چون به امر حق به هندوستان شدم

دیدمش آنجا و جانش بستدم

پس هم مکـان و هم زمـان مرگ از دیـد مردم پنهـان است و این از امور غیبی است که انسـان هـای عـادی بر آن آگاهی نمی یابنـد. البته روایـات بسـیاری از پیـامبران الهی و امامان معصوم(ع) داریم که درباره زمان و مکان مرگ خودشان یا برخی افراد دیگر خبر می دادند.

### چرایی و نقش تربیتی نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ

چرایی و نقش تربیتی نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ

ممکن است این پرسـش برای هرکس ایجـاد شود که نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ برای انسان چه فایـده ای دارد و آیا در پنهان بودن آن مصلحت، یا در آشکار شدنش، مفسده و آثار منفی وجود دارد؟

در پاسخ باید گفت: به طور حتم، نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ، بنا به صـلاحدید و حکمت الهی است. وقتی ما به روایات دراین زمینه مراجعه می کنیم، به آموزه های بسیار ارزشمند و روشنی دست می یابیم که هریک از نظر پرورشی و تربیتی نقش سازنـده و راهبردی در انـدیشه و کردار انسان دارد. جهت روشن شدن چرایی قضـیه و نیز دستیابی به آموزه های تربیتی آن، به برخی آثار و حکمت نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ به اختصار اشاره می شود:

---

۱- محجه البیضا، ج۸، ص۳۱۹.

یک ـ جلوگیری از طغیان و سرکشی: اگر انسان زمان مرگ خود را می دانست، بر انجام گناه و عصیان جرئت پیدا می کرد؛ زیرا تمایلات و غرایزی که در انسان وجود دارد، او را به نافرمانی و عصیانگری تحریک می کند. حال اگر بداند مثلاً ده سال دیگر زنده هست، هرچه بخواهد، انجام می دهد و در زمان نزدیک مرگش توبه می کند.

بسیار روشن است که این گونه اندیشیدن، خطرآفرین و راهی به سوی نافرمانی خداوند و افتادن در دام معصیت است. امام صادق (ع) دراین زمینه می فرماید:

انسان ها با اینکه زمان مرگشان مخفی است و هر لحظه در انتظار آمدن آن هستند، دست از نافرمانی نمی کشند، پس چگونه می بود، اگر مدت ماندن خود را در این دنیای فانی می دانستند؟ دراین صورت بی گمان به سوی گناهان بزرگ روی می آوردند. بنابراین، نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ برای آنها بهتر است.(۱)

فخر رازی در تفسیرش می نگارد:

اگر پرسش شود که حکمت مخفی بودن زمان مرگ چیست، جواب این است که چون خداوند برای گناهکاران وعده فرموده که توبه آنان را می پذیرد، پس ازاین رو اگر زمان مرگ معلوم می بود، هرکس با جرئت گناه انجام می داد، به امید اینکه در نزدیک مرگ خود توبه می کند. البته این وادار به کار معصیت است و جایز نیست.(۲)

دو ـ تلاش و امیدواری: خداوند انسان را به گونه ای آفریده که همواره با امید به آینده به فعالیت و تلاش می پردازد. پیامبر خدا می فرماید:

امید و آرزو برای امت من رحمت است. اگر آرزو از انسان گرفته شود، هیچ مادری به فرزند شیرخوار خود شیر نمی دهد و هیچ باغبانی نهال نمی کارد.(۳)

---

۱- بحارالانوار، ج ۳، ص ۸۵ .

۲- تفسیر کبیر، ج ۸، ص۲۲.

۳- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، قم، دارالاسوه، ۱۴۲۲ه_ . ق، ج۱، ص۱۲۱.

حال اگر انسان از زمان مرگ خود آگاه باشد، سال ها پیش از فرا رسیدن مرگش غم و اندوه، تمام وجودش را فرامی گیرد و به کلی از تلاش و فعالیت بازمی ماند. ازاین رو، پیامبر خدا می فرماید:

همین مقدار که شما درباره حتم داشتن و عمومی بودن مرگ می دانید، کافی است و دانستن بیش از آن [زمان و مکان مرگ] به مصلحت شما نیست. بدانید که اگر حیوانات به همین مقدار که شما می دانید آگاهی می داشتند، گوشت بدن آنها آب می شد و شما حیوان فربه و چاق نمی دیدید.(۱)

امیرمؤمنان، علی (ع) نیز می فرماید: «اگر بندگان خداوند مسیر آمدن مرگ و زمان آن را می دانستند، امید و آرزوهایشان از این دنیا قطع می شد».(۲)

امام صادق (ع) می فرماید: «اگر انسان مدت عمر خود را می دانست، هیچ گاه آمادگی برای ساختن زندگی پیدا نمی کرد و همواره در انتظار آمدن روز مرگش به سر می برد».(۳)

سه _ احساس آزادی در انجام عمل: اثر و فایده ندانستن زمان مرگ، در رشد و کمال انسان ظاهر می شود؛ زیرا خداوند از انسان خواسته هایی دارد که ارزش انجام آن تکالیف، در گرو اراده و اختیار اوست. حال اگر انسان زمان مرگ خود را بداند و اینکه به یقین روزی خواهد مرد، دست از نافرمانی برمی دارد که البته این، کمال روحی و ارزش به شمار نمی آید.

از سوی دیگر، اگر انسان درحالی که امید به سال ها زندگی دارد، راه عبودیت را در پیش گیرد، این نشان دهنده رشد روحی و کمال معنوی است که او را به سوی فضیلت خواهی سوق می دهد؛ زیرا هدف زندگی انسان ها در این دنیا، آزادی آنها در انتخاب راهشان است تا به کمال نهایی برسند و با اراده و اختیار، گام های بیشتری به سوی خدا بردارند.(۴)

---

۱- من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۱۸۱.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، ص ۷۸۰، حکمت۳۳۴.

۳- بحارالانوار، ج۳، ص۸۳.

۴- جعفر سبحانی، منشور جاوید، قم، مؤسسه سیدالشهدا، ۱۳۶۹، ج۹، ص۲۲۹؛ محمدتقی مصباح یزدی، پند جاوید، قم، مؤسسه آموزشی _ پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۰، ج۱، ص ۲۹۰.

همه ما انسان ها با هر عقیـده و اندیشه ای، می دانیم که بی شک مرگ به سـراغ ما خواهد آمد، ولی نمی دانیم چه وقت، کجا و چگونه خواهیم مرد و درواقع، همین مسـئله بایـد یـادآوری و درس تربیتی برای ما باشـد تا رفتار خود را براساس حتمی بودن مرگ پی ریزی کنیم.

## ز) مجریان مرگ

ز) مجریان مرگ

پدیـده مرگ که امری گریزناپـذیر و عمومی است و هیـچ گونه تخلف در آن وجود ندارد، برنامه گسترده ای است که مجری معیّن نیز دارد. با سیری در آیات قرآن با این مطلب روبه رو می شویم که قبض روح گاهی به خدا نسبت داده شده و گاهی به ملک الموت و گاهی به فرشتگان مرگ:

أَللّهُ یَتَوَفَّی الْأَنْفُسَ حِینَ مَوْتِهَا. (زمر: ۴۲)

خدا جان ها را هنگام مرگشان می گیرد.

قُلْ یَتَوَفَّاکُمْ ملک الموت الَّذِی وُکِّلَ بِکُمْ. (سجده: ۱۱)

بگو جان های شما را فرشته مرگ که بر شما گمارده شده می گیرد.

حَتَّی إِذَا جَاءَ أَحَدَکُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لا یُفَرِّطُونَ. (انعام: ۶۱)

تا هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، فرستادگان ما جان او را می گیرد و ایشان کوتاهی نمی کنند.

ممکن است بـا دیـدن اختلاـف در ظـاهر این آیـات، این گـونه پنـداریم که آنهـا دربـاره تعیین مجری واقعی مرگ سازگـاری ندارنـد، ولی دقـت در پیـام واقعی ایـن آیـات و آنچه مفسـران قرآن در تفسـیر آن نوشـته انـد، نشـان می دهـد که هیـچ گـونه ناسازگاری و تضادی میان این آیات وجود نـدارد؛ زیرا قبض کننـده اصـلی روح، خداونـد است که می تواند با قدرت و اراده خود، بدون هیچ واسطه ای روح و جان انسان ها را بگیرد، هیچ کسی هم قدرت سرپیچی و مقابله با اراده او را ندارد.

خداونـد گـاهی عمـل قبض روح را به یکی از فرشـتگان مقرب خود که ملـک الموت نـام دارد یـا به گروهی از فرشـتگان که دستیاران ملک الموت هستند، می سپارد و آنها به اذن خداوند، آن مأموریت را انجام می دهند. پس درحقیقت ملک الموت و دستیاران او در کار قبض روح مسـتقل نیسـتند، بلکه واسـطه هایی هسـتند که با اراده و خواست خداونـد جان ها را می گیرند. بااین بیان، هیچ گونه ناهماهنگی در بین آیات قرآن وجود ندارد.(۱)

در آیه «اَللهُ یَتَوَفَّی الْأَنْفُسَ» تقـدم لفظ الله بر یتوفّی، برای این است که افاده حصـر کنـد؛ یعنی تنها خداونـد است که قبض روح می کنـد و در برخی آیـات اگر بـه ملـک المـوت و یـارانش نسـبت داده شـده، از روی تبعیـت اسـت؛ یعنی آنـان پیروی از امر خداوند می کنند.(۲)

صدرالمتألهین شـیرازی در تفسـیر این آیات می نگارد: «اگر مرگ را به ملک الموت و یارانش نسـبت می دهد، از قبیل نسبت دادن فعل بر ابزار کار است»،(۳) مانند نسبت دادن بریدن چوب بر اره.

شیـخ مفیـد دراین بـاره می نویسـد: «به اعتقـاد ما قبض روح کردن فقط کار خداونـد است و غیر او هیـچ کس دیگری دخالت ندارد؛ زیرا تنها اوست که می میراند و زنده می کند».(۴)

براین اسـاس، همـان گونه که آمـدن انسـان در این دنیا به فرمان و اراده خداونـد است، رفتن او از این دنیا نیز به اراده خـداوند است. آدمی باید در میان این آمدن و رفتن، بکوشد که رضایت الهی را به دست آورد.

---

۱- المیزان، ج ۱۷، ص ۲۶۹؛ مصباح یزدی، درآمدی بر آموزش عقاید، نگارش عبدالجواد ابراهیمی، قم، دار العلم، ۱۳۷۷، ص ۲۵۷.

۲- تفسیر نمونه، ج۱۷، ص۴۰۷.

۳- التفسیر القرآن الکریم، ج۶، ص۷۵.

۴- محمد بن نعمان (شیخ مفید)، تصحیح الاعتقاد، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق، ص ۹۴.

## ح) ترس از مرگ در اندیشه اسلامی

### اشاره

ح) ترس از مرگ در اندیشه اسلامی

یکی از مطالب بسیار جدی در بحث مرگ اندیشی این است که در اندیشه اسلامی، پدیده مرگ، ترسناک و وحشت آفرین است یا خیر. در پاسخ این پرسش باید گفت: بنابر آنچه از منابع اسلامی و گفتار اندیشمندان مسلمان در این موضوع به دست می آید، اصل ترس و وحشت از مرگ، مسئله ای فطری است و در نهاد هرکس وجود دارد؛ زیرا هر انسانی خودش و زندگی اش را دوست دارد و غرایز او اقتضا دارد که میل به بقا داشته باشد.

بنابراین، طبیعی است انسان از مرگ، که بقا و زندگی این دنیایی او را به خطر می اندازد، بهراسد. همین نگرانی از مرگ، از جمله حالات روانی است که خداوند براساس تدبیر حکیمانه خود در نهاد انسان قرار داده است تا او خود را از خطر ها و مرگ هایی که می توان پیش گیری کرد، نجات دهد. ازاین رو، تا حدی این نگرانی برای انسان مفید است، ولی زیاده روی در این امر باعث نگرانی ها و مشکلات روانی می شود که باید از آن دوری جست.(۱)

بنابراین، اسلام با اصل مسئله ترس از مرگ که امری فطری است هیچ گونه تضاد و برخورد منفی نداشته است، ولی با توجه به برخی پیامدهای خوشایند و خطرهایی که ممکن است از ناحیه ترس از مرگ به وجود آید، برای جهت دهی این امر فطری به سوی خوبی ها و استفاده تربیتی از آن، برنامه هایی ارائه کرده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

### یک ـ ریشه یابی ترس از مرگ

یک ـ ریشه یابی ترس از مرگ

از نظر کاربردی و تربیتی، عوامل بسیاری می تواند در ایجاد ترس از مرگ مؤثر باشد که به مهم ترین آنها اشاره می کنیم:

اول ـ ناآگاهی از حقیقت مرگ: «یکی از عوامل اصلی ترس از مرگ، آگاه نبودن از حقیقت مرگ است. برخی می پندارند مرگ پایان زندگی است و

---

۱- اخلاق در قرآن، ج۲، ص۱۵۳، سبحانی، منشور جاوید، ج ۹، ص ۲۱۴.

زنـدگی آنان محصور در زندگانی مادی است. اینان حقیقت مرگ را باور نکرده اند و گمان می کنند همیشه زنده هسـتند. از این رو، بـا دیـدن مرگ انسان ها به هراس می افتنـد که نکنـد روزی مرگ به سـراغ آنها هم بیایـد و بین آنها و همه تعلقاتشان جدایی اندازد. در اصل، این گونه افراد از جهل خود می ترسند، نه از مرگ».(۱)

در روایات پیشوایان معصوم(ع)، ناآگاهی به حقیقت مرگ، عامل ترس از مرگ یاد شده و البته سرچشمه بسیاری از رفتارهای نادرست آدمی است. روزی امام هادی(ع) به عیادت یکی از یارانش رفت و مشاهـده کرد او به دلیل ترس و وحشت از مرگ، بی تابی می کنـد. حضـرت فرمود: «یا عَبْدَاللهِ تَخافُ مِنَ الْمَوْتِ لِاَنَّکَ لا تَعْرِفُهُ؛ ای بنده خدا! ترس تو از مرگ به دلیل نداشـتن شناخت از آن است».(۲)

امـام جواد(ع) نیز دربـاره ترس مردم از مرگ فرمود: «لِاَنَّهُمْ جَهِلُوهُ فَکَرِهُوهُ؛ آنهـا از مرگ آگاهی ندارنـد، از این رو، برایشان ناخوشایند است».(۳)

دوم ـ سـنگینی بـار گنـاه: برخی انسان ها به مرگ و واقعیت های زنـدگی پس از مرگ ایمان دارنـد، ولی عامل ترس آنها از مرگ، جرم ها و نافرمانی های سنگین است که مرتکب شده اند. اینان همین که تصور می کنند با فرا رسیدن مرگ، سختی ها و عذاب به سراغشان خواهد آمد، بی درنگ گرفتار ترس و نگرانی می شوند.

از امیرمؤمنان، علی(ع) نقل شده است که فرمود: «بسـیارند کسانی که از مرگ می ترسـند؛ «لِکَثْرَهِ ذُنُوبِهِ» جهت گناه زیادی که مرتکب شده اند.»(۴) چنین انسان هایی

---

۱- محمدتقی جعفری، عرفان اسلامی، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۷۸، ص۷۷.

۲- محمد بن علی بن بابویه، معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ ه_ .ق، ص ۲۹۰.

۳- بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۵۶.

۴- سید رضی، خصایص الائمه، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ه_ .ق، ص ۱۰۹.

جهت نافرمانی از دستورهای پیامبران، از نتایج اعمال خود بیمناک هستند. این حالت برای انسان، نومیدکننده و خطرناک است؛ زیرا او به انسانی می ماند که به دلیل انجام جرایم فراوان تحت پیگیری است و همواره از گیر افتادن در چنگال قانون در حال فرار است.

سوم ـ توهمات باطل: در ترجمه یکی از آثار مرحوم ملا احمد نراقی فهرست عوامل نگرانی از مرگ چنین آمده است:

گاهی خوف انسان از مرگ، غالب شدن نیروی ترس بر انسان است که گرفتار تصورات باطل می شود، از قبیل تصور اینکه با مرگ فانی و نابود می شود و کاستی و نقصان به او می رسد؛ این تصور که چگونه از مال و اهل و عیال دل بکند؛ شادی و خوشحالی دشمنان در مرگ او؛ اینکه پس از مرگ، فرزندان و همسرش خوار و پایمال می شوند و... . اینها همه تصورات و خیالات باطل است که باقی ماندن بر آنها بسیار خطرناک است.(۱)

### دو ـ هدایت و جهت دهی ترس از مرگ

دو ـ هدایت و جهت دهی ترس از مرگ

اسلام با نگرش واقع بینانه به آموزه های تربیتی برای هدایت و جهت دهی صحیح ترس از مرگ، به عوامل پیدایش ترس توجه کرده و با اندیشه ای خردمندانه با آنها به مبارزه برخاسته است. برای از بین بردن عواملی مانند جهل و توهمات باطل، اصل مرگ را نه تنها ترس آور و وحشت آفرین نمی داند، بلکه مرگ را نعمتی از نعمت های بزرگ خدا می داند که انسان با آن از خوشی ها و لذت های زودگذر این دنیا رهایی می یابد و به لذت ها و نعمت های پایدار جهان آخرت می رسد.

در اندیشه تربیتی اسلام زندگی انسان در این دنیا این گونه معرفی شده است:

---

۱- سید جلال مجتبوی، علم اخلاق اسلامی، انتشارات حکمت، ۱۳۷۷، ج۱، صص ۲۵۹ ـ ۲۶۱. این کتاب در اصل، ترجمه جامع السعادات مرحوم نراقی و از بهترین منابع اخلاقی به حساب می آید.

وَ ما هذِهِ الْحَيَاهُ الدُّنْيا إِلّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَهَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ. (عنكبوت: ۶۴)

و این زندگی دنیایی چیزی جز بازی و سرگرمی نیست. زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می دانستند.

برای کسانی که به دلیل نداشتن آگاهی از حقیقت مرگ و جهان پس از آن، همه خواسته های خود را در این دنیا می دانند، دانستن واقعیت زندگی در این دنیا و زیستن پس از مرگ بسیار مفید است؛ زیرا با درک اینکه با مرگ زندگانی آنها پایان نمی یابد، بلکه به عالم دیگر منتقل می شوند تا به زندگانی خود ادامه دهند، دیگر نه فقط نگرانی نخواهند داشت، بلکه چون میل به جاودانگی در ایشان به راه اصلی خود هدایت می شود، می کوشند تا زندگی پس از مرگ و زندگی آخرتی آنها با آرامش همراه باشد.(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «بهترین راه برای غلبه بر ترس از مرگ، این است که سرنوشت خود را به خداوند واگذاری.»(۲) همچنین می فرماید: «بدان که مرگ از آن نعمت هایی است که به عنوان کفاره مؤمن قرار داده شده است».(۳)

کسانی که گرفتار وهم و خیالات باطل درباره مرگ شده اند، بدانند که: «أَلْمَوْتُ راحَهُ الْمُؤْمِنِ؛ مرگ مایه آرامش مؤمن است».(۴)

در اندیشه اسلامی، ترس از مرگ باید به راه سازندگی کردار انسان کشیده شود. دراین صورت، انسان وقتی به کردار نیک خود می نگرد، هیچ گونه ترس از مرگ و حساب و کتاب پس از آن، در او راه پیدا نمی کند، چنان که درباره امیرمؤمنان، علی(ع) نقل شده است:

---

۱- اخلاق در قرآن، ج۲، ص ۱۷۱.

۲- وسائل الشیعه، ج۲، ص ۴۴۹.

۳- الامالی مفید، ص۲۸۳.

۴- شیخ صدوق، خصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ هـ .ق، ص ۷۴.

روزی در جنگ صفین بدون زره و ابزار دفاعی میان صفوف دو لشکر قدم می زد، در آن هنگام فرزندش امام حسن مجتبی(ع) احساس خطر کرد و عرضه داشت: این گونه آمدن در میدان جنگ خطر دارد. حضرت در جواب فرزندش فرمود: من به گذشته عمرم نگریستم، دیدم هرچه گذشته، در مسیر فرمان برداری از خدا و رسولش بوده است، ازاین رو، باکی ندارم که مرگ به سراغ من آید یا من بر او واقع شوم.(۱)

### ط) تبیین جایگاه تمنا و آرزوی مرگ در اندیشه اسلامی

#### اشاره

ط) تبیین جایگاه تمنا و آرزوی مرگ در اندیشه اسلامی

در مبحث ترس از مرگ گفته شد اگر علت ترس، عواملی مانند جهل و توهم باشد، امری ناپسند است. اکنون مناسب است حالت مقابل ترس، یعنی تمنا و آرزوی مرگ در اندیشه اسلام بازکاوی شود.

برخی اندیشمندان اسلامی بر این عقیده اند که خواهش و آرزوی مرگ در قرآن، به صورت قیاس استثنایی، در محاجه خداوند با یهودیان مطرح شده است. یهودیان مدعی بودند از اولیای الهی و دوستان خاص پروردگار هستند. خداوند برای رد این ادعای دروغین، با آنها محاجه کرد و به آنها چنین خطاب کرد: «بگو ای جماعت یهود! اگر گمان می کنید «فقط» شما دوستان خداوندید، نه دیگر مردم، پس اگر راست می گویید، آرزوی مرگ کنید، ولی آنها به دلیل اعمالی که از پیش فرستاده اند هرگز تمنای مرگ نمی کنند».(۲)

در این آیه، خداوند تمنای مرگ از ناحیه اولیای خود را پیش فرض گرفته است.(۳) یعنی اولیای من کسانی اند که برای دیدار من، همواره آرزوی مرگ می کنند و ترسی از آن ندارند.

از نظر کاربردی، تمنای مرگ به دو گونه نکوهیده و ستوده مطرح شده است:

---

۱- . تفسیرنور الثقلین، ج۱، ص۱۰۳؛ تفسیر کبیر، ج۱، ص۶۰۶.

۲- نک: جمعه: ۶ و ۷.

۳- المیزان، ج ۱۹، ص۲۷۶؛ مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، تهران، صدرا، ۱۳۷۹، ج۷، ص ۶۰.

## یک _ تمنای نکوهیده مرگ

یک _ تمنای نکوهیده مرگ

بعضی انسان ها با اینکه مرگ را پایان زندگی نمی دانند، اما برای رهایی از مشکلات و سختی های زندگی آرزوی مرگ می کنند و یا دست به خودکشی می زنند. این گونه تمنای مرگ در اندیشه اسلام نکوهش شده است؛ چون نمایانگر ضعف اراده انسان و نارضایتی او از مقدرات الهی است. در روایتی نقل شده است: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید که شخصی آرزوی مرگ می کند، حضرت فرمود: «هیچ یک از شما تقاضای مرگ نکنید! بلکه در بروز مشکلات به خدا پناه ببرید و خیر و صلاح خود را از او بخواهید.»(۱) همچنین از آن حضرت نقل شده است که به یاران خود می فرمود:

مرگ و جهانِ پس از آن مشکلاتی دارد، پس هیچ گاه تقاضای مرگ نکنید؛ زیرا سعادت انسان در این است که عمرش طولانی شود و خداوند توفیق توبه را به او عنایت کند.(۲)

از امام عسکری(ع) نقل شده است:

شخصی نزد امام صادق(ع) آمد و گفت: از دنیا خسته شده ام. از خداوند تقاضای مرگ می کنم. امام صادق(ع) در جوابش فرمود: تو باید آرزوی زندگی بکنی؛ زیرا اگر زنده بمانی و خدا را اطاعت کنی بهتر است از اینکه بمیری که دیگر نه قدرت عصیان داری و نه قدرت اطاعت.(۳)

نیز نقل می کنند امام موسی بن جعفر(ع) از کسی شنید که آرزوی مرگ می کند، حضرت فرمود: «آرزوی مرگ می کنی؟ آیا با خداوند خویشاوندی داری تا از تو حمایت کند؟» عرض کرد: نه. فرمود: «آیا کارهای نیک فراوان داری که از گناهانت فزونی یابند؟» عرض کرد: نه. حضرت فرمود: «بنابراین، هلاکت را آرزو می کنی».(۴)

---

۱- امالی صدوق، ص۳۸۵؛ بحارالانوار، ج۶، ص۳۸.

۲- قطب الدین راوندی، الدعوات، قم، مدرسه امام مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۷ ه_ .ق، ص ۱۱۰.

۳- بحارالانوار، ج۶، ص۱۲۸.

۴- وسائل الشیعه، ج۲، ص۱۱۹.

## دو _ تمنای ستوده مرگ

دو _ تمنای ستوده مرگ

در برابر گروه پیشین، مؤمنان و اولیای الهی هستند که در مرحله بالایی از تکامل روحی و معنوی قرار دارند. اینان درواقع به مرگ علاقه دارند و با رسیدن به آن، به راحتی کامل می رسند. این گروه چون در دنیا توانسته اند به بارگاه قرب الهی نائل شوند، لحظه به لحظه، دیدار یار و لقای محبوب را آرزو می کنند.(۱) اینکه مرگ برای اولیای الهی آرزو و خواسته است، بدین معنا نیست که آنان درصدد تحقق بخشیدن به این آرزوی خویشند و خود را در مسیر مرگ قرار می دهند، یا خویش را به آن نزدیک می کنند، بلکه در عین داشتن آرزوی مرگ، خواسته درونی آنها لقای یار است، راضی به مقدرات الهی اند و از ماندن در دنیا و بهره گرفتن از فرصت عمر، نگران و ناراحت نیستند.(۲)

درنتیجه، این گونه افراد اگر تمنای مرگ هم بکنند، مرگِ بهتر را تقاضا می کنند:

وَ أَسئَلُکَ اَنْ تَجْعَلَ وَفاتی قَتْلًا فِی سَبیلِکَ تَحْتَ رایَهِ نَبِیِّکَ وَ أَسْئَلُکَ أَنْ تَقْتُلَ بِی أَعْدائَکَ وَ أَعْداءَ رَسُولِکَ.(۳)

خداوندا! از تو می خواهم که مرگ مرا شهادت در راهت قرار دهی و این شهادت در زیر پرچم و رهبری پیامبرت باشد. همچنین از تو می خواهم که به وسیله جهاد و مبارزه من دشمنانت و دشمنان رسولت کشته شوند.

## ی) تبیین جایگاه مرگ اندیشی در اسلام

ی) تبیین جایگاه مرگ اندیشی در اسلام

از آنچه درباره ترس از مرگ و آرزوی مرگ و نظر اسلام در این زمینه گفته شد، به این نتیجه روشن می توان دست یافت که در اندیشه تربیتی و مدبرانه اسلام، انسان باید اندیشه خود را از گمان های بی اساس پالایش کند، همواره به یاد مرگ باشد و آن را به عنوان یک واقعیت پذیرا شود: «وَ إِنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ».(۴)

---

۱- عبدالله جوادی آملی، تسنیم، قم، نشر اسرا، ۱۳۸۲، ج۵، ص۵۷۲.

۲- اخلاق در قرآن، ج۲، ص۱۷۶.

۳- مفاتیح الجنان، اعمال مشترک ماه رمضان.

۴- قسمتی از دعای تلقین میت.

دراین باره رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

زیرک ترین و دانا ترین انسان ها کسی است که همواره به یاد مرگ و جهان پس از آن باشد و احمق ترین انسان ها کسی است که از یاد مرگ غفلت ورزد و از هوای نفس خود پیروی کند و پس از آن امید به خدا داشته باشد.(۱)

از آن حضرت نقل شده است: «قلب های شما را زنگار می گیرد، پس به واسطه تلاوت قرآن و یاد مرگ آن را جلا دهید».(۲)

از دیدگاه اسلام جایگاه یاد و اندیشه مرگ، چنان اهمیت دارد که امام صادق(ع) وقت مناسب برای مرگ اندیشی را چنین بیان می کند:

إِذا أَوَیْتَ فِراشَکَ فَانْظُرْ ما سَلَکْتَ فی بَطْنِکَ وَ ما کَسَبْتَ فِی یَوْمِکَ وَ اذْکُر ٭أَنَّکَ مَیِّتٌ وَ إِنَّ لَکَ مَعاداً.(۳)

آن زمان که بر بستر قرار گرفتی، اندیشه کن که چه چیزی را از خوراکی ها در شکم خود قرار دادی و در آن روز چه کارهایی انجام دادی، یاد کن که از دنیا رفتنی هستی و برای تو رستاخیزی هست.

بنابراین، اسلام بر یاد و اندیشه مرگ، فراوان تأکید می کند و این به معنای اندیشه در نابودی نیست تا روح تلاش و امیدواری را در او بمیراند، بلکه یاد مرگ از دیدگاه اسلام به معنای سازندگی و قدم گذاردن در مسیر تکامل و رسیدن به درجه های بالاتر است.

بنابراین، با آگاهی از واقعیت مرگ و اندیشه درباره آن، رفتار انسان تغییر می یابد و پیوسته مراقب اعمال خود خواهد بود و در جهت رشد فضیلت های اخلاقی گام برمی دارد.

---

۱- وسائل الشیعه، ج۲، ص۴۳۶.

۲- محجه البیضا، ج۲، ص۲۱۱.

۳- سفینه البحار، ج۲، ص۵۵۴.

## ۲. مرگ در اندیشه غیراسلامی

### اشاره

۲. مرگ در اندیشه غیراسلامی

زیر فصل ها

الف) عمومی بودن مرگ

ب) اندیشه پس از مرگ و آموزه های تربیتی آن

### الف) عمومی بودن مرگ

الف) عمومی بودن مرگ

مسئله اعتقاد به مرگ یکی از نقاط مشترک بین تمام انسان هاست و با هر عقیده و مرامی، نمی توانند مرگ را انکار کنند. تکاپوگران سیر اندیشه بشر، اعتقاد به مرگ را یکی از کهن ترین اندیشه ها می دانند و دراین زمینه می نگارند:

فرهنگ اندیشه بشر گواه بر این است که هیچ کس نتوانسته مرگ را انکار کند و توجه به این نکته مهم است که به یقین، انسان یگانه آفریده زنده ای است که می داند باید بمیرد، ولی انسان بدوی مرگ را نه یک رویداد طبیعی و نه دگرگونی بنیادی می دانست، بلکه مرگ را تأثیر خشونت یا جادو می دانست که این کژفهمی بدویان درباره مرگ، درحقیقت به دلیل ناتوانی آنان در نتیجه گیری های مناسب از مشاهداتشان است.(۱)

در آموزه های ادیان و گفتار دانشمندان غیراسلامی، شواهد فراوانی است که اعتقادشان را درباره ناگزیر بودن مرگ ابراز داشته اند. در بخشی از آموزه های دین یهود دراین باره آمده است:

انسان، امروز اینجاست و فردا خواهد مرد؛ زیرا روز های عمر ما بر زمین، مانند سایه است و آن را دوامی نیست و مرگ قوی ترین نیرویی است که خداوند در جهان پدید آورده است و به هیچ روی نمی توان بر آن چیره شد.(۲)

در بخشی از آموزه های مسیحیت آمده است: «همه انسان ها در لحظه آخر زندگی شان در این دنیا و لحظه مرگ قرار می گیرند و این لحظه ترسناک است».(۳)

---

۱- گروه مترجمان، فرهنگ تاریخ اندیشه ها، تهران، انتشارات سعادت، ۱۳۸۵، ج ۳، صص۲۳۴۹ و ۲۳۵۰.

۲- آبراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ترجمه: امیر فریدون گرگانی، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲، صص ۹۰ _ ۹۲.

۳- جورج برنتل، آیین کاتولیک، ترجمه: حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱، ص۲۶۴.

مرگ باوری در اندیشه دانشمندان غیراسلامی از امور مسلّم خوانده شده است: «به زودی این زندگی به پایان خواهد رسید، پس به حال خود نظر کن».(۱)

بنابراین، اصل اعتقاد به مرگ و آشکار بودن آن را همه انسان ها پذیرفته اند و قرآن کریم نیز این واقعیت را در آیات ۹۹ سوره حجر و ۴۷ سوره مدثر بیان داشته است. در آن دو آیه، از مرگ تعبیر به یقین شده و نمایانگر این است که هر قوم و جمعیت، هر عقیده ای داشته باشند و هرچیز را انکار کنند، این واقعیت را نمی توانند انکار کنند که سرانجام، زندگی پایانی دارد.(۲)

## ب) اندیشه پس از مرگ و آموزه های تربیتی آن

### اشاره

ب) اندیشه پس از مرگ و آموزه های تربیتی آن

زیر فصل ها

ادیان آسمانی

## ادیان آسمانی

### اشاره

ادیان آسمانی

شک نیست که تمام ادیان آسمانی به زندگانی پس از مرگ معتقد بوده اند و این عقیده از اساسی ترین روش های تربیتی مکتب های آسمانی است. یکی از پژوهشگران در این زمینه می نگارد:

از جمله اعتقادات مشترک در بین ادیان، ادامه حیات پس از مرگ است. دین ها نمی پذیرند که هستی انسان در همین دوران کوتاه زندگی بر روی زمین خلاصه شود.(۳)

در این میان، بسیاری از مبلّغان ادیان، در تحلیل و انتقال آموزه های دینی شان به دیگران گرفتار لغزش شده اند و به خوبی نتوانسته اند واقعیت های لحظه مرگ و جهانِ پس از آن را با دیدگاه دینی بیان کنند. به همین جهت از جنبه اصلاح گرانه باز مانده و پیروانشان گرفتار پراکندگی و انحراف فکری و عقیدتی شده اند. برخی از مبلّغان نیز به پیروان خود آموزش می دادند که انسان خردمند در تلاش است به مرگ فکر نکند، بلکه فقط به زندگی این دنیا بیندیشد.(۴)

۱- اقتدا به مسیح، ص ۷۰.
۲- تفسیر نمونه، ج۴، ص۱۷.
۳- مسعود جلالی مقدم، کرانه های هستی انسان در پنج افق مقدس، تهران، ۱۳۸۴، انتشارات امیرکبیر، ص ۳۸.
۴- فرهنگ تاریخ اندیشه ها، ج۳، ص۲۳۵۱.

و البته همین انـدیشه هـای انحرافی با رنگ و لعاب دینی سـبب می شـد که انـدیشه بشـر درباره مرگ و عالم پس از آن، چنان پراکنده شود که حتی روزگارانی قائل به تناسخ ارواح گردند.(۱)

همین بدآموزی های برخی ادیان، سـبب اختلاف و دودستگی داخلی در میان دین داران و مبلغان دینی مانند کلیسا ها شد.(۲) به منظور روشن شدن این ادعا به برخی مصداق های عینی اشاره می شود:

## اول ـ کج اندیشی ها درباره مرگ، در یهود و نصارا

اول ـ کج اندیشی ها درباره مرگ، در یهود و نصارا

در میان ادیان زنده جهان، دو دین «یهود» و «نصارا» از جمله ادیان بزرگ و دارای پیروان فراوان و کتاب های آسـمانی هسـتند و برنـامه های خاص دینی و تربیتی دارنـد که بر اثر گـذر زمان و غرض ورزی های گوناگون، در اصول اعتقادی دینی آنها از جمله مسـئله مرگ، تغییر و انحراف بسـیار وارد آمده است که در آموزه های مرگ اندیشـی آنان، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

علت پیـدایش مرگ: در اندیشه یهود، انسان با همین طبیعت و عنصـر خود ماندگار و ابدی است، ولی از آن روز که حضـرت آدم خطا کرد و از بهشت رانده شد، مرگ به عنوان مجازات گناهان ابوالبشـر از جانب خداوند قرار داده شـد(۳) و پس از آن نیز گنـاه در میان بشـر رواج یافت. مرگ هم به دلیل گناهکاری فرزنـدان آدم باقی مانـد و اگر شخصـی گناهی مرتکب نشود، پس هرگز نخواهد مرد.(۴)

بسـیار روشن است که این گونه انـدیشه مجرمانه درباره مرگ، به نوعی ایجاد کننـده بدبینی به مقدرات الهی است و انسان در زمان مرگ، با احساس گناه نابخشودنی و ناامیدانه چشم از جهان خواهد بست.

---

۱- محمد هادی معرفت، فرضیه بازگشت روح، ترجمه: سید نصرالله مقدم، مؤسسه امام صادق، ص ۱۹.
۲- جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات پیروز، ۱۳۴۴، ص ۴۴۷.
۳- عبدالوهاب المیری، دائره المعارف یهود و یهودیت، ترجمه: مؤسسه مطالعات و پژوهش های خاورمیانه، دبیرخانه کنفرانس بین المللی فلسطین، ۱۳۸۳، ج۳، ص۳۰۹.
۴- گنجینه ای از تلمود، ص۹۲.

ـ ترویج عقیده تناسخ ارواح: عقیده به تناسخ، از قدیم در میان برخی اقوام وجود داشت. می گفتند ارواح انسان ها پس از مرگ، دیر یا زود در جسم انسانی دیگر مستقر خواهد شد، ولی ایده تناسخ ارواح، میان یهودیان ترویج شد و در قرن هفدهم بسیاری از آنان را تحت تأثیر قرار داد، به گونه ای که برخی از آنان، خود را روی قبر بزرگان خود می انداختند به امید اینکه روح آنها در ایشان حلول کند. قوم یهود با نگاه نژادپرستانه به قضیه تناسخ می گفتند: بقا بعد از مرگ به قوم یهود اختصاص دارد؛ زیرا این قوم ازلی است و پیوستگی قوم یهود، آن جاودانگی را تحقق می بخشد.(۱)

ـ سوء استفاده از توبه کنندگان: گرچه توبه و آمرزش خواهی از پیشگاه خداوند، در تمام ادیان آسمانی از جمله ادیان بزرگ مانند اسلام و یهود و مسیحیت به نوعی وجود دارد و شخص گناهکار با ابراز پشیمانی، از خداوند طلب عفو و بخشش می کند، در چگونگی آمرزش خواهی و بیان توبه، مسیحیان گرفتار لغزش ها و استفاده های نادرست شدند که به لحاظ تربیتی بسیار خطرناک بود.

اربابان کلیسا و مبلّغان مسیحیت تبلیغ می کردند که با مرگ عیسی، پیروانش از گناه پاک شده اند،(۲) ولی ازآنجا که آثار گناه در طبیعت آدمی باقی می ماند، جهت زدودن، مناسکی مانند غسل تعمید، شرکت در مراسم عشای ربانی و پس از آن اعطای بخشش نامه از کشیشان را به اجرا گذاشته و شیوه های خاصی برای جمع آوری مال و دریافت وجوه برپا کرده بودند، برای مثال حق فروش غفران نامه و آزادی از کیفر حق تعالی و حق اعتراف گناهان، یا حق مالیات تعمید. برخی کشیشان این مالیات های مذهبی را محکوم کرده اند و آن را حرام و خلاف مبادی انجیل و اخلاق می خوانند.(۳)

---

۱- دائره المعارف یهود و یهودیت، ج۶، ص۳۰۸.

۲- توماس میشل، کلام مسیحی، ترجمه: حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱، ص۹۵.

۳- جان ناس، تاریخ جامع الادیان، ترجمه:علی اصغر حکمت، تهران، پیروز، ص۴۴۷.

اربابان کلیسا وجوه به دست آمده از تئوری عفو را که شامل بخشیدن گناهکاران می شد، به منظور تهیه پول برای جنگ ها، طرح های ساختمانی و سازمان های خیریه مسیحی گردآوری می کردند.(۱)

## دوم ـ پیامد های انحراف مرگ اندیشی در ادیان

دوم ـ پیامد های انحراف مرگ اندیشی در ادیان

ـ پیدایش اختلاف داخلی: آموزه های یهودیت و مسیحیت درباره مرگ اندیشی به جهت بدآموزی ها و استفاده های ناشایست، نتوانست افراد را زیر چتر تربیتی خود جمع کند، بلکه پیش از همه سبب پیدایش اختلاف و دودستگی میان روحانیان و اربابان کلیسا شد و هر یک با اندیشه متفاوت، رودرروی هم قرار گرفتند.

توماس میشل، یکی از کشیشان مسیحی، می نویسد:

درحالی که بسیاری از کارگزاران کلیسا مردم را به اصلاح دین فرامی خواندند، جریان بخشش نامه ها مانند توپ صدا کرد. در آن جریان، واعظان در هر جا اعلام می کردند که هر مؤمن می تواند با پرداخت مقداری پول به کلیسا، خود را از مجازات بازخرید کند و نجات دهد. مارتین لوتر بر ضد آنان قیام کرد.(۲)

همین سودجویی کلیسا از توبه کنندگان سبب شد، پروتستان ها از کلیسا جدا شوند.(۳) بدین ترتیب، برخی روشن فکران از درون کلیسا، غسل تعمید و عشای ربانی را تاب نیاوردند و گفتند: هیچ عمل جسمانی، خود به خود نمی تواند موجب پدید آمدن تغییر روحی شود، به این علت آنها از کلیسا بریدند.(۴)

ـ پیدایش اندیشه مادی گرایانه درباره مرگ: یکی از آثار زیان بار آموزه های تربیتی یهود و مسیح درباره مرگ اندیشی، پیدایش اندیشه مادی گرایانه درباره

---

۱- شور جاودانگی، ص۳۷۹.

۲- کلام مسیحی، ص۱۰۸.

۳- شور جاودانگی، ص ۳۸۰.

۴- اینار مولد، جهان مسیحیت، ترجمه: محمد باقر انصاری ومسیح مهاجری، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱، ص ۴۰۴.

پدیده مرگ در میان دانشمندان، فیلسوفان و روشن فکران بود. آنان با تحلیل دیدگاه ها و باورهای یهودیت و مسیحیت درباره مرگ و رویدادهای پس از آن، به آموزه های دینی بدبین و گرفتار تناقض های درونی شدند. سرانجام نیز با تحلیل های بی اساس مادی، از آموزه های دینی جدا شدند.

یکی از دانشمندان غربی در این زمینه می نویسد:

روی آوردن متفکران به سوی اندیشه های مادی و انکار آموزه های دینی درباره مرگ، پیامد تعلیمات کلیسا بود که پرسش گران را نمی توانست قانع کند و مردم به سوی مکتب های غیر مذهبی روی آوردند.(۱)

## سوم _ تبیین هویت مرگ در اندیشه های مادی گرایانه

### اشاره

سوم _ تبیین هویت مرگ در اندیشه های مادی گرایانه

زیر فصل ها

_ تجربه های مادی و نیست انگاری

_ چیرگی بر ترسناکی مرگ

### _ تجربه های مادی و نیست انگاری

_ تجربه های مادی و نیست انگاری

از مهم ترین اندیشه مادی گرایان درباره مرگ این ادعاست که ما در تجربه ها و آزمایش های مادی که انجام داده ایم، دریافته ایم انسان با مرگ، نیست و نابود می شود و پس از آن دیگر خبری نیست و با صراحت می گویند:

در جهان مدرن، اعتقاد به زندگی پس از مرگ، برای روشن فکران بسیار مشکل است و جهان بینی مدرن، زندگی پس از مرگ را امری احتمالی نمی دانند و این اعتقاد را از لحاظ تجربه ماورایی، بی اساس و از حیث اخلاقی زیان بار می دانند.(۲)

همچنین در تعریف مرگ می نویسند:

در زیست شناسی، مرگ عبارت است از توقف زندگی و نشانه های آن مانند قطع تنفس. ضربان قلب و نفس. می توان با پذیرش مرگ به استقبال آن رفت؛ زیرا مرگ پایان زندگی و نیستی است و ترس ندارد.(۳)

براساس همین اندیشه، نیچه یکی از دانشمندان مادی گرا می گوید:

---

۱- ویلسون برایان، دین مسیح، ترجمه: حسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۱، ص ۱۰۴.

۲- دیوید گریفین، خدا و دین در جهان پسامدرن، ترجمه: حمیدرضا آیت اللهی، تهران، انتشارات آفتاب توسعه، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹.

۳- شور جاودانگی، صص ۴۷ و ۴۸.

ما دیگر خاستگاه انسان را در روح و الوهیت نمی جوییم، او را به میان حیوانات برگردانده ایم. ما او را نیرومندترین حیوانات می دانیم؛ زیرا او حیله گرترین آنهاست. اگر ما هوس ها را رام کنیم، دیگر برای ما چه می ماند.(۱)

## ــ چیرگی بر ترسناکی مرگ

ــ چیرگی بر ترسناکی مرگ

کسی که با اندیشه مادی به انسان بنگرد و زندگی خود را منحصر به چندروز دنیا بداند و از طرفی مرگ را پایان دهنده آرزوها و کوشش های خود بداند، جای تعجب نیست اگر از بیم مرگ به خود بلرزد و شهد شیرین زندگی در کامش تلخ شود. بر همین اساس، در تفکر مادی گرایانه پدیده مرگ هراس انگیز و بسیار ناگوار نشان داده شده است و برای اینکه از فشار های عصبی و روانی مرگ اندیشی رهایی یابد، به تکاپوی یافتن راه حل ها افتاده است. در نتیجه، بهترین راه غلبه بر ترس از مرگ را در تعطیلی مرگ اندیشی می جوید و در آموزه های خود پیشنهاد می کند که ترس از مرگ و غریزه نگهداری از آنچه داریم، ما را وا می دارد تا در حد توان، اندیشه مرگ و آگاهی از همراهی مرگ را از خود دور کنیم.(۲)

در برخی بررسی های آنان درباره فلسفه زندگی و جایگاه لذت یابی در زندگی آمده است: «برای رسیدن به لذت بی درد و رنج، باید با فراموشی مرگ، بر خرافه، موهوم پرستی و ترس از مرگ چیره شد».(۳)

در آخرین گزینه پیروزی بر ترس و اضطراب، در اندیشه مادی گرایان آمده است که اگر فشار زندگی و نیز ترس از مرگ بر انسان غلبه کرد و نتوانست آن

---

۱- علیرضا شجاعی زند، عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلام، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱، ص۸۱.

۲- میشل مالرب، انسان و ادیان، ترجمه: مهران توکلی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵، ص ۳۶۲.

۳- هالینک دیل، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱.

را فراموش کند، باید از خود شجاعت نشان دهد، خود را به دام مرگ اندازد و با خودکشی از دام همه آن ترس و اضطراب ها نجات یابد.(۱)

براین اساس، مرگ اندیشی در اندیشه غیر اسلامی با خرافه ها و کج اندیشی های بسیار خطرناک همراه است که برای تربیت و اصلاح افراد، اغلب بدون نتیجه بوده است و نتیجه ای خراب کارانه دارد.

## ۳. مقایسه پیامدهای دو اندیشه اسلامی و غیراسلامی

### اشاره

۳. مقایسه پیامدهای دو اندیشه اسلامی و غیراسلامی

در تحلیل کاربردی و عملیاتی میان دو اندیشه اسلامی و غیر اسلامی درباره هویت مرگ و واقعیت های آن، می توان به پیامدهای متفاوت تربیتی دست یافت:

### الف) اندیشه اسلامی

الف) اندیشه اسلامی

ـ در اندیشه اسلامی مرگ پایان زندگی نیست، بلکه عبورگاهی به سوی جهان دیگر است که در آنجا رفتارهای انسان در این دنیا داوری و بازخواست می شود.

ـ در تفکر اسلامی، دنیا آزمایشگاهی است که آخرت، در ادامه همین حیات و در افق بالاتر قرار دارد.

ـ حقیقت انسان فراتر از پدیده های مادی است و نمی توان تمام حقایق آن را با میزان مادی گرایانه سنجید.

ـ سعادت یا شقاوت انسان در جهان پس از مرگ، تابع رفتار انسان در این دنیاست. بر این اساس، در منابع اسلامی روی کنترل گفتار و رفتار اجتماعی و فردی، کنترل غرایز و گرفتار نیامدن در دام لذت خواهی های زودگذر دنیا و تقویت امید به دست یابی به پاداش ها و وعده های خداوند در جهان دیگر بسیار تأکید شده است.

---

۱- شور جاودانگی، ص۴۸.

## ب) اندیشه غیراسلامی

ب) اندیشه غیراسلامی

گرچه بـا نگـاه خوش بینـانه به آموزه هـای ادیان غیراسـلامی ماننـد یهودیت و مسـیحیت، می توان گفت آنان نیز ماننـد مکتب اسـلام برای تربیت افراد در زمینه مرگ اندیشـی دارای برنامه های دینی و آسـمانی بوده انـد، راه یابی برخی اندیشه های تنگ نظرانه و دخـالت دادن برنـامه های نژادپرسـتانه، همچنین وجود بعضـی سوءاسـتفاده های مـذهبی، آموزه های آنان را به چالش کشانـده و درنتیجه وجود ظلم هـا، تعـدی هـا و بی بنـدوباری هـای فراوان، دنیـاگرایی بی حـد و مرز و... در میـان پیروان آنها، بهترین گواه بر ناکارآمدی برنامه های تربیتی آنان در زمینه مرگ اندیشی بوده است.

بـا وجود این، دربـاره آثار مرگ اندیشـی در میان مادی گرایان، با قاطعیت می توان گفت که همه چیز خود را منحصـر به این دنیا می بیننـد و رفتار خود را به گونه ای تنظیم می کننـد که فقط نیاز های این دنیایشان را تأمین کنـد و عنان خود را به دست خواسـته ها، شـهوت ها و بی بندوباری ها می سـپارند و آنها را آزاد می گذارند. آنها با پوچ انگاری زندگی و نشناختن حد و مرز، در لذت خواهی برای رسـیدن به آرزوهای زودگذر خود مرزی نمی شناسند و انسان را موجودی سرگردان می پندارند و سرنوشت نامطلوبی برایش می بینند.

## موضوع های کاربردی در رسانه

### اشاره

موضوع های کاربردی در رسانه

در ایـن قسـمت، برای درست اندیشـی و هـدایت افکـار، به نکـات مهمی اشـاره می کنیم که می توانـد در بیـدارسازی اندیشـه مذهبی در برنامه های تربیتی رسانه استفاده شود:

### ۱. میزگردها

۱. میزگردها

دربـاره موضـوع هـایی چـون مرگ اندیشـی، می توان بـا انتخـاب افراد متخصـص، میزگردهـایی تشـکیل داد و به مطـالب ذیل پرداخت:

الف) حقیقت مرگ از دیدگاه اسلام و بیان اینکه با مرگ، همه چیز تمام نشده است، بلکه پس از آن، زندگانی نو در عالم برزخ آغاز می شود.

ب) ناگزیر بودن از مرگ و اینکه کسی نمی تواند از مرگ نجات یابد.

ج) فراگیر بودن مرگ برای همه و توضیح اینکه در صورت جاودانگی، باید خوبانی مانند امامان معصوم(ع) باقی می ماندند.

د) تبیین انواع مرگ و تحلیل مستند با آیات قرآن درباره خودکشی، عوامل آن و قتل نفس دیگران و جایگاه مرگ ارادی.

هـ) تحلیل کارشناسی درباره افول معنویت در جهان غرب مانند قتل های خیابانی، بی بندوباری ها، تجاوزات و آزار جنسی و فروپاشی خانواده ها به علت نداشتن تفسیر درست از مرگ.

### ۲. طرح پرسش های مردمی

۲. طرح پرسش های مردمی

الف) همه مردم باید از کدام گذرگاه عبور کنند؟

ب) آیا با مرگ، همه چیز تمام می شود؟

ج) آیا مرگ، یکی از مخلوقات خداوند است؟

د) آیا کسی را سراغ دارید که از مرگ فرار کرده باشد؟

هـ) آیا کسی از زمان مرگ خود آگاهی دارد؟

و) مرگ برای چه کسانی ترس آور است؟

ز) مرگ انسان دست چه کسی است؟

## فصل سوم: موانع، راهکار ها و آسیب های مرگ اندیشی

### اشاره

فصل سوم: موانع، راهکار ها و آسیب های مرگ اندیشی

با نگاهی به منابع دینی و نیز تجربه های اجتماعی، می توان به این واقعیت دست یافت که مرگ اندیشی با توجه به اهمیت تربیتی، همواره در معرض هجوم گرایش های مادی و معنوی قرار دارد و با موانع بازدارنده و خطرناک روبه روست که هریک می تواند چراغ مرگ اندیشی را خاموش کند و انسان را به حال غفلت و بی خبری فرو برد.

در منابع دینی می توان به راهکارهایی، برای برطرف کردن آن موانع و تقویت مرگ اندیشی دست یافت. در این فصل، نخست موانع مرگ اندیشی و سپس با استفاده از منابع دینی و راهکارهای تقویت مرگ اندیشی را بررسی می کنیم.

### ۱. موانع مرگ اندیشی

#### اشاره

۱. موانع مرگ اندیشی

زیر فصل ها

الف) نسیان

ب) غفلت از مرگ

ج) آرزوی دراز

د) دنیا گرایی

هـ) رهبران فاسد و ستم پیشگان

و) دام های فریبنده شیطان

ز) دوستان ناباب

ح) تکیه بر نیروی جوانی

ط) دور دانستن زمان مرگ

ی) خودبینی

## الف) نسیان

الف) نسیان

نسیان به معنای فراموشی و مقابل ذکر است و حالت یادآوری و اندیشه مرگ را از انسان می گیرد.

قرآن از آثار زیان بار فراموشـی این گونه یاد می کند که برخی در قیامت، نابینا محشور می شوند، می پرسـند: خداوندا! ما بینا بودیم، چرا نابینا محشور شدیم؟ خطاب می رسد:

قَالَ کَذلِکَ أَتَتْکَ آیَاتُنَا فَنَسِیتَها وَکَذلِکَ الْیَوْمَ تُنْسَی. (طه: ۱۲۶)

همان گونه که نشانه های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی، امروز همان گونه فراموش شدی.

مراد از نشانه ها، قرآن و پیامبر خدا و دیگر نشانه های خداوند است.(۱)

یکی از نشانه های حتمی، مرگ است که به قضای الهی بر انسان مقـدر شـده و ناگزیر بودن آن، می طلبد که انسان همواره به یاد مرگ باشد.

علی(ع) از کسـانی که مرگ را فراموش می کننـد، بـا شـگفتی یاد می کنـد و می فرمایـد: «عَجِبْتُ لِمَنْ نَسِیَ الْمَوْتَ وَ هُوَ یَرَی الْمَوْتی؛ من تعجب می کنم از کسی که مرگ را فراموش کرده و حال آنکه او کسی را که می میرد، مشاهده می کند».(۲)

همچنین می فرماید: بشـتابید به سوی مرگ که اگر فرار هم بکنید، شما را درمی یابد و اگر ایستاده باشید، شما را می گیرد. «وَ اِنْ نَسِیتُمُوهُ ذَکَرَکُمْ؛ اگر شما فراموشش کنید، او به یاد شماست».(۳)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که به ابوذر فرمود:

اگر دوست داری که به بهشت وارد شوی، بکوش آرزویت را در این دنیـا کم کنی، همواره مرگ را در نظر داشته بـاش و در کارهایت از خدا شرم داشته باش «وَ اَنْ لا تَنْسَ الْمَوْتَ؛ و هیچ گاه مرگ را فراموش مکن.(۴)

بنابراین، فراموشـی، مانع مهم مرگ اندیشـی است و بدون شک، اگر کسـی مرگ را فراموش کند، در مسیر سـقوط اخلاقی و فسـاد و تباهی قرار می گیرد و درنتیجه، گرفتار تباهی و بی بنـدوباری خواهـد شـد. کسـی که مرگ را فراموش می کنـد، نه از گناه ترسی دارد و نه درصدد اصلاح خویش برمی آید. لحظه های عمر را همچون چارپایان گذرانده و سرمایه های انسانی را بی هدف از کف خواهد داد.(۵)

---

۱- مجمع البیان، ج۷، ص۵۷.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۲۶، ص ۶۵۴.

۳- ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی (سید رضی)، خصائص الائمه، ص ۱۰۹.

۴- شیخ حسن دیلمی، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل البیت، دار احیاء التراث العربی، ص ۱۹۷.

۵- عباس اسماعیلی یزدی، فرهنگ اخلاق، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵، ص۴۶۹.

در روایتی نقل شده است: ذوالقرنین در فتوحات خود، به شهری رسید و در آنجا عجایبی دید، مثلاً قبر های مردگانشان جلوی خانه هایشان بود، خانه هایشان بدون در بود و شهرشان هم بدون حاکم و پاسبان و قاضی اداره می شد. از اهالی آن شهر علت را جویا شد و آنها در پاسخ گفتند: اینکه قبر مرده های ما جلوی خانه هایمان قرار دارد، برای این است که مرگ را فراموش نکنیم و با دیدن قبور آنها یاد مرگ از دل ما خارج نشود. همچنین، در میان ما هیچ گونه اختلاف و درگیری وجود ندارد و هرکسی بر داشته های خود قانع است، ازاین رو، ما در اداره شهرمان نیازی به قاضی و پاسبان نداریم.(۱)

## ب) غفلت از مرگ

ب) غفلت از مرگ

بدون شک، گرفتار آمدن در دام غفلت، انسان را از توجه و اندیشه به مرگ بازمی دارد و از آموزه های تربیتی مرگ اندیشی محروم می کند؛ زیرا غفلت به معنای بی توجهی و اهمیت ندادن به هدف های زندگی آمده است.(۲) در قرآن و روایات، بی توجهی به مرگ، یکی از عوامل بازدارنده مرگ اندیشی یاد شده و ریشه خیلی از سیه روزی ها، تباهی انسان و مفاسد اخلاقی او در همین غفلت از مرگ بیان شده است. در سوره مبارک انبیا ذیل آیه «اِقْتَرَبَ لِلنّاسِ حِسابُهُمْ وَهُمْ فِی غَفْلَهٍ مُّعْرِضُونَ» می فرماید: «حساب مردم به آنان نزدیک شده، درحالی که در غفلت و روی گردانند.» در تفسیر این آیه آمده است که مرگ و جهانِ پس از آن نزدیک است، ولی انسان ها به واسطه عواملی مانند دنیاگرایی به فکر آن نیستند.(۳)

---

۱- امالی صدوق، ص ۱۷۱؛ تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۱۸۰؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۷۲.

۲- فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، ۱۳۶۷، طبع الثانیه، ج ۳، ص ۳۱۳؛ حسین بن محمد راغب، مفردات، تهران، المکتبه المرتضویه، ص ۱۸۰.

۳- ابوجعفر شیخ محمد حسین طوسی، التبیان فی تفسیر قرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۷، ص ۲۲۸.

امیرمؤمنان، علی(ع) در یکی از سفارش هایش می فرماید:

أُوصِیکُمْ بِذِکْرِ الْمَوْتِ وَ إِقْلالِ الْغَفْلَهِ عَنْهُ وَ کَیْفَ غَفْلَتُکُمْ عَمّا لَیْسَ یُغْفِلُکُمْ.(۱)

شما را توصیه می کنم، همواره به یاد مرگ باشید و از آن غفلت نکنید. چگونه از آن غافل می مانید، درصورتی که او از شما غفلت نمی کند.

همچنین آن حضرت می فرماید: «عَجِبْتُ لِغافِلٍ وَ الْمَوْتُ حَثِیثٌ خَلْفَهُ؛ من از انسان غافلی که مرگ با سرعت پشت سر او در حرکت است، در شگفتم». (۲)

باید توجه کرد که غفلت ما از مرگ برای این است که دراین زمینه احساس خطر نمی کنیم، درنتیجه با پیدایش امنیت دروغین، مرگ را کم به یاد می آوریم و در صورت یادآوری نیز قلبمان فارغ نیست.(۳)

به گفته امام صادق(ع) چاره غفلت این است که انسان بکوشد، در همه حال به یاد مرگ باشد:

ذِکْرُ الْمَوْتِ یُمِیتُ الشَّهَواتِ فِی النَّفْسِ وَ یَقْطَعُ مَنابَتَ الْغَفْلَه.(۴)

یاد مرگ خواهش های نفسانی را می میراند و ریشه های غفلت را از بین می برد.

بنابراین، هرکس اگر با دید باز به زندگی و کردار خود دقت کند، متوجه می شود که سرچشمه بسیاری از گناهان، غفلت از مرگ است. با اندیشیدن درباره مرگ می توان خود را از اسارت گناهان نجات داد و سعادتمند شد.

یکی از بزرگان دراین زمینه می فرماید:

ای بیچاره! مرگ را در دل خود جای ده؛ چه تو را با شتاب می برد و تو از خود غافلی. شاید به منزل نزدیک شده و مسافت پیموده باشی، لیکن این امر محقق نمی شود، مگر آنکه به عمل شتابی و هر نفسی را که در آن به تو مهلت داده شده است، غنیمت شماری.(۵)

---

۱- نهج البلاغه، ص ۳۷۰، خطبه ۱۸۸.

۲- عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۵.

۳- سید عبدالله شبر، الاخلاق، ترجمه: محمدرضا جباران، انتشارات هجرت، ۱۳۷۸، ص۴۴۳.

۴- مصباح الشریعه، ص ۱۷۱.

۵- محجه البیضا، ج۸، ص۲۹۹.

## ج) آرزوی دراز

ج) آرزوی دراز

داشتن آرزو و امید برای انسان، نعمتی الهی است و برای ایجاد تحرک و فعالیت ضرورت دارد. آدمی همیشه به زندگی و آینده امیدوار است و اگر این حالت از انسان گرفته شود، زندگی اش به خاموشی می گراید. براین اساس، پیامبر خدا فرمود: «آرزو بر امت من رحمت است. اگر آرزو از انسان گرفته شود، مادر به فرزند شیرخواره اش شیر نمی دهد و باغبان نهالی نمی کارد».(۱)

مهم، دانستن این مطلب است که ممکن است این آرزو در انسان چنان رشد کند که او را از توجه به حقیقت زندگی در این دنیا باز دارد و تمام امیدش، به این دنیا و ماندن در آن جلب شود و مرگ و زندگی واقعی پس از آن را فراموش کند.

چنان که خداوند در قرآن می فرماید: شیطان حضرت آدم را از راه علاقه او به جاودانگی فریب داد و وسوسه کرد که جاودانگی شما با خوردن از آن درخت، تأمین می شود:

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّکَ عَلى شَجَرَهِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لا يَبْلَى.(طه: ۱۲۰)

پس شیطان او را وسوسه کرد و گفت: ای آدم! آیا می خواهی که تو را بر درخت جاودانگی و قدرت زوال ناپذیر هدایت و راهنمایی کنم؟

و در آیه دیگر می فرماید:

وَقَالَ مَا نَهَاكُما رَبُّكُما عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَهِ إِلّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ. (اعراف: ۲۰)

و گفت: پروردگار شما از خوردن میوه این درخت منعتان نکرد، جز آنکه [با خوردن] آن، دو فرشته یا از جاودانگان خواهید شد.

---

۱- سفینه البحار، ج۱، ص۱۲۱.

دو آیه فوق، گویای این هستند که شیطان آدم را خوب می شناخت و می دانست میل به جاودانگی و آرزوی دراز در نهاد اوست. ازاین رو کوشید تا از راه این میل او را فریب دهد.(۱) بنابراین، از نظر تربیتی آرزوی دراز، مانعی برای درک انسان از حقیقت زندگی و مرگ است. ازاین جهت، خداوند در یکی از برنامه های تربیتی خود، آرزوی جاودانه ماندن در این دنیا را تحقق ناپذیر می داند و می فرماید:

وَمَا جَعَلْنا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِکَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخالِدُونَ. (انبیاء: ۳۴)

و پیش از تو برای هیچ بشری جاودانگی و ابدیت قرار ندادیم. پس آیا اگر تو از دنیا رفتی، آنان جاوید می مانند؟

«إِنَّکَ مَیِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَیِّتُونَ؛ تو می میری و آنان نیز خواهند مرد».(زمر: ۳۰)

این دو آیه خطاب به پیامبر خدا است. پیام تربیتی آنها این است که وقتی جاودانگی در این دنیا برای آن حضرت امکان ندارد، برای دیگران نیز همین گونه است. پس بیهوده به دنبال آرزوهای دست نیافتنی نباشند، بلکه در اندیشه دست یابی به حقیقت زندگی و مرگ خود باشند و با آرزوهای دراز، زمینه مرگ اندیشی را از خود دور نسازند.

در شعری که منسوب به امیرمؤمنان، علی(ع) است، آن حضرت می فرماید:

یا مَنْ بِدُنْیاهُ اشْتَغَلْ

قَدْ غَرَّهُ طُولُ الْأَمَلِ

أَلْمَوْتُ یَأْتِی بَغْتَهً

أَلْقَبْرُ صُنْدُوقُ الْعَمَلِ

وَ لَمْ تَزَلْ فِی غَفْلَهٍ

حَتّی دَنا مِنْکَ الْأَجَلُ(۲)

ای کسی که غرق دنیا شده ای و آرزوی طولانی، تو را مغرور ساخته است.

ناگهان مرگ فرا می رسد و قبر، بایگانی عمل است.

---

۱- اخلاق در قرآن، ج۲، ص ۱۵۶.

۲- دیوان منسوب به امام علی(ع)، ترجمه: مصطفی زمانی، انتشارات پیام اسلام، ص۳۱۲ .

در خواب غفلت تا آنجا به سر برده ای که مرگ به تو نزدیک شده است.

در حدیث معروفی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

خطرنـاک ترین چیزی که بر امتم از آن می ترسم، هواپرستی و آرزوهـای دراز است؛ چراکه هواپرستی، انسان را از حق بازمی دارد و آرزوی دراز، آخرت را به فراموشی می سپارد.(۱)

## د) دنیا گرایی

د) دنیا گرایی

ازآنجـاکه مسـیر زنـدگی ما به گونه ای رقم خورده است که ما با مادیات و برخی زرق و برق های دنیایی سـروکار داریم و به طور طبیعی برای ادامه زندگی خود به برخی موهبت های مادی خداوند نیازمند هستیم، ممکن است در بهره وری از این نعمت های الهی از مرگ اندیشی بازمانیم. با مراجعه به آیات قرآن و روایات امامان معصوم(ع) درمی یابیم که در آموزه های تربیتی دینی، از دنیا، هم مدح شده و هم مذمت:

وَمَا هَذِهِ الْحَیاهُ الدُّنْیا إِلّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدّارَ الْآخِرَهَ لَهِیَ الْحَیَوانُ لَوْ کَانُوا یَعْلَمُونَ. (عنکبوت: ۶۴)

این زندگی دنیا چیزی جز لهو و بازی نیست و زندگی حقیقی در آخرت است، اگر بدانند.

علی(ع) می فرماید: «مَثَل دنیا و آخرت همانند مغرب و مشرق است که نزدیکی به هریک، عین دوری از دیگری است».(۲)

این تعبیرهـا نشان می دهـد که دنیا و آخرت در مقابل هم و جمع ناشـدنی است. از طرف دیگر در برخی آیات و روایات، این دنیا سـتایش و محل تجارت و کسب بهشت معرفی شده است. چنان که از پیامبر خدا نقل شده است: «أَلْدُّنیا مَزْرَعَهُ الْآخِرَهِ؛ دنیا مزرعه آخرت است».(۳)

---

۱- الخصال صدوق، ص۵۱؛ محمد بن حسین فتال نیشابوری، روضه الواعظین، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۸، ص۴۳۷.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۰۳.

۳- ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، قم، مؤسسه سیدالشهدا، ۱۴۰۵ ه_.ق، ج ۱، ص ۲۷۶.

و نیز امام علی(ع) می فرمایـد: «اِنَّ الـدُّنیا مَسْـجِدُ أَحِبّـاءِ اللهِ وَ مَتْجَرُ اَوْلیـاءِ اللهِ؛ دنیـا سـجده گاه دوسـتان خـدا و جایگاه تجارت آنهاست». (۱)

بنـابراین، در معـارف اسـلامی بین دنیـا و آخرت، هم وابسـتگی و پیوسـتگی وجود دارد و هم دوگانگی، که درحقیقت این دو تعبیر ستایش و نکوهش درباره دنیا، به اندیشه تربیتی و دیدگاه انسان نسبت به دنیا برمی گردد.

اگر دنیا در نظر انسان مقصد و هدف اصلی نباشد، بلکه مقدمه ای برای زندگی آخرت باشد، همواره می کوشد به هدف های بلنـد و کمالات انسانی برسـد تا در آخرت به موقعیت بهتری دست یابـد. چنین دنیایی و زنـدگی در آن سـتایش می شود؛ زیرا این گونه زنـدگی، همان زنـدگی عاقلانه ای است که پیامبران و رهبران راستین برای بشـر معرفی کرده انـد. در چنین زنـدگی انسان همواره برای زندگی آخرت و دست یابی به نعمت های الهی تلاش می کند.(۲)

حـال اگر دنیـا در نظر انسـان یـک هـدف اصـلی و نهایی جلوه کنـد، نکوهش می شود؛ زیرا چنین انسانی تمام نیروی فکری و عملی خود را برای دست یـابی به دنیـا صـرف کرده و از انـدیشه و توجه به مرگ و جهـان آخرت به کلی بازمانـده است و در آخر عمرش متوجه خواهـد شـد که زنـدگی در این دنیـا خیـالی بیش نبوده و او در هنگـام مرگ، دسـتش از زاد و توشه خالی خواهد بود.(۳)

قرآن درایـن زمینـه می فرمایـد: «مَـا جَعَـلَ اللّهُ لِرَجُـلٍ مِّنْ قَلْـبَیْنِ فِی جَـوْفِهِ؛ خداونـد برای هیـچ کس دو دل در درونش نیافریده.»(احزاب: ۴) یعنی نمی توان در یک دل، دو هـدف، هم دنیاخواهی و هم مرگ اندیشـی و آخرت گرایی را هم زمان پرورش

---

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱.

۲- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸، چ ۱، ج۴، ص۶۲۴؛ معاد در قرآن، ج۴، ص۶۲.

۳- المیزان، ج۱۳، ص۶۲؛ مجموعه آثار، ج۱۶، ص۵۸۳.

داد، بلکه باید یکی هدف اصلی و دیگری وسیله آن قرار گیرد. کسی که تربیت شده مکتب اسلام باشد، قطعاً دنیا را وسیله ای برای رسیدن به خوبی های آخرت قرار خواهد داد.

امام علی(ع) در سخنانی، از اشتباه کسانی که به دنیا دل بسته اند و به مرگ بی توجهند، پرده برمی دارد و می فرماید:

همانا مرگ، نابودکننده لذت ها، تیره کننده خواهش های نفسانی و دورکننده اهداف شماست. مرگ، دیدارکننده ای دوست نداشتنی، هماوردی شکست ناپذیر و کینه توزی است که بازخواست نمی شود. دام های خود را هم اکنون بر دست و پای شما آویخته و سختی هایش شما را فرا گرفته و تیر های خود را به سوی شما پرتاب کرده است. چه زود است که سایه های مرگ و شدت درد های آن، تیرگی های لحظه جان کندن، بیهوشی سکرات مرگ، تاریکی چشم پوشیدن از دنیا و تلخی خاطره ها شما را فرا گیرد. ممکن است که مرگ ناگهانی بر شما هجوم آورد و خانه های شما را خالی و میراث خواران شما را برانگیزد تا ارث شما را تقسیم کنند. آنان یا دوستان نزدیکند که به هنگام مرگ نفعی نمی رسانند یا غم زدگان که نمی توانند جلوی مرگ را بگیرند یا سرزنش کنندگان که گریه و زاری نمی کنند. بر شما باد تلاش و کوشش و جمع آوری زاد و توشه آخرت.(۱)

### ه_) رهبران فاسد و ستم پیشگان

ه_) رهبران فاسد و ستم پیشگان

اگر در رفتارشناسی انسان ها در زندگی دینی و اجتماعی آنها دقت شود، به خوبی می توان پی برد که طرز تفکر رهبران الهی و غیرالهی در چگونگی رفتار مردم نقش مهمی دارد. رهبران الهی براساس آموزه های وحیانی همواره در برنامه های تربیتی و هدایتی شان خداباوری و مرگ اندیشی را میان مردم ترویج می کردند و می کوشیدند با تقویت بینش مرگ باوری، امنیت رفتار فردی و اجتماعی به وجود آورند و راه کمال جویی انسانی را هموار سازند.

---

۱- نهج البلاغه، ص۴۶۶، خطبه ۴۳۰.

در برابر آنان، رهبران باطل و پیشوایان کفر و ضلالت با استفاده از انواع برنامه های ضددینی و فریب ها و نیرنگ های گوناگون می کوشیدند، مردم را از خداباوری و مرگ اندیشی دور سازند و برنامه های تربیتی سفیران هدایت را خنثا کنند.

در قرآن آمده است که فرعون در مبارزه خود با خداباوران و مرگ اندیشان می گفت: «لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ؛ اگر معبودی غیر از من برگزینی، تو را از زندانیان قرار خواهم داد».(شعرا: ۲۹)

نیز ابودرداء، یکی از اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه از خطر دین ستیزی رهبران گمراه اظهار نگرانی می کرد و می فرمود: «اَخُوفُ ما اَخافُ عَلَيكُمْ اَلْاَئِمَّهُ الْمُضِلِّينَ؛ بیشترین هراس من نسبت به شما از ناحیه رهبران گمراه است».(۱)

## و) دام های فریبنده شیطان

و) دام های فریبنده شیطان

یکی از موانعی که بر سر راه مرگ اندیشی وجود دارد، شیطان است. شیطان از نخستین روز آفرینش آدم(ع) همیشه به دنبال بستن راه های کمال جویی برای آدمیان بوده و از ابزارهای گوناگون برای گمراه ساختن انسان و انحراف اندیشه او استفاده کرده است.

او با وعده های دروغین، افکار و اندیشه انسان را در اختیار می گیرد و یاد مرگ را از ذهنش بیرون می کند و او را به کارهای ناشایست وامی دارد.

از روایات به دست می آید که شیطان برای گمراه ساختن انسان، چنان می کوشد که حتی در لحظه های سخت آخر عمر نیز دست بردار نیست و به سراغ او می آید.

---

۱- عبدالله بن بهرام الدارمی، سنن، دمشق، مکتبه الاعتدال، ج۱، ص ۷۰.

امام صادق(ع) می فرماید:

هرگاه مرگ کسی فرا رسد، ابلیس از میان شیاطین دستیارش، افرادی را برمی انگیزد تا او را به کفر فرمان دهد و در دینش به تردید اندازد تا زمانی که روحش از بدن جدا شود.(۱)

آن لحظه، خطر شیطان چنان بالاست که از آن به «عَدیلَهُ عِنْدَ الْمَوْتِ» یعنی عدول از حق به سوی باطل یاد شده؛ زیرا شیطان، محتضر را نسبت به عقایدش و حقانیت مرگ وسوسه می کند.(۲) بزرگان همیشه از این بد عاقبت شدن در هراس بودند و با جمله «أَللّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْعَدیلَهِ عِنْدَ الْمَوْتِ» به خدا پناه می بردند.(۳) به این دلیل است که برای حفظ ایمان در آن لحظه، دستورالعمل هایی بیان شده است.(۴)

## ز) دوستان ناباب

ز) دوستان ناباب

تأثیرگذاری دوستان و هم نشینان، برای هیچ کس پوشیده نیست. چنان که دوستان نیک اندیش در تشویق و روی آوردن انسان به راه خیر و فضیلت مؤثرند، دوستان و هم نشینان ناباب نیز بر رفتار و عقیده انسان اثر می گذارند و او را گمراه می کنند. این مسئله از نظر تربیتی به قدری مهم است که امام صادق(ع) از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

اَلْمَرءُ عَلی دِینِ خَلِیلِهِ فَلْیَنْظُرْ اَحَدُکُمْ مَنْ یُخالِلُ.(۵)

انسان در زندگی براساس آیین و مسلک دوست خود سیر می کند. پس هریک از شما باید بنگرد با چه کسی دوستی می کند.

---

۱- من لا یحضره الفقیه، ج۱، ص۱۳۳؛ وسائل الشیعه، ج۲، ص ۴۵۵؛ کافی، ج۳، ص ۱۲۳

۲- معاد، ص ۸۶

۳- معاد از دیدگاه علامه طباطبایی، ص ۱۰؛ امام خمینی، اسرار الصلاه، ص۲۳۸؛ سید محمدحسین حسینی تهرانی، معادشناسی، حکمت، ۱۳۶۱، ص ۱۴۷.

۴- وسائل الشیعه، ج۲، ص ۴۵۵؛ بحارالانوار، ج ۶، ص۱۹۵؛ مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

۵- بحارالانوار، ج۷۴، ص ۱۹۲.

علی(ع) می فرماید:

مُجالَسَهُ أَهْلِ الْهَوی مَنْساَهٌ لِلْاِیْمانِ وَ مَحْضَرَهٌ لِلشَّیْطانِ.(۱)

هم نشینی با هوس رانان، باعث از یاد رفتن ایمان و حاضر شدن شیطان می گردد.

انسان هایی که با افراد ناباب که به لحاظ عقیدتی و رفتاری سالم نیستند، هم نشین می شوند و با آنان رفت وآمد دارند، بناچار تحت تأثیر قرار می گیرند و درنتیجه به عقاید دینی از جمله مرگ بی توجه می شوند.

خطر دوستان در زمینه مرگ اندیشی چنان قوی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

مرگ هیچ کس فرا نمی رسد، مگر اینکه دوستان او در پیش چشمش جلوه گر می شوند. اگر از خوبان باشند، نیک جلوه می کنند و اگر از بدان باشند، بد جلوه می کنند.(۲)

از امام علی(ع) نیز این گونه روایت شده است که افراد شایسته و کسانی را که به یاد خدا و جهان آخرت هستند، برای دوستی انتخاب کنید؛ زیرا آنان در موقع مرگ در نظر شما جلوه می کنند و در سرنوشت شما اثر دارند.(۳)

آن حضرت در یکی از کلام های تربیتی و سازنده خود، به فرزندش، محمد حنفیه، خطاب می کند:

باینْ مِنْ أَهْلِ الشَّرِّ وَمَنْ یَصُدُّکَ عَنْ ذِکْرِ اللهِ وَ عَنْ ذِکْرِ الْمَوْتِ بِالْأَباطِیلِ الْمُزَخْرِفَهِ.(۴)

فاصله گیر از بدکرداران و کسانی که با کردار های بیهوده تو را از یاد خدا و یاد مرگ باز می دارند.

از آیات و روایات به دست می آید، دوستانی که در دنیا همدیگر را از مرگ اندیشی و آخرت گرایی دور می سازند، در روز قیامت به زیان های خود

---

۱- اصول کافی، ج۲، ص۳۴۱.

۲- ۳.محجه البیضا، ج۳، ص۴۸۳؛ جامع السعاده، ج۲، ص۲۷۲.

۳- کافی، ج۲، ص۶۳۸.

۴- وسائل الشیعه، ج۱۶، ص۳۶۳.

پی می برند و با همدیگر دشـمن می شوند: «اَلْأَخِلّاءُ یَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ؛ دوستان در آن روز [قیامت] دشمن یکدیگرند». (زخرف: ۶۷)

امام صادق(ع) می فرماید:

اَلا کُلُّ خُلَّهٍ کانَتْ فِی الدُّنْیا فِی غَیْرِ الله عَزَّ وَ جَلَّ تَصِیرُ عَدُوُهُ یَوْمَ الْقیامَهِ.(۱)

بدانید هر دوستی ای که در دنیا برای غیر خدا باشد، در روز قیامت به دشمنی مبدل می شود.

## ح) تکیه بر نیروی جوانی

ح) تکیه بر نیروی جوانی

دوره جوانی دوره شـکوفایی غریزه زیبـادوستی و لـذت طلبی است و فرصـتی بی نظیر است که جوان بـا بهره گیری از موهبت های نهفته در خود، با تلاش در راه کسب معرفت حق، شایسـتگی و ظرفیت خویش را بروز می دهـد و با اندیشه و فطرت پاک خود و عبادت خداوند، به پاداش های بزرگ الهی دست می یابد. جوانی از نعمت های بزرگی است که در روز قیامت، از این بخش از زندگانی انسان بازخواست می شود که آن را در چه مسیری گذرانده است.(۲) از سوی دیگر، دوره جوانی به سبب شـدت یافتن خواسته های شـهوانی، یکی از سـخت ترین دوره هاست که امکان دارد جوان با تکیه بر گسـتاخی و بلندپروازی های جوانی اش، به انحراف کشیده شود و از اندیشه دینی باز ماند.

امیرمؤمنان، علی(ع) در این زمینه می فرماید:

یَنْبَغی لِلْعاقِلِ أَنْ یَحْتَرِسَ مِنْ سُـکْرِ الْمالِ وَ سُـکْرِ الْقُدْرَهِ وَ سُـکْرِ الْعِلْمِ وَ سُـکْرِ الْمَدْحِ وَ سُکْرِ الشَّبابِ فَإِنَّ لِکُلِّ ذلِکَ رِیاحاً خَبِیثَهً تَسْلُبُ الْعَقْلَ وَ تَستَخِفُّ الْوَقارَ.(۳)

برای خردمند شایسـته است که خود را از مستی مال، قدرت، علم، ستایش و جوانی نگاه دارد؛ زیرا هر یک از این امور، تندباد های پلیدی است که عقل را زایل می کند و وقار را فرو می ریزد.

---

۱- تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص۶۱۲.

۲- امالی صدوق، ص۳۹.

۳- غرر الحکم و دررالکلم، ج۲، ص۸۶۲.

براین اساس، بیم این می رود که نیروی جوانی سبب شود اندیشه و فکر جوان به انحراف کشیده شود و مرگ و جهان آخرت را فراموش کند. یکی از بزرگان در این زمینه می فرماید:

گاهی انسان به جوانی خویش اعتماد می کند و مرگ را در سن جوانی بعید می داند، زمانی نیز سلامت جسمی و نیروی جوانی، با هم او را از غافلان می سازد و مرگ را دور تصور می کند. بیچاره فکر نمی کند که اگر پیران شهرش شمرده شوند، یک دهم اهل شهر نیستند، مرگ بیشتر در جوانی گریبان مردم را می گیرد. نیز فکر نمی کند که مرگ، ناگهانی می آید. آدمی اگر قدری فکر کند که مرگ ناگهانی آمده و جوان و جسم سالم را نمی شناسد، به فکر چاره می افتد.(۱)

امام خمینی رحمه الله نیز دوره جوانی را غفلت آور دانسته و به جوانانی که با تکیه بر نیروی جوانی خود از مرگ غفلت می کنند، می گوید: «کمیاب بودن پیران دلیل بر این است که مرگ به جوانان نزدیک تر است. در یک شهر پنجاه هزار نفری، انسان پنجاه نفر پیر هشتاد ساله نمی بیند».(۲)

بنابراین، اگر نیروی جوانی درست تربیت و هدایت نشود، سبب غفلت انسان از مرگ خواهد بود.

## ط) دور دانستن زمان مرگ

ط) دور دانستن زمان مرگ

در نظام تربیتی اسلام، مرگ از همه چیز به انسان نزدیک تر است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «انسان مؤمن باید همیشه به گونه ای باشد که هیچ گاه از حالت یقین به مرگ خالی نباشد.»(۳) امام باقر(ع) می فرماید: «اِنَّ اللّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ آدَمَ وَ جَعَلَ اَجَلَهُ بَیْنَ عَیْنَیْهِ؛ خداوند بنی آدم را خلق کرد و مرگ او را جلوی چشمش قرار داد».(۴)

---

۱- ترجمه الاخلاق، ص۴۴۷.

۲- امام خمینی، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ص۲۷۳.

۳- بحارالانوار، ج۱، ص۱۱۹.

۴- بحارالانوار، ج۱، ص۱۶۲.

امام صادق(ع) نیز می فرماید: «انسان مؤمن هیچ گاه مرگ را دور نمی داند، با خود همراه می داند و همیشه مشغول انجام کارهای نیک است».(۱)

اما درعین حال اگر در زندگی انسان ها دقت شود، بسیارند کسانی که از فکر و اندیشه مرگ غافل هستند و مرگ را دور می پندارند. در روایات امامان معصوم(ع)، این حالت مانعی برای مرگ اندیشی یاد شده و بر بیرون شدن از آن وضعیت بسیار تأکید شده است.

امام علی(ع) می فرماید:

ما رَأَیْتُ إِیْماناً مَعَ یَقینٍ أَشْبَهَ مِنْهُ بِشَکٍّ عَلی هذا الْإِنْسانِ إِنَّهُ کُلَّ یَوْمٍ یُودِّعُ إِلَی الْقُبُورِ وَ یُشَیِّعُ ... لَکانَ یَنْبَغی لَهُ أَنْ یُحاذِرَ ما هُوَ فِیهِ بِأَشَدِّ النُّصُبِ وَ التَّعَبِ.(۲)

هیچ ایمان همراه با یقینی ندیدم که برای انسان به شک شبیه تر باشد از اینکه او هر روز مردگان را به سوی گورستان تودیع و تشییع می کند ... سزاوار است که به هر سختی و مشقتی، از مرگ حذر کند و مراقب آن باشد.

نیز نقل شده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله تلاش بعضی از غافلان از مرگ را مشاهده کرد و از اینکه آنان مرگ را دور تصور می کردند، اظهار شگفتی کرد و فرمود: «کَاَنَّ الْمَوْتَ فِی هذِهِ الدُّنْیا عَلی غَیْرِهِمْ کُتِبَ؛ گویا مرگ در این دنیا برای غیر آنها نوشته شده است».(۳)

امام علی(ع) در نکوهش کسانی که زمان مرگ را دور می دانند، می فرماید:

گویا مرگ بر غیر ما نوشته شده و حق بر غیر ما واجب است. گویا این مردگان مسافرانی هستند که به زودی بازمی گردند، درحالی که بدن هایشان را به گور ها می سپاریم. انگار خودمان پس از آنها جاویدان هستیم.(۴)

---

۱- کافی، ج۳، ص۱۴.

۲- بحارالانوار، ج۶، ص۱۳۷.

۳- تحف العقول، ص۲۹.

۴- نهج البلاغه، ص۶۵۲، حکمت ۱۲۲.

بنابراین، دور دانستن زمان مرگ پندار باطلی است که نکوهش شده و عاملی است که انسان را از مرگ اندیشی باز می دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

وَالْمَوتُ اَقْرَبُ الاَشیاءِ مِن بَنی آدَمَ وَ هُوَ یعَدُّهُ اَبعَدُ.(۱)

مرگ نزدیک ترین چیزها به آدمی است. درحالی که او آن را دور می شمارد.

### ی) خودبینی

ی) خودبینی

یکی از موانعی که انسان را از مرگ اندیشی باز می دارد، خودبینی است. انسانی که به مرگ عقیده دارد، اما در بند خودخواهی گرفتار آمده، نمی تواند به یاد مرگ باشد.

روزی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته شد: خودبینی فلان شخص چقدر زیاد است. حضرت فرمود: «آیا او مرگ را در نظر ندارد».(۲)

امیرالمؤمنین علی(ع) نیز دراین زمینه می فرماید: «ضَعْ فَخْرَکَ وَاحْطُطْ کِبْرَکَ وَاذْکُر قَبْرَکَ؛ فخرفروشی و خودبینی را رها کن و به یاد مرگ باش».(۳)

## ۲. راهکارهای تقویت مرگ اندیشی

### اشاره

۲. راهکارهای تقویت مرگ اندیشی

زیر فصل ها

الف) مرگ باوری

ب) مطالعه پیوسته آیات و روایات مربوط به مرگ

ج) اندیشه در سرنوشت و مرگ دیگران

د) شرکت در تشییع جنازه

هـ) زیارت قبور

و) اندیشه در آثار پیشینیان

## الف) مرگ باوری

الف) مرگ باوری

مرگ باوری از جهت تربیتی، آثار عملی بسیار مهم و در تقویت مرگ اندیشی جایگاه ویژه ای دارد. یکی از عوامل شکست انسان در میدان مرگ اندیشی، ضعف باور ها و سطحی نگری است. در آیات قرآن و روایات نیز بر این مطلب تأکید شده است.

---

۱- بحارالانوار، ج۶، ص۱۳۳.

۲- ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، قم، انتشارات مکتبه الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳- نهج البلاغه، ص ۷۲۴، حکمت ۳۹۸.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «هرگاه باور های قلبی شما ضعیف شد، با خواندن قرآن و یادآوری مرگ، آن را تقویت کنید.»(۱) و نیز آن حضرت درباره شناختن انسان های مرگ اندیش فرمود: «به افراد نگاه کنید، هرکس یقین به مرگ دارد، رفتار و کردار او کنترل شده است و از اعمال ناشایست دوری می کند.»(۲) همچنین آن حضرت فرموده است: «انسان مرگ اندیش باور دارد که مرگ الهی حق است».(۳)

امام علی(ع) درباره یقینی سازی مرگ اندیشی می فرماید:

مردم! اگر آنها [مردگان] را در اندیشه خود بیاورید، یا پرده ها کنار رود، مردگان را در حالتی می نگرید که حشرات گوش هایشان را خورده، چشم هایشان به جای سرمه پر از خاک گردیده، زبان هایشان پاره پاره شده، قلب هایشان رو به خاموشی گراییده و در تمام اعضای بدن پوسیدگی تازه ای آشکار گردیده است.(۴)

دعوت به تفکر و تعقل در کلام امام علی(ع)، از بهترین راهکارها برای یقینی سازی مرگ اندیشی است. بر اثر یقین به مرگ، فردی همانند سلمان فارسی چنان همواره در اندیشه مرگ است که وقتی از او می پرسند: شب و روز تو چگونه سپری می شود؟ پاسخ می دهد: «چگونه سپری می شود روزگار کسی که نهایت زندگی او مرگ، منزلش قبر، کرم و حشرات هم جوارش است و اگر مشمول بخشش قرار نگیرد، جایگاهش آتش سوزان جهنم است.»(۵)

درباره اهمیت و آثار یقین به مرگ، در برخی منابع آمده است که اگر یاد مرگ به صورت یقین در قلب جا کند، در آن اثر خواهد کرد. در این هنگام، شادی و سرور انسان کم و قلبش شکسته می شود.(۶)

---

۱- محجه البیضا، ج۲، ص۲۱۱.

۲- بحارالانوار، ج۱، ص۱۹۹.

۳- تحف العقول، ص۱۸.

۴- نهج البلاغه، ص۴۵۰، خطبه ۲۲۱.

۵- بحارالانوار، ج۷۳، ص۱۶.

۶- ترجمه الاخلاق، ص۴۴۳.

## ب) مطالعه پیوسته آیات و روایات مربوط به مرگ

### اشاره

ب) مطالعه پیوسته آیات و روایات مربوط به مرگ

یکی از راهکارهای اساسی که می تواند مرگ اندیشی و به یاد مرگ بودن را در انسان تقویت کند، مطالعه آیات و روایاتی است که در آنها به مسائل مربوط به مرگ اشاره شده است. در این قسمت برخی مطالب و موضوع ها را که در منابع اسلامی به آنها اشاره شده است، بیان می کنیم.

### یک _ حالت احتضار(جان دادن)

یک _ حالت احتضار(جان دادن)

عقل و شعور انسان به او حکم می کند تا از خطرها و مشکلات دوری جوید و زمینه آسایش را برای خود فراهم سازد. بنابراین، یکی از راهکارهای تقویت مرگ اندیشی، یادآوری سختی هایی است که آدمی در هنگام جان دادن با آن روبه رو می شود. در قرآن و روایات تعبیرهای تکان دهنده ای از آن لحظه آمده است، مانند: «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ؛ هنگام بی هوشی و سختی مرگ فرا رسید».(ق: ۱۹)

در برخی منابع آمده است «سکره الموت»؛ یعنی حالتی که شدت مرگ بر عقل غالب می شود و هوش از سر می رود.(۱) علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد:

سکرات مرگ، حالتی درونی است که در هنگام مرگ برای انسان به وجود می آید، بدین صورت که از مردم غافل می شود و به خود می پردازد، مانند انسان مستی که نمی داند به او چه می گویند و به دلیل همین بی توجهی و غفلت از اطرافیان به «سکرات الموت» تعبیر شده است.(۲)

و نیز از لحظه جان دادن به «غمرات الموت» نام برده شده است: «وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ؛ هنگامی که بینی ظالمان در شداید مرگ فرو رفته اند.» (انعام: ۹۳) غمرات یعنی شداید که هنگام مرگ، انسان را احاطه می کند.(۳)

---

۱- سیدعلی اکبر قرشی، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج۲، ص۳۰۳.

۲- المیزان، ج۱۸، ص۳۴۸.

۳- قاموس قرآن، ج۵، ص۱۰۲.

علی(ع) نیز می فرماید:

اِنَّ لِلْمَوْتِ لَغَمَراتٍ هِیَ أَفْظَعُ مِنْ أَنْ تُسْتَغْرَقَ بِصِفَهٍ أَوْ تَعْتَدِلَ عَلی عُقُولِ أَهْلِ الدُّنْیا.(۱)

بدانیـد مرگ سـختی هـایی دارد که دشوارتر از آن است که به وصف آیـد و یـا خرد ها و عقل های مردم جهان بتوانـد آن را درک کند.

ترسیم لحظه جان دادن، در بیان علی(ع)

سختی های جان کندن و حسرت از دست دادن دنیا، به دنیاپرستان هجوم می آورد. بدن ها در سـختی جان کندن سـست می شونـد و رنـگ می بازنـد، مرگ آرام آرام همه انـدامشان را فرا می گیرد و زبـان را از سـخن گفتن بـازمی دارد. فرد در میـان خـانواده اش می افتـد، بـا چشم خود می بینـد و بـا گوش خود می شـنود و با عقل درست می اندیشـد که عمرش را در پی چه کارهـایی تباه و روزگـارش را چگونه سپری کرده است و به یـاد ثروت هـایی که جمع کرده می افتـد. او در گرو این اعمـال خویش است و چون تمـام واقعیت هـا را هنگـام مرگ مشاهـده می کنـد، دست خود را از پشـیمانی می گزد. امام در ادامه می فرماید: روح از بدن خارج می شود و چون مرداری در بین خانواده خویش بر زمین می ماند.(۲)

### دو ـ چگونگی جان دادن خوبان

دو ـ چگونگی جان دادن خوبان

ذکر حـالت جـان دادن خوبـان در قرآن و روایـات و اینکه مؤمنـان و صالحـان هنگام مرگشان مورد رحمت و تکریم الهی قرار گرفته اند و فرشـتگان با عزت و احترام جان آنها را می سـتانند، جلوه های زیبایی از تشویق در فرهنگ اسلامی است تا اندیشه خفته مرگ اندیشان را بیدار سازد و آنان را به تحرک و تلاش برای دستیابی به پاداش خوبان وادارد.

خداوند در این باره در قرآن می فرماید:

---

۱- نهج البلاغه، ص۴۵۲، خطبه ۲۲۱.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، ص۲۰۹، خطبه ۱۰۹.

اَلَّذِینَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلائِکَهُ طَیِّبِینَ یَقُولُونَ سَلامٌ عَلَیْکُمُ ادْخُلُوا الْجَنَّهُ بِمَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.(فصلت: ۳۰)

همان ها که فرشتگان [مرگ] روحشان را می گیرند، در حالی که پاك و پاکیزه اند، به آنها می گویند: سلام بر شما! وارد بهشت شوید به دلیل اعمالی که انجام داده اید.

و نیز می فرماید:

إِنَّ الَّذِینَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَیْهِمُ الْمَلائِکَهُ أَلا تَخَافُوا وَلاتَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّهِ الَّتِی کُنْتُمْ تُوعَدُونَ نَحْنُ أَوْلِیَاؤُکُمْ فِی الْحَیَاهِ الدُّنْیَا وَفِی الآخِرَهِ. (فصلت: ۳۱)

به یقین، کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان وارد می شوند که نترسید و غمگین مباشید! بشارت باد بر شما به آن بهشتی که وعده داده شد ه اید. ما یاران و مددکاران شما در زندگی دنیا و آخرت هستیم.

در روایات فراوان از امامان معصوم(ع) آمده است که مؤمنان و بندگان صالح خداوند در لحظه مرگ و انتقال به جهان آخرت، با استقبال فرشتگان روبه رو می شوند که آنان را با ملاطفت و مهربانی بشارت به بهشت می دهند. در همین باره از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است:

فرشته مرگ هنگام مردن مؤمن، نزد وی آن گونه می ایستد که برده ای ذلیل نزد مولا-یش می ایستد و نزدیک نمی شود تا نخست بر او سلام کند و به او بشارت بهشت دهد.(۱)

امام صادق(ع) فرمود:

هنگامی که خداوند روح مؤمن را قبض می کند، دو فرشته مأمور او به آسمان می روند و می گویند: پروردگارا! این بنده تو خوب بود؛ چراکه در عمل به دستورهایت سریع و در گناه و نافرمانی ات کند بود. بعد از گرفتن

---

۱- من لا یحضره الفقیه، ج۱، ص۱۳۵؛ تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص۲۲۵.

جانش چه می فرمایید؟ خداوند می فرماید: «به دنیا فرود آیید و شما هر دو نزد قبر این بنده ام بمانید، در آنجا مرا به بزرگی یاد کنید و تسبیح و تهلیل مرا بگویید و ثواب آن را بر این بنده ام بنویسید».(۱)

همچنین امام صادق(ع) از جدش رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند:

چون خداوند از بنده خود راضی باشد، به فرشته مرگ گوید : «ای ملک الموت! از جانب من نزد فلان کس برو و روح او را برای من بیاور؛ زیرا اعمال شایسته ای که به جا آورده کافی است. من او را امتحان کرده ام و در منزلگاه خوبی که مورد محبت من بوده است، او را یافته ام.» آن گاه ملک الموت با فرشتگان دیگر با دسته های گل زعفران از بارگاه الهی فرود می آیند و برای خروج روح مؤمن از بدن او صف می بندند.(۲)

بنابراین، سلام فرشتگان و انواع بشارت ها در وقت قبض روح انسان مؤمن، نهایت ادب و احترام است که به سبب گناه نکردن مؤمن انجام می شود.

تشویق از نظر تربیتی ارزشمند است تا انسان تمام عمر خود را با باور درست و ژرف به حقانیت مرگ و حالات آن سپری کند و با کسب رضایت الهی نتیجه عقاید و رفتار نیک خود را بدین سان در لحظه جان دادن که دالان ورودی عالم برزخ و انتقال به زندگی دیگر است، دریافت دارد.

### سه ــ چگونگی جان دادن بدکاران

سه ــ چگونگی جان دادن بدکاران

در قرآن و روایات علاوه بر اینکه به چگونگی مرگ صالحان اشاره شده، به چگونگی جان دادن افراد ناشایست نیز پرداخته شده است. خداوند برای غافلان از مرگ، چگونگی جان دادن بدکاران و کافران را این گونه بیان می کند:

وَلَوْ تَرَى إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ... .(انفال: ۵۰)

---

۱- بحارالانوار، ج۸۲، ص۱۷۶.

۲- معادشناسی، ج۲، ص۴۴.

اگر سختی حال کافران را ببینی، هنگامی که فرشتگان جان آنان را می گیرند و بر روی و پشت آنان می زنند و به آنها می گویند بچشید طعم عذاب سوزنده را... .

و نیز می فرماید: «إِنَّ الَّذِینَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلائِکَهُ ظَالِمِی أَنْفُسِهِمْ؛ آنان که فرشتگان، روح آنها را گرفتند، درحالی که به خویشتن ستم کرده بودند». (نساء: ۹۷)

روایت است رسول اکرم صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان، علی(ع) درباره سختی جان کندن بدکاران این گونه فرمود:

ای علی! هنگامی که ملک الموت برای گرفتن جان و روح کافر فرود می آید، همراهش میخ داغ آهنین است که به محض رسیدن به بدن، آن را بریان می کند و زمانی که روح کافر را با آن میخ گداخته از بدن خارج می کند، صدای جهنم بلند می شود.(۱)

امام صادق(ع) می فرماید: «مرگ برای انسان کافر، مانند نیش زدن مار های بزرگ و عقرب ها و بدتر از اینهاست.»(۲)
همچنین خداوند در سوره مبارکه محمد، نحوه مجازات منافقان را در آستانه مرگ، این گونه خبر می دهد:

فَکَیْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلائِکَهُ یَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ذَلِکَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا ما أَسْخَطَ اللَّهَ وَکَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ. (محمد: ۲۷ و ۲۸)

حال آنان [منافقان] چگونه خواهد بود، هنگامی که فرشتگان بر صورت و پشت آنها می زنند؟ این به دلیل آن است که آنها از آنچه خداوند را به خشم می آورد، پیروی کردند و آنچه را موجب خوشنودی اوست، کراهت داشتند. از این رو، خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد.

بنابراین، انسان ظالم و بدکار، در همان لحظه جان دادن، کیفر ها و سختی هایش آغاز می شود. در واقع این مشکلات، پیامد های کردار شرورانه و فساد در زندگی آنهاست. این حالت، درسی برای انسان است تا از

---

۱- بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۷۰.
۲- بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۶۶.

سرنوشت تلخ ستم کاران اندرز بگیرد و برای روز واپسین زندگی خود زاد و توشه فراهم آورد.

### چهار _ مشاهدات هنگام مرگ

#### اول _ دیدن حقیقت کردار گذشته و جایگاه خود در آینده

با استناد به آیات قرآن و روایات معصومان(ع)، اولین دیدار ها و شنیدارهای انسان هنگام مرگ، مشاهده تجسم کردار و رفتار اوست. قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

لَقَدْ کُنْتَ فِی غَفْلَهٍ مِنْ هَذا فَکَشَفنا عَنْکَ غِطاءَکَ فَبَصَرُکَ الْیَوْمَ حَدِیدٌ.(ق: ۲۲)

تو از این حالت غافل بودی و ما پرده را از چشمان تو کنار زدیم و امروز چشم تو کاملاً تیزبین است.

در آن لحظه مشاهدات چنان دقیق است که در روایات، از وقت جان دادن به «عند المعاینه» _ هنگام دیدارها _ یاد شده است؛ زیرا در آن لحظه باطن و حقیقت اعمال خود را به چشم ملکوتی می بیند.(۱)

در روایتی نقل شده است که یکی از یاران امام صادق(ع) نزد آن حضرت شکایت برد و گفت: ای پسر رسول خدا! من مرگ را دوست ندارم. می ترسم از نفرین شدگان درگاه الهی باشم. حضرت فرمود: «ملاک دوست داشتن یا بغض داشتن هنگام مرگ (عند المعاینه) است.»(۲) از آن حضرت نقل شده است که انسان مؤمن هنگام معاینه، با دیدن واقعیت ها و نتیجه کردار نیک خود، خوشحال می شود و گریه می کند.(۳)همچنین آن حضرت فرمود: «هرگز کسی از شما از دنیا نمی رود، مگر آنگاه که سرنوشت خود را بداند. مؤمنان جایگاه خود را در بهشت و کافران جایگاه خود را در جهنم مشاهده می کنند».(۴)

---

۱- چهل حدیث، ص۴۵۳.

۲- ابومحمد حسین بن سعید اهوازی، الزهد، چاپ: سیدابوالفضل حسینیان، ۱۴۰۲ ه_.ق، ص ۸۳.

۳- علل الشرایع، ج ۲، ص۳۰۶.

۴- محجه البیضا، ج۸، ص ۳۱۱.

امام صادق(ع) در این زمینه به ابوبصیر فرمود:

وقتی جان مؤمن به گلوگاه رسد و هنوز فروغ حیاتش پایان نیافته و چراغ زندگی اش به کلی خاموش نشده است، منزلی را که در بهشت دارد به او نشان می دهند. از دیدن آن به هیجان می آید و می گوید: مرا به دنیا بازگردانید تا خانواده ام را از آنچه مشاهده می کنم، آگاه سازم. در پاسخش می گویند: این کار ناشدنی است و راه بازگشت وجود ندارد.(۱)

بر این اساس، هنگام مرگ، هم مؤمنان و هم بدکاران، مشاهدات و دیدنی هایی از گذشته و آینده خود دارند. این دیدنی ها برای انسان به صورت تجسم مال و فرزندان و عمل اوست که با چشم برزخی می بینند.(۲) دیدنی ها و شنیدنی های هنگام مرگ، برای انسان مؤمن حال خوشی می آورد و با رضایت، جان را تسلیم فرشتگان می کند؛ زیرا او به مقام قرب الهی می رسد و در انتظار چنین روزی بوده است. از این رو، لحظه جان سپردن برای او بسیار شیرین و فرح بخش است.(۳)

در مقابل، انسان های کافر و بدکردار با دیدن گذشته خراب و آینده تاریک خود چنان وحشت می کنند که لحظه جان دادنشان، از تلخ ترین لحظه ها و سهمگین ترین حالت ها برای آنهاست و در آن لحظه، نخستین واقعیتی که برایشان آشکار می شود، بطلان دنیا و متعلقات آن است. آنان درمی یابند که تمام عادت ها و رسم های دنیایی شان بی ارزش بوده و هر آنچه واقعیت می انگاشتند، اوهام و سرابی بیش نبوده که همه تمام شده است.(۴)

مطالعه این حالت های انسان در لحظه مرگ، برای هر انسانی این پیام تربیتی را دارد که او هم به فکر روزگار خود باشد و برای خود دیدنی ها و شنیدنی های بشارت دهنده را فراهم آورد.

---

۱- کافی، ج۳، ص۱۳۵.

۲- معاد، ص۴۸.

۳- تسنیم، ج۵، ص ۵۷۱.

۴- المیزان، ج۷، ص۲۸۶.

## دوم _ دیدن فرشتگان الهی

یکی از مشاهدات محتضر در نخستین مراحل انتقال از این دنیا به جهان آخرت، مشاهده فرشتگانی است که از طرف خداوند مأمور قبض روح هستند. ملک الموت و یارانش را قبل از مرگ نمی توان دید. همچنین، غیر از آنها چهار ملک دیگر را مشاهده می کند که هر یک پایان یافتن رزق و روزی، لحظه های عمر و تمام بهره ها و سهم او از جهان مادی را اعلام می دارند.(۱)

اما آنچه در این دیدار ها مهم است، مشاهده دو فرشته نگهبان و نویسنده عمل انسان است که اگر محتضر، نیک کردار باشد، آن دو ملک به او می گویند: خداوند از ما به تو جزای خیر دهد، بسا مجلس صدق که ما را در آن نشاندی و بسا عمل نیک که در حضور ما انجام دادی! اگر هم بدکار باشد، به او خطاب می کنند: خداوند از ما به تو جزای خیر ندهد. بسا مجلس بد که ما را در آن نشاندی! در این هنگام چشمان محتضر به آنها خیره می شود و دیگر به دنیا باز نمی گردد.(۲)

## سوم _ دیدار ائمه معصوم(ع) هنگام مرگ

از دیدار های نوید بخش که برای مؤمن هنگام مرگش رخ می دهد، دیدار اولیای الهی است. او در واپسین لحظه های عمرش با آنها دیدار می کند و این، سبب تسکین دردها و رنج ها و تلخی جان کندن او می شود. علامه مجلسی نقل کرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به خدا، مؤمنان ما پنج نفر اهل کسا را در هنگام احتضار می بینند و ما به ایشان بشارت می دهیم».

مجلسی به دنبال این روایت می گوید:

بدان که حضور امامان معصوم(ع) در هنگام مرگ، با اخبار مستفیضه نقل شده و انکار آن توهّم محض است، بلکه ما باید به آن ایمان و عقیده داشته باشیم.(۳)

---

۱- طبری، بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، نجف، کتاب خانه حیدریه، ۱۳۸۳، ص۶.

۲- معاد در قرآن، ج۴، ص۲۰۱.

۳- بحارالانوار، ج۶، ص۱۸۸.

از امام صادق(ع) نقل شده است:

هنگامی که مؤمن در آستانه مرگ قرار گیرد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و کسانی که خدا بخواهد، کنار او می آیند. رسول خدا صلی الله علیه و آله سمت راست آن محتضر و دیگران در جانب چپ او می نشینند. رسول خدا صلی الله علیه و آله شروع به سخن می کند و می فرماید: آنچه امیدوارش بودی اکنون روبه روی توست [دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه(ع)، ولی از آنچه از آن می ترسیدی [کیفر]، از آن ایمن هستی. سپس دری از بهشت به رویش گشوده می شود و رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: این منزل توست.(۱)

همچنین از آن حضرت نقل شده است:

هنگامی که ملك الموت برای قبض روح مؤمن می آید، او نخست اظهار ناراحتی می کند. ملك الموت به او می گوید: ای ولی خدا! ناراحت نباش، قسم به خدایی که مبعوث کننده محمد صلی الله علیه و آله است، برای تو از پدر نیز مهربان تریم؛ دیدگانت را بگشای و بنگر. سپس حضرت رسول صلی الله علیه و آله، امام علی(ع)، حسن(ع)، حسین(ع) و فرزندان معصوم آنان برای آن شخص مجسم می شوند. محتضر دیدگانش را می گشاید، نداکننده از جانب حق به او خطاب می کند: ای نفس که به محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش آرامش یافتی! به سوی پروردگارت بازگرد. در این لحظه هیچ امری برای مؤمن بهتر از خلاصی روح و پیوستن به منادی نیست.(۲)

و در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است:

در وقت مردن، اشک از چشمان میت جاری می شود. این جاری شدن اشک، هم به دلیل دیدن رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم مشاهده چیز هایی است که او را خوشحال می کند. آیا دیده ای که وقتی کسی چیزی را دید و بسیار خوشحال شد، اشک شوق از چشمانش جاری می شود.(۳)

---

۱- فروع کافی، ج۳، ص۱۳۸.

۲- بحارالانوار، ج۶، ص۲۰۰.

۳- من لا یحضره الفقیه، ج۳، ص۱۳۱.

بنـابراین، مـؤمنی که خود را پیرو ولاـیت امامـان معصوم(ع) می دانـد، بر این بـاور است که همین عقیـده در حین مرگش به او یاری می رساند و سبب می شود که با رهبران دینی خود دیدار کند و بشارت هایی دریافت دارد.

## چهارم ـ حضور پیشوایان معصوم(ع) در بالین دشمنان

از روایات فراوان دیگری هم استفاده می شود که دشـمنان ائمه معصوم(ع) نیز هنگام مرگ، آنها را ملاقات خواهند کرد، ولی دیـدار با ایشان بسیار متفاوت است و درحالی امامان معصوم(ع) را ملاقات می کننـد که آن افراد مقدس از آنان غضـبناک‌اند و همین مایه عذاب و شکنجه آنهاست.

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «هر مؤمن و غیر مؤمن هنگام مرگ، من و اهل بیتم را می بیند، ولی این دیدار برای مؤمن بشارت است و برای غیر مؤمن عذاب».(۱)

از امام صادق(ع) نقل شده است:

از دوستان ما کسی نخواهد مرد، جز اینکه نوید بهشت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان، علی(ع) و حسن و حسین(ع) دریافت دارد. دشمنان ما نیز آنها را می بینند، در حالی که دشمن آنها هستند.(۲)

امام علی(ع) می فرماید:

آگاه باشید که هیچ یک از دوستان من نخواهد مرد، مگر اینکه مرا در جایی که شوق دارد بیابد و هیچ یک از دشـمنان من نخواهد مرد، مگر اینکه مرا در جایی که اکراه دارد بیابد.(۳)

در این باره از ابن ابی یعفور نقل شده است: ما با خطّاب جُهَنی هم نشـین بودیم. او با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله دشمنی شدید داشت تا اینکه خطّاب بیمار شد و در بستر مرگ افتاد. به دلیل هم نشینی گذشته به عیادت او رفتم، دیدم

---

۱- فروع کافی، ج۳، ص۱۲۷؛ المیزان، ج ۲۰، ص۲۷۸.

۲- علل الشرایع، ج۲، ص۳۰۶.

۳- سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، معاد، قزوین، انتشارات طه، ۱۳۸۰، ص۸۵.

بی هوش شده و در حال جان کندن است. ناگاه شنیدم که می گفت: «مالِی وَ لَکَ یا عَلی؛ مرا با تو چه کار بود ای علی(ع) ؟» ابن ابی یعفور گوید : چندی بعد به حضور امام صادق(ع) رفتم و ماجرای جان کندن و سخن خطّاب را برای امام بیان کردم. آن حضرت دو بار فرمود: «رَآهُ وَ رَبِّ الْکَعْبَه؛ به خدای کعبه او علی(ع) را دیده است.»(۱) یعنی با مشاهده علی(ع) متوجه شده است که چگونه نعمت ولایت ایشان را از دست داده، ازاین رو، گرفتار پشیمانی شده است.

### پنج _ عوامل سخت جان دادن

#### اول _ ظلم و ستم

وَلَوْ تَرَی إِذِ الظَّالِمُونَ فِی غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلائِکَهُ بَاسِطُو أَیْدِیهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَکُمُ الْیَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ.(انعام: ۹۳)

و اگر فضاحت و سختی کار ستمکاران را ببینی، آن گاه که در سکرات مرگ گرفتار می آیند و فرشتگان قبض روح آنان دست قهر و قدرت برمی آورند و می گویند که جان از تن به در کنید، امروز مجازات خوارکننده ای خواهید دید.

#### دوم _ سه طایفه از امت اسلام

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله با امام علی(ع) از شدت قبض روح کافران سخن می گفت. علی(ع) پرسید: ای رسول خدا! از امت شما کسی این گونه سخت قبض روح می شود؟ حضرت فرمود: «نَعَم حاکِمٌ جائِرٌ وَ آکِلُ مالِ الْیَتیمِ ظُلْماً وَ شاهِدُ زُورٍ؛ آری حاکم ستمگر و خورنده مال یتیم از روی ظلم و کسی که گواهی دروغ دهد».(۲)

#### سوم _ کسی که زکات نپردازد

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان، علی(ع) فرمود: ای علی! کسی که زکات اموالش را نپردازد، در هنگام مرگ با سختی ها روبه رو می شود و درخواست بازگشت می کند. این همان است که خداوند خبر داده: «حَتَّی إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ

---

۱- محجه البیضا، ج۸، ص۲۵۹.

۲- بحارالانوار، ج۶، ص ۱۷۰.

الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيما تَرَكْتُ»(۱) پس تقاضای بازگشت برای جبران گذشته هایش می کند، ولی پذیرفته نمی شود.(۲)

از امام صادق(ع) نقل شده است که انسان مانع الزکات(کسی که زکات پرداخت نمی کرده) درخواست بازگشت می کند، ولی موافقت نمی شود.(۳)

## چهارم _ نارضایتی شوهر

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر زنی که سبب رنجش و آزار شوهرش را فراهم کند، همواره مورد نفرین خدا و ملائکه و پیامبران است و هنگام مرگ، ملائکه او را وعده عذاب به آتش جهنم می دهند.(۴)

## پنجم _ نارضایتی والدین

پیامبر خدا فرمود: «هر کس سبب نارضایتی پدر ومادرش را فراهم آورد، گرفتار شدت سکرات موت می شود».(۵)

## ششم _ خیانت در امانت

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در امانت خیانت کند و به صاحبش باز نگرداند، بر دینی غیر از دین اسلام می میرد و خدا را در حال غضب ملاقات می کند».(۶)

## هفتم _ همکاری با ظالمان

حضرت محمد صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَن تَوَلّی خُصومَهَ ظالِمٍ أَوْ أَعانَ عَلَیْها ثُمَّ نَزَلَ بِهِ مَلَکُ المَوْتِ قالَ لَهُ أَبْشِر بِلَعْنَهِ اللهِ.(۷)

---

۱- بحارالانوار، ج۶، ص۱۱.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص۱۵.

۳- جامع السعاده، ج۲، ص۲۷۲.

۴- جامع السعاده، ج۲، ص۲۸۷.

۵- نک: مؤمنون: ۹۹ و ۱۰۰.

۶- تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص۵۵۲.

۷- شیخ صدوق، ثواب الاعمال، قم،انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴، ص۲۳۵.

هر کس اجرای ستم ظالم را به عهده گیرد یا او را بر ستمکاری هایش کمک کند، پس زمانی که ملک الموت به سراغش آید، به او خطاب می کند: بشارت باد بر تو لعنت و نفرین خداوند.

### شش _ عوامل آسان جان دادن

#### اول _ محبت علی(ع)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ملک الموت با دوستان علی(ع) مهربان است، مانند مهربان بودن به پیامبران».(۱)

دوستان علی(ع) از دنیا نمی روند، مگر اینکه از آب کوثر سیراب شوند، از میوه درخت طوبی استفاده کنند و جایگاه خود را در بهشت ببینند. سکرات مرگ بر ایشان آسان می گردد و قبرشان باغی از باغ های بهشت است.(۲)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «محبت علی (ع) سبب دفع سکرات مرگ می شود».(۳)

#### دوم _ قرائت قرآن

حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود:

کسی که پس از هر نماز، خواندن قرآن را ادامه دهد، خیرات و برکات از آسمان بر سرش فرومی ریزد، سختی و عذاب لحظه جان دادن را نمی چشد، از عذاب قبر نجات می یابد و از کارهایی که دیگران می ترسند، نخواهد ترسید. همچنین زمانی که دیگران اضطراب دارند، او آرامش خواهد داشت.(۴)

#### سوم _ خواندن بعضی سوره ها

سوره زلزال

امام صادق(ع) فرمود:

هرگز از خواندن سوره إِذا زُلْزِلَت خسته نشوید که آثار فراوان دارد، از جمله در هنگام مرگ، فرشته ای حاضر می شود و به ملک الموت سفارش می کند

---

۱- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، تبریز، انتشارات مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱، ج۱، ص ۸۰.

۲- بحارالانوار، ج۲۷، ص۱۱۴.

۳- بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، ص۳۶.

۴- بحارالانوار، ج۷۳، ص۱۸۳.

که بـا این ولیّ خـدا مـدارا کن؛ زیرا او زیـاد این سوره را تلاوت می کرد. ملک الموت می گویـد: پروردگارم به من سـفارش کرده که در اختیار این بنده مؤمن باشم و تا او راضی نشود روحش را نمی گیرم. در آن هنگام پرده ها از جلوی چشمش کنار می رود و او جایگاه خود را در بهشت می بیند و راضـی به جان سپردن می شود. ملک الموت به آسان ترین شـکل، جان او را می گیرد و ملائکه روحش را تا بهشت همراهی می کنند.(۱)

سوره یس

روایت شده است که هرکس بر خواندن سوره یس مداومت کند، خدا سـکرات مرگ و هراس های مرگ را از او برطرف می سازد.

آیه الکرسی

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که خواندن آیه الکرسی سبب آسان شدن سکرات موت می شود.(۲)

## چهارم ـ اهمیت دادن به نماز

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هرکس مواظب نمازش باشد و به نمازش در اول وقت اهمیت بیشتر دهد، در وقت مرگ، ملک الموت شهادتین ـ أَشْهَدُ أَنْ لا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ ـ را به او تلقین می کند و سبب می شود که ملک الموت در آن لحظه ابلیس را از وسوسه کردن او دور سازد.(۳)

از امام صادق(ع) نقل شده است که میت را هنگام احتضارش، به جایگاهی که نماز می خوانده است، ببرید؛ که سبب می شود جان دادن بر او آسان شود.(۴)

## پنجم ـ نماز در شب جمعه

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

کسـی که در شب جمعه دو رکعت، بعـد از حمـد، نماز بخوانـد، در هر رکعت بعـد از حمـد سوره توحید را پنجاه مرتبه قرائت کند و در پایان نماز بگوید:

---

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۲۶.

۲- مستدرک الوسائل، ج۴، ص۳۲۲.

۳- وسائل الشیعه، ج۴، ص۲۹.

۴- بحارالانوار، ج۸۱، ص۱۲۷.

«أَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ العَرَبِيِّ وَ آلِهِ» خداوند گناهان او را ببخشد و در لحظه جان دادن، مرگ را بر او آسان گرداند.(۱)

## ششم ــ صله رحم و نیکی به پدر و مادر

امام صادق(ع) فرمود:

کسی که دوست دارد لحظه های جان دادن بر او آسان شود، باید با خویشان خود صله رحم داشته باشد و به پدر و مادرش نیکی کند. در این صورت، مرگ بر او آسان می شود و فقر در زندگی اش راه نمی یابد.(۲)

از امام موسی بن جعفر(ع) نیز نقل شده است که خداوند به حضرت موسی فرمود: «هرکس صله رحم کند، مرگ را بر او آسان می کنم».(۳)

## هفتم ــ روزه

مردی یهودی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره فلسفه روزه پرسید، حضرت هفت اثر برای آن ذکر کرد، از جمله فرمود: «هرکس روزه ماه رمضان را بگیرد، خداوند سکرات مرگ را بر او آسان می کند».(۴)

همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است:

هرکس غیر از ماه رمضان ده روز پشت سر هم روزه بگیرد، در هنگام مردنش ملک الموت به صورت جوانی زیبا درحالی که در دستش جامی از آب است، به ملاقات او می آید و به آسانی جان او را می گیرد.(۵)

از امام صادق(ع) نیز روایت شده: «هرکس روز آخر ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند از سختی های جان دادن، او را ایمن می کند».(۶)

## هشتم ــ کمک به نیازمندان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس برادر نیازمند خود را طعام دهد، خداوند تلخی مرگ را از او برطرف می کند.»(۷) امام صادق(ع) فرمود: «هرکس برادر فقیرش را لباس بپوشاند،

---

۱- امالی صدوق، ص۱۵.

۲- امالی طوسی، ص۴۳۳؛ امالی صدوق، ص۳۸۹.

۳- بحارالانوار، ج۱۳، ص۳۲۷.

۴- بحارالانوار، ج۸۹، ص۳۲۷.

۵- وسائل الشیعه، ج۴، ص۲۹.

۶- بحارالانوار، ج۸۱، ص۱۲۷.

۷- مستدرک الوسائل، ج۴، ص۳۲۲.

بر خداوند لازم است که او را از لباس بهشت بهره مند، مرگ را بر او آسان و قبرش را وسیع کند».(۱)

### نهم ـ وضو داشتن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در اول شب با وضو بخوابد، اگر در آن شب مرگ او فرا رسد، نزد خدا شهید است».(۲)

## ج) اندیشه در سرنوشت و مرگ دیگران

ج) اندیشه در سرنوشت و مرگ دیگران

نگاه واقع بینانه در سرنوشت و زندگانی دیگران و اینکه پایان زندگی هرکس گرفتار شدن در چنگال مرگ است، سبب می شود انسان عاقل در سرانجام زندگانی خود بیندیشد و همواره به یاد مرگ باشد. در روایت امامان معصوم(ع) نیز به اندیشه در مرگ دیگران فراوان تأکید شده است. در این زمینه نقل است، روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله به اصحابش خطاب کرد: «به سرنوشت و مرگ دیگران بیندیشید؛ زیرا شما هم در سرنوشت با آنها شریک هستید.»(۳) همچنین فرمود: «آرزوهای خود را، با نگاه به مرگ نزدیکان خود و دل بستگی آنان در دنیا، مداوا کنید».(۴)

در حدیث قدسی نقل شده است که خداوند به حضرت عیسی خطاب کرد: «زیاد به یاد مرگ دیگران و جدایی دوستان خود باشید.»(۵) و نیز از علی(ع) نقل شده است: «کَفی بِما سَلَفَ تَفَکُّراً وَ کَفی بِالمَوتِ وَاعِظاً؛ اندیشه در سرنوشت گذشتگان و پند و اندرز گرفتن از مرگ آنان کافی است.» (۶) آن حضرت فرمود: «هر کس مرگ دیگران را در نظر خود مجسم سازد، مشکلات او در این دنیا آسان می شود».(۷)

---

۱- اصول کافی، ج۲، ص۶۲۶.

۲- بحارالانوار، ج۹۲، ص ۳۶۱.

۳- ابوالفتح محمد بن علی کراجکی، کنز الفوائد، قم، انتشارات دارالذخائر، ۱۴۱۰ ه ـ.ق، ج۱، ص۳۷۹.

۴- مجموعه ورام، ج۱، ص۱۷۴.

۵- امالی صدوق، ص۵۱۷.

۶- وسائل الشیعه، ج۲، ص۲۷۵.

۷- غرر الحکم و درر الکلم، ص۱۴۶.

امام خمینی در این زمینه می گوید: «برای بریدن و دور شدن از معاصی، تفکر در کیفیت مرگ مردمان صالح و افراد نابکار، تو را کفایت می کند که فکری برای خودت نمایی». (۱)

مرحوم شبر نیز در این باره می گوید:

مؤثرترین راه برای اینکه یاد مرگ در قلب جا کند، آن است که انسان همنوعان خود را که قبل از او مرده اند به یاد آورد، که چگونه مردند و زیر خاک قرار گرفتند و صورت ها، جایگاه و حالت های دنیایی ایشان را در نظر مجسم کند. (۲)

## د) شرکت در تشییع جنازه

د) شرکت در تشییع جنازه

در آموزه های دینی، شرکت در تشییع جنازه مؤمنان، عملی مستحب خوانده شده است؛ زیرا شرکت در تشییع جنازه از یک سو احترام گزاردن به میت و بازماندگان اوست و از سوی دیگر، عاملی برای اندیشیدن در سرنوشت خویش است که روزی این گونه روی دست دیگران قرار خواهد گرفت. امام علی(ع) دراین باره می فرماید:

فَکَفی وَاعِظاً بِمَوْتی عایَنْتُمُوهُم حُمِلُوا إِلی قُبُورِهِمْ غَیْرَ راکِبینَ وَأُنزِلُوا فیها غَیْرَ نازِلینَ فَکَاَنَّهُمْ لَمْ یَکُونُوا لِلدُّنْیا عُمّاراً وَ کَأَنَّ الْآخِرَهَ لَمْ تَزَلْ لَهُمْ داراً. (۳)

مرگ گذشتگان برای عبرت شما کافی است. می بینید که چگونه آنها به گورشان حمل شدند، بی آنکه مرکبی سوار باشند. آنان در قبر گذاشته شدند، بی آنکه خود فرود آیند، چنان از یاد رفتند که گویا از آبادکنندگان دنیا نبودند و آخرت همواره خانه شان بود.

همچنین آن حضرت فرمود:

اِذا حَمَلْتَ جِنازَهً فَکُنْ کَاَنَّکَ مَحمُولٌ وَ کَاَنَّکَ سَأَلْتَ رَبَّکَ الرُّجُوعَ إِلَی الدُّنْیا فَفَعَلَ فَانْظُرْ ماذا تَسْتَأْنِفُ. (۴)

---

۱- میرزا جواد ملکی تبریزی، اسرار الصلاه، ترجمه: رضا رجب زاده، پیام آزادی، ۱۳۷۸، ص۸۳.

۲- ترجمه الاخلاق، ص۴۴۴.

۳- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، ص ۳۷۰، خطبه ۱۸۸.

۴- ترجمه الاخلاق، ص۴۴۳.

هنگـامی که جنـازه ای را حمل می کنی، چنان فرض کن که تو را حمل می کننـد و تو از پروردگارت درخواست بازگشت به دنیا را کرده ای و خداوند درخواست تو را پذیرفته. ببین چگونه عملت را دوباره از سر می گیری؟

روایت شـده است، رسول خـدا صـلی الله علیه و آله هرگاه جنازه ای را همراهی می کرد، تأثر و اندوه بر آن حضـرت چیره می شد، زیاد در حال حدیث نفس بود و کم سخن می گفت.(۱) آن حضرت می فرماید:

سوگنـد به خـدا، اگر شـما موقعیت مرده را بنگریـد و گفتـارش را بشـنوید، از تفکر دربـاره او غافـل می شویـد و درباره وضع خودتان گریه می کنیـد؛ زیرا میت از دل بسـتگی ها و زحمت های خود در دنیا سـخن می گوید و از اینکه با دست خالی رفته است، ناله دارد و به شما می گوید: بترسید و مراقب باشید از مثل آنچه بر من وارد شده است.(۲)

شرکت در تشییع جنـازه و عبرت گیری از آن، چنـان در فرهنگ دینی ارزشـمند است که رسول اکرم صـلی الله علیه و آله می فرماید:

اِذا دُعِیْتُمْ الْعُرُساتِ فَأَبْطِئُو فَإِنَّها تُذَکِّرُ الدُّنْیا وَ إِذا دُعِیْتُمْ إِلَی الْجَنائِزِ فَاَسْرِعُوا فَإِنَّها تُذَکِّرُکُمُ الْآخِرَهَ.(۳)

هنگامی که به جشن های عروسـی دعوت شدیـد، با کنـدی و سـختی برویـد؛ زیرا عروسـی، شـما را به یاد دنیا می اندازد، ولی زمانی که برای تشییع جنازه دعوت شدید، با عجله و سرعت بروید؛ زیرا شما را به یاد آخرت می اندازد.

از امام باقر(ع) سؤال شـد: گاهی در یک زمان اتفاق می افتـد که هم به عروسـی و هم به تشییع جنازه دعوت می شویم، کدام یک را اجابت کنیم؟ حضرت فرمود: «تشییع جنازه را».(۴)

---

۱- سفینه البحار، ج ۱، ص ۷۳۶.

۲- بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۶۱.

۳- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۴۸.

۴- نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۲۰.

از امام موسی بن جعفر(ع) نقل شده است که به اطرافیان خود می فرمود:

هرگاه به تشییع جنازه و عروسی دعوت شدید، در تشییع جنازه شرکت کنید؛ زیرا «حُضُورُ الْجِنازَهِ یُذَکِّرُکُمُ الْمَوْتَ وَ الآخِرَهَ وَ حُضُورُ وَلائِمِ یُلْهِی عَنْ ذلِکَ؛ تشییع کردن جنازه، شما را به یاد مرگ و آخرت می اندازد و حضور در جشن عروسی، شما را از آخرت و یاد مرگ باز می دارد».(۱)

مرحوم فیض کاشانی می گوید:

در تشییع جنازه حاضر شو و درباره وضعیت آن میت فکر کن که چگونه خانواده خود را تنها گذاشته است، اموال خود را رها کرده و با دست خالی می رود. این فقط اعمال اوست که او را همراهی می کند. تفکر کن که چگونه او در میان خاک می خوابد، چگونه تمام نیروی جوانی خود را از دست داده و چگونه تمام اعضای بدن او از کار افتاده است. بدان که سفر نزدیک است و پشیمانی ها فرا می رسد، درحالی که نفع ندارد و با این تفکر خود را برای عمل صالح آماده کن.(۲)

### ه_) زیارت قبور

ه_) زیارت قبور

حضور در قبرستان ها یادآور خاطرات کسانی است که تا چندی قبل با زیارت کنندگان در این دنیا زندگی می کردند و اینک در وادی خاموشان، خانه عزلت و تنهایی اختیار کرده اند. اگر زیارت قبور با توجه قلبی و باطنی انجام پذیرد، به طور حتم بر انسان اثر می گذارد و مایه عبرت و بیداری او می شود.

علی(ع) می فرماید: «زِیارَهُ الْقُبُورِ تُذَکِّرُکُمُ الْآخِرَهَ؛ زیارت گذشتگان شما را به یاد آخرت می اندازد.»(۳) در روایتی نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحابش فرمود: «به قبر ها سر بزنید! از سرازیر شدن قبر ها به سوی قیامت عبرت گیرید تا لذت خواهی های شما فرو ریزد».(۴)

---

۱- بحارالانوار، ج۷۸، ص۲۸۴.

۲- محجه البیضا، ج۲، ص۵۲.

۳- بحارالانوار، ج۸۲، ص۱۶۹.

۴- امالی طوسی، ص۵۲۲.

همچنین آن حضرت می فرماید:

اگر آنها [صاحبان قبور] را در اندیشه خود بیاورید، یا پرده ها کنار رود، مردگان را در حالتی می بینید که حشرات گوش هایشان را می خورند و آنان را می بینی که دل های خسته از اندوه و چشم های پر شده از خاشاک دارند، در حالات اندوهناک آنها دگرگونی ایجاد نمی شود و سختی های آنان برطرف نمی شود. آه! زمین چه اجساد عزیز و خوش سیمایی را که با غذا های لذیذ و رنگین زندگی کردند و در آغوش نعمت ها پرورانده شدند، به کام خویش فرو برد. آنان که می خواستند با شادی غم ها را از دل بیرون کنند و به هنگام مصیبت، با سرگرمی ها صفای عیش خود را بر هم نزنند، گذشت روزگار توانایی شان را بر هم زد.(۱)

امام خمینی در این زمینه می فرماید: «یادآوری هول و هراس قبر و پوسیدن بدن در گور، عاملی نهفته است که آدمی را از لهو و لعب و لذات دنیایی باز می دارد».(۲)

بنابراین، زیارت اندیشمندانه قبور، یکی از عوامل قوی برای تقویت مرگ اندیشی است؛ زیرا دیدن قبر ها درسی عملی برای هر کسی است که جایگاه خود را نیز در آنجا ببیند.

### و) اندیشه در آثار پیشینیان

و) اندیشه در آثار پیشینیان

یکی از راهکارهای مؤثر برای تقویت مرگ اندیشی، نگاه پندگیرانه به آثار پیشینیان است. در قرآن کریم و در روایات پیشوایان معصوم(ع) توصیه های فراوان شده است که از کنار آثار گذشتگان بدون توجه رد نشویم، بلکه با دید عبرت آموز و تعقل و تفکر به آن آثار بنگریم و به یاد مرگ و آینده خود باشیم. عبرت گیری از سرنوشت دیگران، چنان تأثیرگذار است که خداوند در برخی آیات در کنار بازگفتن سرنوشت اقوام پیشین، ابزار عبرت آموزی را نیز

---

۱- نهج البلاغه، ص ۴۵۱، خطبه ۲۲۱.

۲- اسرار الصلاه، ص ۸۰.

برای ما بیان می کند و می فرماید: در همه این حوادث، از اندیشه خویش مدد گیر: «لَقَدْ کَانَ فِی قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِی الْأَلْبَابِ؛ در داستانشان برای خردمندان درس عبرتی است». (یوسف: ۱۱۱)

«فَاعْتَبِرُوا یَا أُولِی الأَبْصَارِ؛ پس عبرت بگیرید ای اهل بینش!» (حشر: ۲)

انسان با نگاه خردمندانه در آثار باقی مانده از دیگران، عبرت می گیرد و پایه های اعتقادی و مرگ باوری او تقویت می شود، چنان که امیر مؤمنان، علی(ع) در این زمینه می فرماید:

بدانید که شما و آنچه در آن هستید، در مسیری قرار گرفته اید که پیشینیان شما در آن قرار داشتند. آنها که عمرشان از شما طولانی تر، سرزمینشان آبادتر و آثارشان از شما بیشتر بود، ناگهان صداهایشان خاموش، نیروها و حرکاتشان متوقف، اجسادشان کهنه، سرزمینشان خالی و آثارشان مندرس گردید. قصر های محکم و بلند و بساط عیش و بالش های نرم و راحتشان، به سنگ لحدهای گورشان تبدیل شد؛ همان گورهایی که بنای آن به خوبی انجام شده و با خاک، آن را محکم کرده اند.(۱)

ایشان در فرازی از خطبه ۸۳، درباره عبرت گیری از پیشینیان می فرماید:

ای بندگان خدا! کجا هستند آنانی که سالیانی طولانی در نعمت های خدا عمر گذراندند، تعلیمشان دادند و دریافتند؛ مهلتشان دادند و بیهوده روزگار گذراندند؛ از آفات و بلاها دورشان داشتند، ولی فراموش کردند. زمانی طولانی آنها را مهلت دادند، نعمت های فراوان بخشیدند، از عذاب دردناک پرهیزشان دادند و وعده های بزرگ از بهشت جاودان به آنها دادند. ای مردم! از گناهانی که شما را به هلاکت می افکند بپرهیزید و دارندگان چشم های بینا و گوش های شنوا باشید. آیا گریزگاهی هست؟ آیا بازگشتی برای جبران وجود دارد؟ نه چنین است! پس کی بازمی گردید؟ به کدام سو می روید و به چه چیزی مغرور می شوید؟ ای بندگان خدا! هم اکنون به اعمال نیکو بپردازید. تا ریسمان های مرگ به گلوی شما سخت نشده، هنوز مهلت

---

۱- نهج البلاغه، ص ۴۶۲، خطبه ۲۲۶.

دارید و جای تصمیم و توبه و بازگشت از گناه باقی مانده است. عمل کنید، پیش از آنکه دست قدرتمند خدای توانا شما را برگیرد.(۱)

## ۳. آسیب های مرگ اندیشی

### اشاره

۳. آسیب های مرگ اندیشی

مسئله مرگ اندیشی در معرض آسیب هایی قرار دارد که مناسب است پس از بحث موانع و تقویت مرگ اندیشی، به برخی از آنها پرداخته شود. با توجه به منابع دینی، نوع آن آسیب ها به حوزه معرفتی و علمی انسان برمی گردد. در اینجا به برخی آنها اشاره می شود:

### الف) ناامیدی

الف) ناامیدی

یکی از آسیب های جدی مرگ اندیشی در انسان، ناامیدی از رحمت و بخشایش خداوند است؛ زیرا ممکن است ترس از مرگ و حالات احتضار چنان شدت گیرد که بگوید: با اعمالی که من دارم، به یقین هنگام مرگ در عذاب هستم و خداوند نیز مرا نخواهد بخشید. درحالی که مؤمن نباید چنین حالتی داشته باشد؛ زیرا خداوند می فرماید: «لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا؛ هرگز از رحمت خداوند ناامید نباشید! البته خداوند همه گناهان را خواهد بخشید».(زمر: ۵۳)

در برخی منابع تفسیری دراین باره آمده است: «کسانی هستند که مرگ را فنا و نیستی نمی دانند، ولی ترس از اعمالشان آنان را چنان به ناامیدی می کشاند که می کوشند تا هیچ گاه به مرگ نیندیشند».(۲)

مرحوم نراقی درباره ریشه ناامیدی می نویسد: «ناامیدی، براساس ترس بی جا حاصل می شود یا به دلیل جهل و خیالات باطل و دورماندن از حقیقت مرگ است»؛(۳) یعنی اندیشه غلط و دیدگاه باطل، او را چنان به

---

۱- نهج البلاغه، ص ۱۳۸، خطبه ۸۳.

۲- ابوالفضل داورپناه، تفسیر انوار العرفان، تهران، کتاب خانه صدر، ج۲، ص۸۲.

۳- علم اخلاق اسلامی، ج۱، ص۲۵۹.

بن بست کشانیده که هر دم می گوید: از من گذشت، درحالی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «انسان مؤمن از این دنیا بیرون نمی رود، مگر اینکه به خداوند امید و اطمینان می یابد و از او طلب بخشش می کند».(۱)

وجود ناامیدی از نظر تربیتی و عمل گرایی اجتماعی و فردی، بسیار خطرناک است. جرئت و جسارت شخص ناامید برای ارتکاب به گناه افزایش می یابد و به عنصری خطرناک برای خود و جامعه مبدل می شود. چه بسا آتش جنون، خرمن عقل و خرد او را نیز دستخوش حریق ویرانگر سازد و چراغ هدایت باطن وی را برای همیشه خاموش کند.(۲)

### ب) زهد گرایی منفی

ب) زهد گرایی منفی

زهد به معنای بی میلی و بی رغبتی به دنیا،(۳) از صفات پسندیده است، ولی از آسیب های مرگ اندیشی نیز به شمار می آید؛ زیرا ممکن است بعضی افراد با عقیده به ناپایداری دنیا و تفکر در سختی های مرگ و حساب و کتاب پس از آن، به افراط گرایی کشیده شوند و به زندگی زاهدانه روآورند. بدین ترتیب، زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی ایشان آسیب ببیند. چنین افرادی با خزیدن به حالت انزوا و دوری گزیدن از جامعه دنیا را نکوهش می کنند، درحالی که برخوردار شدن از آنچه خدا بخشیده است، اگر همراه با تقوا و ورع و عدالت باشد، بهترین وسیله برای رسیدن به بهشت است.(۴)

امام صادق(ع) درباره زهدگرایی منفی می فرماید:

بدان که زهد در دنیا به معنای از بین بردن مال و حرام کردن حلال بر خود نیست، بلکه زهد عبارت است از اینکه آنچه را در دست داری، مطمئن تر از آنچه در دست خداست، ندانی.(۵)

---

۱- مستدرک الوسائل، ج۲، ص۱۱۷.

۲- فرهنگ اخلاق، ص۴۸۸.

۳- زهد مثبت، از محل بحث ما خارج است به کتاب های اخلاق مراجعه شود

۴- معاد شناسی، ج۱، ص۱۲۳

۵- بحارالانوار، ج۷۰، ص۳۱۰.

امام سجاد(ع) منشأ این گونه زهد را بی خردی می داند و در نکوهش آن می فرماید:

اگر کسی را دیدید که از دنیا روی می گرداند و از حرام اجتناب می کند، بی درنگ به صالح بودنش قضاوت نکنید، بلکه عقل و خرد او را آزمایش کنید؛ زیرا چه فراوانند کسانی که از عقل کامل بی بهره اند، در دنیا زهد می ورزند، ولی از درک و تشخیص حق محرومند. چنین کسانی اگرچه ترک دنیا می کنند، ولی صدمه آنها بر خویش بر اثر نادانی شان، ضررش بیش از نفعی است که آنها از دین می برند.(۱)

بنابراین، کناره گیری افراطی از دنیا [و قناعت کردن از دنیا به غار] نیز یکی از آسیب هایی است که ممکن است بر اثر مرگ اندیشی اشتباه به وجود آید و موجب انحراف انسان از زهدگرایی اسلامی شود.

## موضوع های کاربردی در رسانه

### اشاره

موضوع های کاربردی در رسانه

در این قسمت می توان آموزه های تربیتی زیر را از متن نوشتار انتخاب کرد و به دو صورت گفت وگوی کارشناسی و پرسش های مردمی عرضه داشت:

### ۱. احتضار و مسائل مربوط به آن

۱. احتضار و مسائل مربوط به آن

الف) تبیین حالت های جان دادن و سختی های آن با استناد به آیات قرآن و روایات؛

ب) لحظه های امیدبخش و شیرین مؤمنان، هنگام مرگ و دیدار پیشوایان معصوم(ع)؛

ج) لحظه های سخت و جانکاه بدکاران هنگام مرگ؛

د) بازشدن چشم برزخی در لحظه مرگ و دیدن کردار خود، با دلایلی از قرآن و روایات.

### ۲. بررسی عوامل آسان جان دادن

۲. بررسی عوامل آسان جان دادن

الف) نماز شب و کارآمدی آن در وقت مرگ؛

ب) آثار صله رحم و نیکی به پدر و مادر هنگام مرگ؛

ج) برکات روزه، هنگام مرگ؛

---

۱- طبرسی، الاحتجاج، نجف، دار النعمان، ج۱، ص۵۳.

د) آثار کمک به نیازمندان هنگام مرگ؛

ه‍) همیشه با وضو بودن و آثار آن هنگام مرگ؛

و) محبت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و جلب حضور امامان معصوم(ع) هنگام مرگ؛

ز) قرائت قرآن و آثار نیک آن هنگام مرگ؛

ح) ملاطفت و مهربانی ملک الموت با خوبان هنگام مرگ.

## ۳. بررسی عوامل سخت جان دادن

۳. بررسی عوامل سخت جان دادن

الف) ظلم به دیگران؛

ب) شهادت ناحق؛

ج) ندادن واجبات مالی؛

د) خیانت در امانت دیگران؛

ه‍) نارضایتی شوهر از همسر؛

و) نارضایتی پدر و مادر.

## ۴. پرسش های مردمی

۴. پرسش های مردمی

الف) چه چیز هایی شما را به یاد مرگ می اندازد؟

ب) چه چیزی انسان را از یاد مرگ دور می کند؟

ج) آثار مرگ اندیشی در زندگی دنیا و آخرت چیست؟

د) آیا تا به حال به دلیل ترس از مرگ، از گناه صرف نظر کرده اید؟

ه‍ـ) در تشییع جنازه، چه چیزی به ذهنتان می رسد؟

و) در وقت هایی که به زیارت قبور می روید، آیا به این فکر می کنید که روزی شما نیز به همسایگی آنها خواهید رفت؟

## فصل چهارم: آثار مرگ اندیشی و پیامد های دوری از آن

### اشاره

فصل چهارم: آثار مرگ اندیشی و پیامد های دوری از آن

زیر فصل ها

۱. آثار مرگ اندیشی

۲. پیامد های دوری از مرگ اندیشی

### ۱. آثار مرگ اندیشی

#### اشاره

۱. آثار مرگ اندیشی

با مطالعه آموزه های دینی، تجربه های اجتماعی و تعامل رفتاری انسان ها می توان گفت که مرگ اندیشی آثار تربیتی، فراوان در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها دارد، چنان که دوری از مرگ اندیشی دارای پیامد های ناگوار است. در این فصل برای بهره مندی بیشتر به برخی آثار و برکات مرگ اندیشی و نیز پیامد های دوری از آن اشاره می شود:

#### الف) آثار فردی

##### اشاره

الف) آثار فردی

زیر فصل ها

یک ــ تعدیل غرایز

دو ــ دوری از تکبر

سه ــ بیرون شدن از غفلت

چهار ــ از بین رفتن آرزوهای طولانی

پنج ـ رهایی از گرایش های فریبنده دنیایی

شش ـ مراقبه و محاسبه کردار

هفت ـ تقویت امید به وعده های خداوند

هشت ـ انجام عمل صالح

نه ـ زنده دلی و درک واقعیت ها

ده ـ جلب محبت خداوند

یازده ـ حشر با شهدا

دوازده ـ انجام فریضه وصیت

سیزده ـ مبادرت بر توبه

**یک ـ تعدیل غرایز**

یک ـ تعدیل غرایز

غرایز مادی و دنیوی در وجود انسان گسترده است. در منابع آمده است: بعضی از آنها مربوط به بدن، برخی مربوط به بدن و روح و دسته ای هم مخصوص روح و روان آدمی است.(۱) امکان دارد که این غرایز کم کم توجه انسان را از آینده و سفر مرگ بازدارند(۲) و مسئله تعدیل غرایز، از مهم ترین مسائل در زندگی انسان است.(۳)

در روایات، یکی از آثار مرگ اندیشی، جلوگیری از سرکشی غریزه هاست؛ زیرا وقتی انسان همواره به یاد مرگ باشد، ضمانت اجرایی

---

۱- اخلاق در قرآن، ج۲، ص۵۸.

۲- محمدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، قم، دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹، ج۲، ص۲۸۳.

۳- جعفر سبحانی، خدا و معاد، تلخیص و تنظیم: رضا استادی، قم، نشر توحید، ۱۳۶۰، ص۱۶.

است تا مراقب همه رفتار و کردار خود باشد و جلوی غلیان غریزه های خود را بگیرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَكْثِرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ هادِمُ اللَّذّاتِ؛ بسیار یاد آورید مرگ را که همانا او لذت طلبی ها را از بین می برد.»(۱) از امام علی(ع) نقل شده است که به یاران خود می فرمود:

بندگان خدا! از مرگ و سختی های آن بهراسید، خود را برای آن آماده کنید و برای از بین بردن نزاع ها و کنترل غرایز خود، فراوان در یاد مرگ باشید؛ زیرا یاد مرگ لذت خواهی ها را کنترل می کند.(۲)

همچنین آن حضرت درباره اهمیت یاد مرگ در کنترل غرایز می فرماید: «اُذْكُرُوا اِنْقِطاعَ اللَّذّاتِ وَ بَقاءَ التَّبِعاتِ؛ پایان لذت ها و برجای ماندن سختی ها را به یاد آورید».(۳)

امام کاظم (ع) نیز می فرماید: «اندیشه در مرگ، انسان را از قرار گرفتن در دام غرایز تباه کننده و گناهان باز می دارد.»(۴) و در برخی منابع در این زمینه آمده است: یاد مرگ نه فقط غرایز انسان را تعدیل می کند و جلوی سرکشی های غریزی اش را می گیرد، بلکه سبب پرورش و رشد فضایل او نیز می شود؛ چون کسی که همیشه به یاد مرگ است، از همه اعمال و رفتارش مراقبت می کند.(۵)

انسان با یاد مرگ است که دل شکسته و خاشع می شود و در پی کسب رضایت الهی است.

امام علی(ع) می فرماید:

زیاد به یاد مرگ باشید؛ زیرا آن هنگام که خواهش های نفسانی به شما رو می آورد و شما را به کردار ناشایست می کشاند، یاد مرگ بهترین پنددهنده است.(۶)

---

۱- امالی طوسی، ص۵۲۲؛ سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹هـ .ق، ج۳، ص۱۴۱.

۲- تحف العقول، ص۱۷۶.

۳- نهج البلاغه، ص۷۳۴، حکمت ۴۳۳.

۴- امالی طوسی، ص۲۰۳.

۵- ۸. سید محمد حسین طباطبایی، مجموعه مقالات، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱، ص۱۳۴.

۶- البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص۱۴۱.

امـام صـادق(ع) در جمله ای می فرمایـد: «ذِکْرُ الْمَوْتِ یُمِیتُ الشَّهَوَاتِ فِی النَّفْسِ؛یاد مرگ خـواهش هـای نفسـانی را می میراند».(۱)

همچنین در روایتی، رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابوذر خطاب می کند: «انسان زیرک و دانا کسی است که با یاد مرگ، برای جهان آخرت خود کاری انجام دهد و از خواهش های نفس دوری گزینند».(۲)

## دو ـ دوری از تکبر

دو ـ دوری از تکبر

خودخواهی، از بدترین صفاتی است که انسان گرفتار آن می شود. در حالت، فقط در وادی تاریکی قدم می گذارد که غیر از ستم به دیگران، زیرپا نهادن احکام و دستور های الهی و فاصله گرفتن از مرگ اندیشی و جهان آخرت، حاصل دیگری ندارد.

بنابر روایات، یکی از آثار و برکات مرگ اندیشی، دوری از تکبر یاد شده است.

امیر مؤمنان، علی(ع) می فرماید: «وَ أَحْیِ قَلْبَکَ بِالْمَوْعِظَهِ وَ ذَلِّه بِذِکْرِ الْمَوْتِ؛ قلبت را با پند و اندرز زنده گردان و با یاد مرگ خوار کن».(۳)

امام صادق(ع) نیز می فرماید: «اگر مرگ حق است، پس تکبر و فخرفروشی برای چیست».(۴)

بنابراین، یاد و اندیشه مرگ، خودخواهی را از انسان دور می کند و او را وا می دارد تا در برابر دستورهای اسلام تواضع کند، برای سفر آخرت خود احساس خطر کند و زاد و توشه فراهم سازد.

امام علی(ع) در جمله ای می فرمایـد: «ضَعْ فَخْرَکَ وَاحْطُطْ کِبْرَکَ وَاذْکُرْ قَبْرَکَ؛ فخر فروشـی را کنار بگـذار، خودبزرگ بینی را رها کن و به یاد مرگ باش».(۵)

---

۱- مصباح الشریعه، ص۵۰۵.
۲- امالی طوسی، ص۵۲۹.
۳- غرر الحکم، ج۲، ص۶۷.
۴- شیخ صدوق، التوحید، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴، ص۳۷۶.
۵- نهج البلاغه، ص۷۲۴، حکمت ۳۷۹.

## سه ـ بیرون شدن از غفلت

سه ـ بیرون شدن از غفلت

یکی از آثار مرگ اندیشی، رهایی از بی توجهی است؛ زیرا همان گونه که غفلت یکی از موانع مرگ اندیشی به شمار می آید، در مقابل اگر انسان در مسیر مرگ اندیشی قرار گیرد، بی گمان بیدار می شود و می کوشد با بارور ساختن درخت مرگ اندیشی در قلب خود، از آن غفلت نورزد.

امام صادق(ع) دراین باره می فرماید: «ذِکْرُ الْمَوْتِ یَقْلَعُ مَنابِتَ الْغَفْلَهِ؛ یاد مرگ، رویشگاه های غفلت را ریشه کن می کند.»(۱) آشکار است که با خشک شدن ریشه غفلت، انسان هرگاه به یاد مرگ می افتد، متوجه زندگی جاودان آخرت می شود و با بهره گیری بهتر از این دنیا، استعداد های درونی خود را شکوفا می سازد، تا در هنگام جان دادن، به کمالات انسانی رسیده باشد.

در برنامه های تربیتی بزرگان دین و مربیان دلسوز نیز بر این مطلب که با یاد مرگ از بی توجهی بیرون آیید، فراوان تأکید شده است و اینکه از آثار مهم مرگ اندیشی، اصلاح در کردار و دوری از گناه و ناپاکی هایی است که بر اثر غفلت، از انسان سر می زند.

چنان که در برخی منابع اخلاقی آمده است: «طبیعت دنیا به گونه ای است که انسان را از جنبه های ملکوتی و روحانی و معنوی اش غافل و تمام توجه او را به جهات مادی و اعتبارهای زودگذر دنیوی معطوف می دارد. در این رهگذر، کسانی گرفتار این غفلت نمی شوند که مراقب خویش و در یاد و اندیشه مرگ و آخرت هستند».(۲)

## چهار ـ از بین رفتن آرزوهای طولانی

چهار ـ از بین رفتن آرزوهای طولانی

در روایات ائمه معصوم (ع) یکی از آثار مرگ اندیشی، از بین رفتن آرزوهای طولانی ذکر شده است. انسان ها آرزوهایی دارند و نیازهایی هم در زندگی

---

۱- مصباح الشریعه، ص۵۰۵.

۲- مصباح یزدی، بر درگاه دوست،قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۶، ص۲۴۷. برای مطالعه بیشتر درباره تأثیرگذاری یاد مرگ در بیرون آمدن از غفلت، نک: جوادی آملی، یاد معاد، صص۱۸۱ ـ ۱۸۷؛ محمد تقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج۲۰، ص۲۸۲.

خود احساس می کننـد. پس ممکن است برای برآورده شدن آرزو های خود به افراط کشـیده شوند. در اینجاست که آثار یاد مرگ نمایـان می شود و ایشـان را از زیـاده روی بـازمی دارد و توجهشـان را به آخرت گرایی جلب می کنـد. چنان که رسول اکرم صـلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: «آیا دوست می داری از بهشتیان باشـی؟» عرض کرد: ای رسول خـدا! نهایت آرزویم است. حضـرت فرمود: «قَصِّرِ الْأَمَلَ وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ نَصْبَ عَیْنِکَ؛ آرزویت را کوتاه کن و همواره یاد مرگ را جلوی چشـمت قرار بده».(۱)

امـام علی(ع) از مرگ به عنوان «قـاطِعُ الْأَمِنیّاتِ»(۲) ــ در هم شـکننده آرزو هـا ــ یـاد کرده است؛ زیرا کسـی که با انـدیشه به حقیقت مرگ و زنـدگی خود نظر افکنده، می داند که هریک از آرزوهای دنیایی را که برای خود ترسیم کرده، پایان پذیر و نابودشـدنی اسـت. ازاین رو، از آنـان دست برمی دارد و فعـالیت هـای خـود را برای مرگ و عـالم پس از آن انجـام می دهـد. روایت شـده است که ابوعبیـده نزد امـام صـادق(ع) آمـد و از حضـرت درخواست موعظه کرد، تـا از این دنیـا و آرزوهـای آن رهـایی یابـد. حضـرت فرمود: «زیـاد در انـدیشه مرگ باش که با آن انـدیشه، انسان زهـد می ورزد و از دام آرزوها نجات می یابد».(۳)

نیز پیامبر در پاسخ کسی که از آن حضرت طلب موعظه کرده بود، فرمود:

عالِجِ الْأَمَلَ بِکَثْرَهِ ذِکْرِ الْمَوْتِ وَ النَّظَرِ فِی مَوْتِ الْأَقْرانِ وَ طُولِ تَعَبِهِمْ فِی جَمْعِ الْمالِ.(۴)

آرزوها را با زیادی یاد مرگ و نگاه کردن به مرگ همنوعان و سختی هایی که آنان در جمع آوری مال کشیدند، مداوا کنید.

اثرگذاری مرگ اندیشی در تعدیل آرزو ها، چنان است که در برخی منابع اخلاقی در این زمینه آمده است:

---

۱- اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص۱۹۷.

۲- نهج البلاغه، ص۱۸۴، خطبه۹۹.

۳- وسائل الشیعه، ج۲، ص ۱۳۱.

۴- مجموعه ورام، ج۱، ص۱۷۴.

خداونـد برای اینکه توجه انسان را از گرایش به دنیا و جاودانگی در آن بردارد، دست به تـدابیری زده است، از جمله میان دنیا و آخرت مقـایسه ای انجام داده تـا انسـان بدانـد کـه تمـام آرزوهـا و میـل او بـه بقـا در جهـان آخرت برآورده می شـود و با برانگیختن عقل و انـدیشه انسان، وی را متوجه لـذت های بهتر و بادوام تر می کنـد و می گوید: «اگر فطرت و عقلتان را حاکم قرار دهید، به شما فرمان خواهد داد که به دنبال چیز های بادوام تر و جاودانه تر بروید».(۱)

از ایـن رو، می فرمایـد: «وَمَا عِنْدَ اللهِ خَیْرٌ وَاَبْقی اَفَلاَ تَعْقِلُونَ؛ آنچه نزد خـداست بهـتر و بـادوام تر است. آیـا نمی اندیشـید؟». (قصص: ۶۰)

واقعیت این است که با انـدیشه خردمنـدانه درباره مرگ، انسان می تواند جایگاه واقعی برآورده شدن آرزوهای خود را بیابد و در پی دستیابی به سعادتمندی در جهان آخرت حرکت کند.

به قول مولانا:

جان همه روزه لگدمال خیال

وز زیان و سود از خوف زوال

نی صفا می ماندش، نی لطف و فر

نی به سوی آسمان راه سفر

## پنج ــ رهایی از گرایش های فریبنده دنیایی

پنج ــ رهایی از گرایش های فریبنده دنیایی

بـا نگاهی به روایات پیشوایان معصوم(ع) در زمینه یاد مرگ، می توان دریافت که از نظر تربیتی و عمل گرایی، یکی از بهترین آثـار مرگ اندیشـی، رهـایی انسـان از گرایش های فریبنـده دنیاست. در این زمینه، روایات فراوان وجود دارد که به بخشـی از آنها اشاره می شود:

یکی از یـاران رسول خـدا صـلی الله علیه و آله عرض کرد: ای فرسـتاده خـدا! مرا موعظه کن به چیزی که بهترین سود را برایم داشـته باشد. حضـرت فرمود: «اَکْثِرُوا ذِکْرَ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ یُسْلُبِکَ عَنْ اَمْرِ الدُّنْیا؛ زیاد به یاد مرگ باش؛ زیرا یاد مرگ، تو را از دام های دنیا رهایی می بخشد».(۲)

---

۱- اخلاق در قرآن، ج۲، صص۱۵۷ و ۱۵۸.

٢- تحف العقول، ص٣٥.

علی(ع) می فرماید:

مَنْ اَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ رَضِىَ مِنَ الدُّنْيا بِالْكَفافِ.(۱)

هر کس زیاد به یاد مرگ باشد، به مقدار نیاز خود در بهره وری از دنیا راضی می شود.

و نیز فرمود: «مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ قَلَّتْ فِي الدُّنْيا رَغْبَتُهُ؛ هر کس زیاد به یاد مرگ باشد، دل بستگی او به دنیا کم می شود».(۲)

در روایت دیگر از آن حضرت نقل شده است: «مَنْ ذَكَرَ الْمَوْتَ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيا بِالْيَسيرِ؛ هر کس به یاد مرگ باشد، به اندکی از دنیا راضی می شود».(۳)

امام صادق(ع) دراین زمینه می فرماید: «ذِكْرُ الْمَوْتِ يُطْفِىءُ نارَ الْحِرْصِ وَ يُحَقِّرُ الدُّنْيا؛ یاد مرگ، حرص به دنیا و مظاهر آن را خاموش و دنیا را در نظر کوچک می کند».(۴)

در این روایات، ارزش های متاع این دنیا و بهره وری از آن به طور کامل نفی نشده است، بلکه با پیشنهاد برنامه های واقع بینانه در زمینه مرگ اندیشی، جلوی زیاده خواهی ها را می گیرد و ارزش های والای انسانی را حفظ می کند.

پیش صاحب نظران ملک سلیمان باد است

بلکه آن است سلیمان، که ز ملک آزاد است

دل بر این پیرزن عشوه گر دهر مبند

نو عروس است که در عقد بسی داماد است

خیمه انس مزن بر در این کهنه رباط

که اساسش همه بی موقع و بی بنیاد است

انسان مرگ اندیش در زندگی خود می کوشد از موهبت های الهی برای رسیدن به آسایش این دنیا و جهان آخرت خود استفاده کند، چنان که حضرت رضا(ع) می فرماید:

---

۱- غرر الحکم و دررالکلم، ج۲، ص۱۴۶.

۲- غرر الحکم و دررالکلم، ج۲، ص۱۴۶.

۳- اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص۱۵۷؛ غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۳۷۹.
۴- مصباح الشریعه، ص۵۱۵.

لا تَفُوتَنَّکُم خَیْرَ الدُّنیا فَإِنَّ الْآخِرَهَ لا تُلْحَقُ وَ لا تُنالُ اِلّا بِالدُّنْیا.(۱)

خیر دنیا از دستتان نرود؛ زیرا نیل به آخرت و دست یابی به موهبت های آن، جز به وسیله دنیا میسر نمی شود.

امیر مؤمنان، علی(ع) در تفسیر آیه «وَلا تَنْسَ نَصِیبَکَ مِنَ الدُّنْیا»(۲) می فرماید:

لا تَنْسَ صِحَّتَکَ وَ قُوَّتَکَ وَ فَراغَکَ وَ شَبابَکَ وَ نَشاطَکَ اَنْ تَطْلُبَ بِهَا الْآخِرَهُ.(۳)

سلامتی، نیروی جوانی، نشاط و بی نیازی خود را از یاد مبر تا آخرت را با آنها به دست آوری.

بنابراین، اندیشه در مرگ و حقیقت زندگی، این اثر را بر انسان دارد که از این دنیا به قدر نیاز و کفاف خود بهره جوید و دل به آنها نبندد.

## شش _ مراقبه و محاسبه کردار

شش _ مراقبه و محاسبه کردار

یکی از مهم ترین آثار تربیتی مرگ اندیشی این است که انسان به سبب ایمان و عقیده ای که به مرگ و جهان پس از آن دارد، هیچ گاه به کردار و رفتار روزانه خود بی توجه نیست، بلکه شب و روز مراقب عمل خویش است و در موقعیت های مناسب با خود خلوت می کند و رفتار خود را محاسبه می نماید.(۴) دراین صورت، انسان با عزم استوار، خود را برای ملاقات مرگ آماده می سازد. برهمین اساس، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «آیا شما را از زیرک ترین دانایان و احمق ترین نادان ها آگاه سازم؟» عرض کردند: آری، ای رسول خدا. حضرت فرمود:

أَکْیسُ الْکَیِّسِینَ مَنْ حاسَبَ نَفْسَهُ وَ عَمِلَ لِما بَعْدَ الْمَوْتِ وَ اَنَّ اَحمَقَ الحُمقاءِ مَنِ اتَّبَعَ نَفْسَهُ وَ هَواهُ وَ تَمَنَّی اللهِ الْأَمانِیَّ.(۵)

---

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۸.

۲- نک: قصص: ۷، «سهم خود را از دنیا فراموش مکن»

۳- تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۳۹.

۴- نک: پیام قرآن، ج۵، ص۴۰۵؛ حبیب الله طاهری، درس هایی از اخلاق اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳، ص۱۲۶.

۵- تفسیر صافی، ج ۱، ص۸۴؛ وسائل الشیعه، ج۱۶، ص۸۹.

زیرک ترین افراد کسانی هستند که خود را به حساب بکشند و برای بعد از مرگ و آخرت تلاش کنند و احمق ترین افراد کسانی هستند که از هوای خویش پیروی کنند و از خدا آرزوهای نادرست داشته باشند.

و نیز آن حضرت به ابوذر فرمود:

ای ابوذر! به حساب خویش رسیدگی کن، پیش از آنکه از تو حساب کشند که این از محاسبه فردای تو آسان تر است و خویشتن را ارزیابی کن، پیش از آنکه مورد سنجش قرار گیری و خود را برای عرضه به پیشگاه خداوند در روز قیامت آماده کن، که هیچ چیز از تو بر خدا پنهان نمی ماند.(۱)

امام علی(ع) درباره چگونگی محاسبه می فرماید:

هنگامی که انسان روز را به پایان می برد، به خود مراجعه و به نفس خویش خطاب می کند: امروز گذشت و بار دیگر باز نخواهد گشت و خداوند درباره آن از تو خواهد پرسید که در چه راهی گذراندی و در آن روز چه کردی؟ آیا خدا را یاد و ستایش کردی؟ آیا حق برادر ایمانی را ادا کردی؟ آیا اندوه او را برطرف ساختی؟ آیا در غیاب او زن و فرزندش را نگهداری کردی؟ آیا پس از مرگ از بازماندگانش محافظت نمودی؟ آیا مانع غیبت برادر دینی گشتی؟ بدین شکل، آنچه را از او سرزده، به یاد آورد؛ پس اگر از او کار نیک سر زده، خدای را به خاطر توفیقی که به او داده سپاس گوید و اگر گناهی انجام داده یا در کار خویش کوتاهی کرده، از خدای بزرگ درخواست آمرزش کند و تصمیم بگیرد که دیگر بار انجام ندهد.(۲)

آشکار است که این گونه مراقبه و محاسبه نصیب کسی می شود که در هر شبانه روز، مدتی را در اندیشه مرگ باشد. چنان که در سفینه البحار درباره شخصی به نام ابن صمه، نقل شده است که او بیشتر وقت ها محاسبه نفس داشت. روزی حساب کرد که از عمرش شصت سال گذشته و روز هایش به ۲۱۵۰۰ روز رسیده است. با خود گفت: اگر هر روز دست کم یک گناه

---

۱- حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، تهران، دارالفقه، ۱۴۲۵ ه_.ق، ص۴۶۵.

۲- بحارالانوار، ج ۷۰، ص۶۹؛ وسائل الشیعه، ج۱۶، ص۹۸.

مرتکب شده باشم، تاکنون بیش از ۲۱۰۰۰ گناه انجام داده ام! این را گفت و صیحه ای زد و از دنیا رفت.(۱)

این گونه محاسبه کردن، می تواند به اصلاح نفس انسان منجر شود و خوشبختی دنیا و آخرت را به دنبال داشته باشد. علی(ع) می فرماید: «ثَمَرَهُ الْمُحاسَبَهِ اِصْلاحُ النَّفْسِ؛ نتیجه حساب کشیدن از نفس، اصلاح آن است».(۲)

### هفت _ تقویت امید به وعده های خداوند

هفت _ تقویت امید به وعده های خداوند

یکی دیگر از آثار ارزشمند مرگ اندیشی، امیدوار بودن به وعده های نیک خداوند است که روح تلاش و امیدواری به آینده، در انسان زنده می شود و به دنبال کسب مراتب بالاتر و پاداش های بزرگ تر خداوند حرکت می کند.

امام صادق(ع) در این زمینه می فرماید: «ذِکْرُ الْمَوْتِ یقَوّی الْقَلْبَ بِمَواعِدِ اللهِ؛ یاد مرگ دل را به وعده های خدا نیرو می بخشد».(۳)

با یاد مرگ، انسان به این وعده الهی دل می بندد و امید وار می شود:

وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ اُجُورَکُمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَ اُدْخِلَ الْجَنَّهَ فَقَدْ فَازَ وَما الْحَیَاهُ الدُّنْیَا إِلّا مَتَاعُ الْغُرُورِ.(آل عمران: ۱۸۵)

و شما پاداش خود را به طور کامل در قیامت خواهید گرفت. پس آنها که از آتش دوزخ دور شدند و به بهشت وارد گشتند، نجات یافته و به سعادت رسیده اند. زندگی دنیا فقط سرمایه و بهره برداری غرورآمیزی بیش نیست.

بنابراین، اندیشیدن در مرگ، به معنای ترویج نگرانی و ناامیدی در جامعه نیست، بلکه به معنای امیدبخشی هدفمند و پیوند دادن میان کردار نیک و بد این دنیا با پاداش ها و کیفر های آن دنیاست.

حلوا به کسی ده که محبت نچشیده است ج--حلوا به کسی ده که محبت نچشیده است

***

---

۱- سفینه البحار، ج۳، ص۲۱۸.

۲- غرر الحکم و دررالکلم، ج۱، ص۳۶۲.

۳- مصباح الشریعه، ص۵۰۵.

غیر فروغ رخ زیبای تو

نیست مرا مقتبس دیگری

***

حاشا که بگویمت تو لیلای منی

اما من دلباخته مجنون توام(۱)

### هشت ـ انجام عمل صالح

هشت ـ انجام عمل صالح

یکی از آموزه های تربیتی قرآن و روایات ائمه معصوم(ع) درباره مرگ اندیشی، رابطه میان مرگ اندیشی و عمل صالح است؛ وقتی انسان با اندیشه دینی به این واقعیت دست یافت که زندگی در این دنیا مقدمه زندگی آخرت است و سعادت در آخرت را به وسیله کار و تلاش در این دنیا می توان به دست آورد،(۲) در او انگیزه پیدا می شود و می کوشد با انجام عمل صالح، رضایت خدایش را به دست آورد.

در قرآن کریم آمده است:

فَمَنْ کَانَ یَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْیَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحاً وَلاَ یُشْرِکْ بِعِبَادَهِ رَبِّهِ اَحداً. (کهف: ۱۱۰)

پس هرکس امید لقای پروردگارش را دارد، باید عمل صالح انجام دهد و کسی را در عبادت پروردگارش شریک نکند.

بنابر این آیه، دیدار خداوند پیامد دو چیز است؛ یکی عمل صالح و دیگر اخلاص در عبودیت.

در تفسیر این آیه آمده است: «مراد از لقاء الله در آیه، دیدار معنوی و شهود باطنی و اوج تکامل انسان هاست که یادآوری آن می تواند انگیزه ای برای اخلاص کامل و عمل صالح باشد».(۳)

در روایات نقل شده است که آثار عمل صالح در زندگی انسان بسیار راهگشاست، به گونه ای که انسان در حال احتضار به نیکی درمی یابد که

---

۱- حبیب الله طاهری، اخلاق اسلامی، ص ۱۳۶، به نقل از: دیوان حسن زاده آملی.

۲- اخلاق در قرآن، ج۲، ص۱۷۷.

۳- پیام قرآن، ج۵، ص۳۸۸.

چگونه بـا بی توجهی، فرصت هایی را از دست داده و در انجام عمل صالـح کوتاهی کرده است و آرزو می کنـد که ای کاش بار دیگر به او اجازه بازگشت داده شود تا عمل صالح انجام دهد.(۱)

امام علی(ع) می فرماید:

اَلْاَیّامُ صَحائِفُ آجالِکُمْ فَخَلِّدُوها أَحْسَنَ أَعْمالِکُم.(۲)

روزگار دفترچه سررسید عمر های شماست، پس با درج بهترین کارهایتان آن را جاویدان کنید.

بنابراین، یکی از آثار مهم ایمان و اعتقاد به مرگ و زندگی پس از آن، در چگونگی انجام عمل آشکار می شود، بدین گونه که انسان انگیزه می یابد عمل صالح و خالص انجام دهد.

## نه ـ زنده دلی و درک واقعیت ها

نه ـ زنده دلی و درک واقعیت ها

بنا بر آیات و روایات، ممکن است قلب انسان در معرض گرایش هایی قرار گیرد که او را از درک واقعیت ها باز دارنـد. قرآن در این زمینه می فرمایـد: «لَهُمْ قُلُوبٌ لا یَفْقَهُونَ بِها؛ دل دارنـد و با آن نمی فهمنـد.» (اعراف: ۱۷۹) و در آیه دیگر می فرمایـد: «تَعْمَی الْقُلُوبُ الَّتِی فِی الصُّدُورِ؛ دل هایی که در سینه ها هستند، کورند». (حج: ۴۶)

امام سـجاد(ع) در یکی از مناجات هایش از قلبی که بر اثر گرایش های ضد دینی به سوی معصـیت کشیده شده است، به قلبی مرده تعبیر می کند و می گوید:

وَ اَماتَ قَلْبِی عَظِیمُ جِنایَتِی فَاَحْیِهِ بِتَوبَهٍ مِنْکَ یا أَملِی وَ بُغْیَتِی.(۳)

و دلم را بزرگی جنایتم به مرگ کشیده. پس آن را زنده کن به پذیرش توبه از جانب خود، ای آرمانم و ای مطلوبم.

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که هر کس زیاد در اندیشه مرگ باشد، دل او زنده می شود:

---

۱- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص۲۳۵.

۲- غرر الحکم و دررالکلم، ص۹۱.

۳- مفاتیح الجنان، مناجات التائبین.

اَکْثِرُوا ذِکْرَ الْمَوْتِ فَما مِنْ عَبْدٍ اَکثَرَ ذِکْرَهُ اِلّا أَحْیا اَللهُ قَلْبَه.(۱)

مرگ را بسیار یاد کنید؛ زیرا هیچ بنده ای آن را بسیار یاد نکرد مگر اینکه خداوند دل او را زنده گردانید.

بنابراین، تفکر درباره مرگ و حالات آن می تواند بر انسان اثر گذارد و قلب او را آماده پذیرش نیکی ها کند. برای درک واقعیت ها و دوری از خیال پردازی های سراب گونه، امیرمؤمنان، علی(ع) در جمله ای، درباره تفکر و بینش زاهدان می فرماید:

وَ یَرَوْنَ أَهْلَ الدُّنیا یُعَظِّمُونَ مَوْتَ أَجْسادِهِمْ وَ هُمْ أَشَدُّ إِعْظاماً لِمَوْتِ قُلُوبِ أَحْیائِهِمْ.(۲)

اهل دنیا را می نگرند که مرگِ بدن ها را بزرگ می شمارند و اما آنها مرگ دل های زندگان را بزرگ تر می دانند.

## ده _ جلب محبت خداوند

ده _ جلب محبت خداوند

یکی دیگر از برکات مرگ اندیشی جلب محبت خداوند است؛ زیرا هرکسی اندیشه اش در پرتو یاد فراوان مرگ قرار گیرد، به طور قطع مسیری را طی می کند که رضایت خداوند را کسب کند و آشکار است که چنین کسی مشمول عنایت و محبت خداوند خواهد بود.

در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «مَنْ أَکْثَرَ ذِکْرَ الْمَوْتِ أَحَبَّهُ اللهُ؛ هر کس مرگ را بسیار یاد کند، خدا او را دوست می دارد».(۳)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده: «کسی که با اعمال نیک، رضایت و محبت خداوند را به دست آورد، سکرات مرگ و تاریکی قبر و مشکلات و سختی های پس از مرگ را نخواهد دید».(۴)

---

۱- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۴۱۶ ه_ .ق، ج۱۲، باب۳۷۲۱، ح ۱۹۱۵۴.

۲- نهج البلاغه، ص۴۸۶، خطبه ۲۳۰.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۳۴.

۴- بحارالانوار، ج۷۷، ص۲۹.

## یازده _ حشر با شهدا

یازده _ حشر با شهدا

مقام و جایگاه شهدا در پیشگاه خداوند بسیار بزرگ و ستودنی است. در روایت نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تشویق اصحاب و آمادگی آنان برای شهادت پذیری، از مقام شهید و نعمت هایی که در قیامت نصیب شهید می شود، زیاد سخن به میان می آورد تا اینکه روزی یکی از یاران حضرت از ایشان پرسید: آیا در قیامت کسی هم درجه با شهید محشور می شود؟ حضرت فرمود: «نَعَم مَنْ یَذْکُرُ الْمَوْتَ فِی الْیَوْمِ وَ اللَّیْلَهِ؛ آری کسی که شبانه روز به یاد مرگ باشد، با شهدا و [هم درجه آنان] محشور می شود».(۱)

در برخی روایات آمده است که هرکس در شب و روز بیست بار به یاد مرگ افتد، با شهدا محشور می شود. مرحوم فیض کاشانی در تفسیر این حدیث می گوید:

اینکه در حدیث آمده است هرکس به یاد مرگ باشد، با شهدا محشور می شود، به دلیل این است که یاد مرگ سبب دوری انسان از وابستگی های دنیای فریب کار می شود و انسان آماده مرگ می شود و از شهوات دوری می کند.(۲)

این حدیث، از نظر تربیتی برای مرگ اندیشان بسیار نویدبخش و حرکت آفرین است؛ زیرا درک مقام شهدا چنان سرمایه عظیمی در جهان آخرت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله خود، در آرزوی آن بوده می فرمود: «وَالَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ لَوَدَدْتُ إِنّی أُقْتَلُ فِی سَبیلِ اللهِ؛(۳) سوگند به آن خدایی که جانم در اختیار اوست، دوست دارم در راه خدا به شهادت برسم.» و نیز امام علی(ع) می فرمود: «سوگند به خدا، من شهادت در راه خدا را دوست می دارم».(۴)

---

۱- مستدرک الوسائل، ج۲، ص۱۰۴.

۲- محجه البیضا، ج۸، ص ۲۴۰.

۳- میزان الحکمه، ج۲، ص۱۵۱۳.

۴- میزان الحکمه، ج۲، ص۹۷۶۴.

عشق رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و امـام علی(ع)، به شـهادت، به سـبب مقام و نعمت های فراوانی است که شـهدا در روز قیامت از جانب خداوند دریافت می دارند.

حـال اگر کسـی از فیض شـهادت محروم است، می توانـد بـا مرگ اندیشـی، خیر و سـعادت آخرت را نصـیب خود کنـد و در قیامت با شهدا محشور گردد.

## دوازده _ انجام فریضه وصیت

دوازده _ انجام فریضه وصیت

هر مسلمانی وظیفه دارد پیش از فرارسیدن مرگش وصیت کند. گرچه وصیت امری مستحب است، گاهی از نظر حقوقی شکل وجوب پیـدا می کنـد. برای مثال اگر انسان در پرداخت حقوق الهی کوتاهی کرده یا امانتی از مردم نزد او مانـده و بـدهکاری داشته باشد که در صورت وصیت نکردن، احتمال از بین رفتن آنها باشد، در این موارد واجب است که وصیت کند.

در قرآن و نیز روایات امامان معصوم(ع) به انجام وصیت، فراوان تأکید شده است. در سوره بقره می فرماید:

کُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْراً الْوَصِيَّهُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقّاً عَل_ى الْمُتَّقِينَ. (بقره: ۱۸۰)

بر شـما نوشته شـده، هنگامی که یکی از شـما را مرگ فرا می رسد، اگر چیز خوبی از خود به جا گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان به طور شایسته وصیت کند. این حقی است بر پرهیزکاران.

همچنین درباره بهتر انجام دادن وصیت می فرماید:

إِذَا حَضَرَ اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّهِ اثْنَانِ ذَوا عَدْلٍ مِنْكُمْ. (مائده: ۱۰۶)

هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسید، در موقع وصیت باید از میان شما، دو نفر عادل را به شهادت بطلبد.

همچنین در روایات درباره انجام وصیت فراوان سفارش شده است، از جمله از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کنند:

مَا يَنْبَغِي لِامْرِىٍ مُسْلِمٍ أَنْ يَبِيتَ لَيلَه إِلّا وَصِيَّتُهُ تَحْتَ رَاْسِهِ.(۱)

---

۱- وسائل الشیعه، ج۱۹، ص۲۵۷.

سزاوار نیست برای مسلمان که شب را بخوابد، مگر اینکه وصیتش زیر سرش باشد.

نیز علی(ع) می فرماید: «مَنْ لَمْ یُوصِ عِنْدَ مَوْتِهِ فَقَدْ خَتَمَ عَمَلَهُ بِمَعْصِیَهِ؛ کسی که وقت مرگش وصیت نکند، اعمالش را با گناه به پایان رسانیده است».(۱)

با اینکه درباره وصیت این گونه تأکید شده است، بسیاری افراد، نه فقط در انجام آن کوتاهی می کنند، بلکه از نام وصیت به هراس می افتند و او را فرشته مرگ خود می پندارند. این در حالی است که هر کس به یاد مرگ باشد و باور کند هر لحظه فرشته مرگ می تواند جان او را قبض کند، از انجام وصیت کوتاهی نمی کند.

## سیزده _ مبادرت بر توبه

سیزده _ مبادرت بر توبه

یکی از بهترین و امیدبخش ترین آثار نیک مرگ اندیشی، توبه کردن است؛ زیرا هنگامی که انسان مرتکب گناه می شود، از رحمت الهی دور می ماند و اسباب عذاب الهی را فراهم می آورد.

توبه در حقیقت، حالتی روحی و قیام درونی است که از معرفت و بیداری انسان سرچشمه می گیرد و دل را متوجه خداوند می سازد تا از اعمال ناپسند دست کشد و با سوز و شوق و دگرگونی عمیق، درون خود را بازسازی کند. از حضرت علی(ع) درباره ارکان توبه نقل شده است:

اَلتَّوَبهُ نَدَمٌ بِالْقَلْبِ وَ إِسْتِغفارٌ بِاللِّسانِ وَ تَرَکٌ بِالْجَوارِحِ وَ إِضْمارُ أَنْ لایَعُودَ.(۲)

توبه، پشیمانی در دل، درخواست آمرزش با زبان، ترک گناه با اعضا و عزم و تصمیم بر بازنگشتن است.

امام باقر(ع) می فرماید: «توبه کننده از گناه، مانند کسی است که گناه ندارد».(۳)

---

۱- من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص۱۸۲.

۲- مستدرک الوسائل، ج۱۲، ص۱۳۷، باب ۸۷.

۳- کافی، ج۲، ص۳۱۶، باب توبه، ح ۱۰.

امام سجاد(ع) در صحیفه سجادیه، دعای سی و یکم را به توبه و طلب توفیق آن از خداوند اختصاص داده است و در یکی از فرازهای آن دعا می گوید:

أَللّهُمَّ إِنْ یَکُنِ النَّدَمُ تَوْبَهَ اِلَیْکَ فَأَنَا أَنْدَمُ النّادِمینَ وَ إِنْ یَکُنِ التَّرْکُ لِمَعْصِیَتِکَ إِنابَه ًفَاَنَا اَوَّلُ الْمُنِیبِینَ وَ إِنْ یَکُنِ الْإِسْتِغْفارُ حِطّه ًلِلذُّنُوبِ فَإِنّی لَکَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرینَ.(۱)

خدایا! اگر پشیمانی از گناه، خود، توبه است، من از هر پشیمانی پشیمان ترم و اگر ترک عصیان و نافرمانی تو، خود، بازگشت به سوی توست، من نخستین بازگشت کنندگانم و اگر آمرزش خواهی مایه ریزش گناهان است، من در پیشگاه تو از آمرزش خواهانم.

آن بزرگوار در مناجات التائبین نیز می گوید:

اِلهی اَنْتَ الَّذِی فَتَحْتَ لِعِبادِکَ باباً اِلی عَفْوِکَ سَمَّیتَهُ التَّوبَهَ فَقُلْتَ تُوبُو إِلی اللهِ تَوْبَه ًنَصُوحاً فَما عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ الْبابِ بَعْدَ فَتحِهِ.(۲)

خدای من، تویی که به عفو و بخشش خود برای بندگانت دری گشودی و نامش را توبه نهادی و [در قرآن] فرمودی به سوی خدا توبه کنید، توبه ای خالص. پس اینک چیست عذر کسی که از وارد شدن به این در، پس از گشایش آن غافل باشد؟

به راستی کسی از توبه غافل می ماند که در اندیشه مرگ نباشد؛ زیرا هر انسانی که به فکر مرگ و ناگهانی بودن آن باشد، هرگز از توبه غفلت نمی کند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه نقل شده است: «لا تُؤَخِّرِ التَّوْبَهَ فَإِنَّ الْمَوْتَ یَأْتِی بَغْتَهً؛ توبه را به تأخیر مینداز که مرگ ناگهانی فرا می رسد».(۳)

و نیز از امام جواد(ع) نقل شده است:

تأخیر در توبه، غافل گیر شدن و فریب خوردن است و پیوسته به امروز و فردا انداختن توبه، نوعی سرگردانی است و بهانه آوردن و عذر تراشی در برابر

---

۱- صحیفه سجادیه، ص۲۳۲.

۲- مفاتیح الجنان، مناجات خمسه عشره، مناجات التائبین.

۳- مستدرک الوسائل، ج۱۲، ص۱۲۳، باب ۸۵، ح۱۴.

خداونـد، سـبب هلاکت است. اصـرار ورزیـدن بر گناه نیز ایمنی از مکر خـداست و جز زیان کاران کسـی خود را از مکر خدا ایمن نمی پندارد.(۱)

امام صادق(ع) می فرماید: «أَکْثَرُ صَیْحَهِ أَهْلِ النّار مِنْ تَسْوِیفِ التَّوْبَهِ؛ بیشتر فریاد های اهل جهنم از تأخیر توبه است».(۲)

افزون بر آیات قرآن و روایاتی که ذکر شـد، در سـخنان عالمان و بزرگان با صـراحت آمـده است که هر کسـی ترس از مرگ داشـته باشد، بر او اثر می گذارد و توبه می کند. صدرالمتألهین شـیرازی در تفسیر خود می فرماید: «بدان که هر کس در دلش خوف و هراس از مرگ پیدا شود، این نعمتی است که برای انسان انگیزه پیدا می شود تا از کردار ناپسند خود توبه کند».(۳)

فخر رازی از مفسـران اهل سـنت می نویسـد: «هر کس بیشتر به یاد مرگ باشـد، قلب او هیـچ گاه از خشوع خالی نمی باشـد و همین سبب می شود که او توبه کند».(۴)

مرحوم شبر می نگارد:

توبه کننـدگان که بسیار از مرگ یاد می کننـد، تا خوف و وحشت در قلوبشان انگیخته شود و به توبه کامل دست یابنـد و چه بسـا آنـان از مرگ ناخشـنودند؛ زیرا هراس دارنـد که قبـل از توبه کامـل و تهیه توشه، آنـان را دریابـد و اینان همواره به دنبال تحصیل آمادگی بیشترند.(۵)

ز هرچه غیر یار استغفرالله

ز هرچه بود مستعار استغفرالله

دمی که بگذرد بی یاد رویش

از آن دم بی شمار استغفرالله

سر آمد عمر و یک ساعت ز غفلت

نگشتم هوشیار استغفرالله

---

۱- تحف العقول، ص۳۳۶.

۲- کافی، ج۲، ص۲۷۶.

۳- التفسیر القرآن الکریم، ج۳، ص۲۹۵.

۴- تفسیر کبیر، ج۱، ص۴۹۱.

۵- ترجمه الاخلاق، ص۴۴۵.

جوانی رفت و پیری هم سرآمد

نکردم هیچ کار استغفرالله

خطا بود آنچه گفتم، آنچه کردم

از آنها الفرار استغفرالله

امام سجاد(ع) به همین مناسبت در پیشگاه خداوند عرضه می کند:

اَسْتَغْفِرُکَ مِنْ کُلِّ لَذَّه ٍبِغَیرِ ذِکْرِکَ وَ مِنْ کُلِّ راحَه ٍبِغَیْرِ أُنْسِکَ وَ مِنْ کُلِّ سُرُورٍ بِغَیْرِ قُرْبِکَ وَ مِنْ کُلِّ شُغُلٍ بِغَیْرِ طاعَتِکَ.(۱)

خدای من! از هر لذتی جز یادت و از هر آسایشی جز انس با تو و از هر نشاط و سروری جز قرب به مقام والایت و از هرکار جز طاعت تو درخواست آمرزش و استغفار می کنم.

## ب) آثار اجتماعی مرگ اندیشی

### اشاره

ب) آثار اجتماعی مرگ اندیشی

مرگ اندیشی در کنار آثار فردی، آثار تربیتی اجتماعی نیز دارد که از نظر کاربردی و ساختار اجتماعی، در زمینه های گوناگون جامعه آشکار می شود. مناسب است به نمونه هایی از آثار اجتماعی مرگ اندیشی اشاره شود:

### یک ـ رعایت عدالت

یک ـ رعایت عدالت

عدالت به معنای ستم نکردن در حق دیگران است. یکی از هدف های جامعه دینی، تحقق عدالت در میان افراد است؛ یعنی آدمیان به گونه ای با یکدیگر تعامل داشته باشند که هیچ یک بر دیگری ستم نکند.

تحقق این آ رمان مقدس هرچند می تواند با وضع قوانین و نظارت بر اجرای آن صورت پذیرد، ضمانت اجرای درونی ندارد. در این زمینه، نقش ارزشمند ایمان و عقیده آشکار می شود؛ زیرا در هر جامعه ای اگر ایمان به خدا و عقیده به مرگ و حساب و کتاب وجود داشته باشد، افراد می کوشند حقوق دیگران را در آشکار و نهان نگه دارند؛ زیرا خوف از مرگ، کیفر گناه و عذاب های اخروی، بهترین ضامن اجرای قوانین خواهد بود.(۲)

۱- مفاتیح الجنان، مناجات الذاکرین.
۲- جعفر سبحانی، معاد انسان و جهان، قم، مکتب اسلام،۱۳۷۳، ص۱۹.

براین اساس، امام علی(ع) درباره عدالت اجتماعی و رابطه آن با مرگ اندیشی و آخرت گرایی می فرماید:

سوگند به خدا، اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان به سر ببرم یا با غل و زنجیر به این سو و آن سو کشیده شوم، خوش تر دارم تا خدا و پیامبرش را درحالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم، چگونه بر کسی ستم کنم برای نفس خویش که به سوی کهنگی و پوسیده شدن پیش می رود و در خاک، زمانی طولانی اقامت می کند.(۱)

مهم ترین نکته تربیتی کلام امام این است که حضرت، پیوند میان عدالت اجتماعی و آخرت گرایی را به نیکی بیان داشته است. بنابراین، ایمان به مرگ و پیامدهای آن در حفظ امنیت اجتماعی و جلوگیری از فساد و قانون شکنی، بیش از هرچیز کاربرد دارد.(۲)

### دو ـ پایداری در حفظ ارزش های دینی

دو ـ پایداری در حفظ ارزش های دینی

یکی از پیامدهای مرگ اندیشی و آگاهی از حقیقت مرگ، پایداری در حفظ ارزش های دینی است. در این میان، قرآن و روایات، جهاد در راه خدا را یکی از آن ارزش ها نام برده اند؛ زیرا ویژگی مهم جهاد در کنار فیض و پاداش بزرگی که نزد خدا دارد، رفتن به کام مرگ است. کسانی که به قیامت ایمان دارند و مرگ را پایان زندگی نمی دانند، بلکه سرآغاز زندگی برتر می شمارند، با شجاعت و شهامت، از مرگ و شهادت در راه خدا [که بهترین ارزش هاست] استقبال می کنند.(۳) خداوند درباره این گونه افراد می فرماید:

قَالَ الَّذِینَ یَظُنُّونَ اَنَّهُمْ مُّلَاقُوا اللهِ کَمْ مِن فِئَةٍ قَلِیلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً کَثِیرَةً بِإِذْنِ اللهِ وَاللّٰهُ مَعَ الصَّابِرِینَ. (بقره: ۲۴۹)

---

۱- نهج البلاغه، ص۴۵۹، خطبه ۲۲۴.

۲- محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۷، ج۱، ص۲۱۳.

۳- پیام قرآن، ج۵، ص۳۹۲.

آنها که می دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد، گفتند: چه بسیار گروه های کوچک که به فرمان خداوند بر گروه های عظیمی پیروز شدند و خداوند با صابران [استقامت کنندگان] است.

اوج این استقامت را در سرزمین کربلاء امام حسین(ع) و یارانش به نمایش گذاشتند. آنان با آگاهی از واقعیت زندگی و حقیقت مرگ، برای نگهبانی از ارزش های دینی چنان استوار تا پای جان ایستادند که دشمن را به شگفتی واداشتند. دشمنان هنگامی که دیدند با دشوارتر شدن اوضاع، چهره مبارک امام برافروخته تر می شود، به همدیگر می گفتند: «اُنظُرُوا لا یُبالِی بِالْمَوْتِ؛ نگاه کنید که ترس از مرگ ندارد».(۱)

آن حضرت می فرمود:

در قدر و مرتبه من این نیست که از مرگ بترسم. چه آسان است مرگ در راه به دست آوردن عزت و زنده کردن حق! مرگ در راه عزت چیزی نیست جز زندگی جاودان و زندگی با لذت چیزی نیست جز مرگ پایدار. آیا مرا از مرگ می ترسانید؟ تیر شما به خطا رفته و گمان شما دروغ است. من از مرگ نمی ترسم. جان من والاتر از آن است و همت من بلندتر از آنکه ذلت را از روی ترس از مرگ تحمل کنم. ولی شما هرگز نمی توانید شرافت و بزرگی و عزت مرا در هم بشکنید. چه باک از مرگ دارم.(۲)

و نیز مسلم بن عوسجه در اظهار وفاداری به امام می گوید:

به خدا قسم اگر هفتاد بار کشته شوم و سوزانده شوم و خاکسترم بر باد رود، هرگز تو را رها نخواهم کرد، تا چه رسد به اینکه اکنون یک بار کشته شدن است، سپس کرامتی ابدی که از بین نرفتنی است.(۳)

---

۱- بحارالانوار، ج۶، ص۱۵۴.

۲- قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق، قم،انتشارات کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ه‍ـ.ق، ج۱۱، ص۶.

۳- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی، ۱۹۶۹م، ج۴، ص۹۹.

استقبال از مرگ و پایداری برای حفظ ارزش های دینی را تنها با تصریحات خود امام که مرگ در اندیشه آن حضرت، زندگی دوباره و دارای شرافت و عزت بوده است، می توان تفسیر کرد.

آزمودم، مرگ من در زندگی است

چون رهم زین زندگی پایندگی است

## سه ـ پرورش اخلاق اجتماعی

سه ـ پرورش اخلاق اجتماعی

علمای علم اخلاق، کردار انسان را به سه گونه ارتباط با خداوند، با خود و با دیگران تقسیم کرده اند که از اولی با عنوان اخلاق الهی، از دومی به اخلاق فردی و از سومی به اخلاق اجتماعی نام برده اند.(۱)

بخش بزرگی از زندگی انسان را معاشرت و ارتباط با دیگران تشکیل می دهد. در این میان، امکان دارد رفتار انسان با دیگران براساس خواهش های نفسانی شکل گیرد و اخلاق اجتماعی را رعایت نکند. برای اینکه انسان اخلاق اجتماعی را رعایت کند و به رذیلت های اخلاقی آلوده نشود، نیازمند عوامل و آموزه های بیدارکننده ای است.

یکی از آثار سازنده اجتماعی مرگ اندیشی، پرورش اخلاق اجتماعی در انسان است؛ زیرا اعتقاد به مرگ و پاداش ها و کیفر ها فضیلت های اخلاقی مانند انسان دوستی، ضعیف نوازی، مهربانی به یتیمان، دستگیری از درماندگان و... را در انسان زنده می سازد.(۲)

آیت الله جوادی آملی دراین باره می نویسد: «صفات برجسته اخلاق، در کنار یاد معاد و تذکر قیامت به کمال لازم می رسند؛ زیرا یاد مرگ و عذاب قیامت، انسان را دل شکسته و قلب او را خاشع می سازد.»(۳) با یاد مرگ و

---

۱- اخلاق در قرآن، ج۱، ص۱۵.

۲- خدا و معاد، ص۱۸.

۳- معاد در قرآن، ج۴، ص۵۲.

جهـان آخرت، افراد احسـاس مسـئولیت می کننـد، خـود را از دیگران جـدا نمی داننـد و همواره می کوشـند حقوق دیگران را رعـایت کننـد و شـریک غم هـا و شـادی های دیگران باشـند و اگر کوتاهی از دیگران ببیننـد، نه تنها به فکر انتقام گیری نمی افتنـد، بلکه ایثـارگرانه رفتـار می کننـد. پس اینـان به منظور کسب فضـیلت ها و نفی رذیلت های اخلاقی تلاش می کننـد تا به سعادت آخرت برسند.(۱)

## چهار_ تحمل مصیبت ها

چهار_ تحمل مصیبت ها

اساساً زندگی انسان همواره با خوبی و خوشـی سپری نمی شود، بلکه گاهی در زندگی او اتفاق های ناگوار و غم انگیزی رخ می دهـد. انسان ها در برابر آن ناگواری ها، برخورد های متفاوت دارنـد. در این میان، افرادی که با یاد و انـدیشه مرگ تربیت یافته باشـند، تسلیم مقدرات خداوند می شوند و مصیبت ها را به راحتی تحمل می کنند و بیشتر به یاد مرگ می افتند. حضرت علی(ع) دراین باره می فرماید:

اَکْثِرُوا ذِکْرَ الْمَوْتِ وَ یَوْمِ خُرُوجِکُمْ مِنَ الْقُبُورِ وَ قِیامِکُمْ بَینَ یَدَیِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ تُهَوَّنْ عَلَیْکُمْ اَلْمَصائِبَ.(۲)

زیاد به یاد مرگ و بیرون شدنتان از قبر ها و قرار گرفتن خودتان در پیشگاه خداوند باشید، تا بر شما تحمل مصیبت و گرفتاری آسان شود.

قرآن کریم درباره رویارویی افراد مرگ اندیش با مصیبت ها می فرماید:

اَلَّذِینَ إِذَا اَصـابَتْهُم مُصِـیبَهٌ قَالُواْ إِنَّا لِلّهِ وَإِنَّـا إِلَیْهِ رَاجِعونَ _ اُوَلئِکَ عَلَیْهِمْ صَـلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَهٌ وَاُولَـئِکَ هُمُ الْمُهْتَـدُونَ. (بقره: ۱۵۶ و ۱۵۷)

آنها که هرگاه مصـیبتی به ایشان می رسد می گویند: ما از آن خداییم و به سوی او بازمی گردیم، کسانی هسـتند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان می شود و آنها هدایت یافتگان هستند.

---

۱- اخلاق در قرآن، ج۱، ص۷۳.

۲- تحف العقول، ص۱۰۴؛ خصال صدوق، ص ۶۱۶.

بنابراین، یکی از آثار تربیتی مرگ اندیشی این است که انسان، خردمندانه همه چیز خود را از خدا می داند و مصیبت ها و تلخ کامی هایی را که بر او وارد می شود، با آغوش باز می پذیرد و این اثر، هم کاربرد فردی و هم کاربرد اجتماعی دارد.

## پنج _ سرعت در انجام کارهای خیر

پنج _ سرعت در انجام کارهای خیر

انجام کار خیر و نفع رسانی به دیگران، یکی از آموزه هایی است که در قرآن و روایات فراوان تأکید شده است و تأمین نیازمندی های اجتماعی را از نمونه های کار خیر دانسته و همگان را به پیشی گرفتن و سرعت در انجام آن دعوت کرده اند.(۱) برای ترغیب و تشویق نیکوکاران می فرماید: «وَمَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللهِ؛ هر چه از طاعت و کار نیکو برای خود از پیش می فرستید، همان را نزد خداوند خواهید یافت». (بقره: ۱۱۰)

یکی از عواملی که می تواند انسان را به سوی انجام کارهای خیر بکشاند، مرگ اندیشی و تقویت عقیده به مرگ و جهان آخرت است.

امیرمؤمنان، علی(ع) می فرماید: «مَنِ ارْتَقَبَ الْمَوْتَ سارَعَ فِي الْخَيْراتِ؛ کسی که مواظب مرگ است، در نیکی ها پیشی می گیرد.»(۲) در کافی نیز شبیه این حدیث از امام صادق(ع) نقل شده است.(۳)

امام علی(ع) می فرماید:

انسان هایی که در اندیشه مرگ و سختی های آن هستند، دل به دنیا نمی بندند، بلکه شریک غم ها و شادی های مردم هستند؛ زیرا می دانند مرگ چنان حتمی و اجتناب ناپذیر است که اگر می شد آن را خریداری کرده، هر آینه ثروتمندان خریداری می کردند.(۴)

---

۱- آیه ۱۴۸ بقره، آیه ۹۰ انبیا و آیه ۶۱ مؤمنون، نمونه هایی از آیاتی هستند که امر به سرعت در کار خیر، در آنها آمده است.

۲- خصال صدوق، ج ۱، ص ۲۳۱.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۴.

۴- غرر الحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۱۶۳.

علامه طباطبایی دراین باره می گوید:

تأثیر اعتقاد به مرگ و یادآوری آخرت در فکر انسان، این است که آدمی به خود و دیگران واقع بینانه می نگرد و خود را جزئی از اجزای این جهان گذران می داند که در مجموع به سوی یک جهان جاوید و ابدی در حرکت هستند.(۱)

بدون شک، کسی که با این دید و اندیشه به جهان بنگرد، هیچ گاه از انجام کار های خیر برای دیگران غافل نمی ماند.

امام کاظم(ع) در یکی از دعاهایش از خداوند درخواست می کند: «خداوندا! برایم حالت آمادگی برای مرگ و توفیق در انجام کار خیر پیش از مرگ را عنایت فرما».(۲)

## ۲. پیامد های دوری از مرگ اندیشی

### اشاره

۲. پیامد های دوری از مرگ اندیشی

زیر فصل ها

الف) طغیان غرایز

ب) بدبینی به خداوند

ج) آماده نبودن برای مرگ و ورود به عالم آخرت

د) فراهم سازی عذاب آخرت در این دنیا

موضوع های کاربردی قابل بحث در رسانه

### الف) طغیان غرایز

الف) طغیان غرایز

در وجود انسان غرایز و کشش هایی وجود دارد که منشأ کارها و رفتار فردی، اجتماعی، مادی و معنوی هستند. برخی از بزرگان این غرایز را به سه زمینه اصلی حب بقا، حب کمال و لذت جویی تقسیم می کنند که از هر یک از آنها، شاخه ها و فروعی گوناگون می روید.(۳)

غرایز باید کنترل و تعدیل شود و بهترین نیروی تعدیل کننده، مرگ اندیشی و باور داشتن جهان آخرت است. آشکار است

کسی که مرگ را نیستی و نـابودی می دانـد یـا در انـدیشه آن نیست، طغیان غرایز، او را به سوی لـذت جویی های زودگـذر دنیایی و... می کشاند و انسان از زندگی چیزی جز خوردن و خوابیدن و درآوردن و مصرف کردن درک نخواهد کرد.(۴)

---

۱- مجموعه مقالات، ص۱۳۲.

۲- تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی، بلد الامین، ص۳۹۲.

۳- مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج۲، ؛ ص۴۲. ۴۳.

۴- مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج۵، ص۴۳۷.

انسانی که به یاد مرگ نباشد، گرایش ها و غرایز سرکش او فزونی می یابد و از انجام کار های خیر بازمی ماند.(۱) از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که طغیان گری در طبیعت انسان وجود دارد، مگر اینکه به واسطه یاد مرگ، آن را مهار کند.(۲)

در قرآن کریم آمده است:

أَلَّذِینَ لایَرْجُونَ لِقاءَنَا فِی طُغْیانِهِمْ یَعْمَهُونَ. (یونس: ۱۱)

کسانی که امید به لقای ما ندارند، در طغیان خود سرگردان هستند [یعنی چنان بدون هدف به سرکشی خود ادامه می دهند که مرزی را نمی شناسند].

## ب) بدبینی به خداوند

ب) بدبینی به خداوند

انسانی که به یاد مرگ نیست، دل بستگی او به دنیا زیاد می شود و به مرگ و زندگی پس از آن کمتر می اندیشد. این افراد هنگام فرا رسیدن مرگشان دلهره و اضطراب و ترس به سراغشان می آید و به خاطر عواقب گناهانی که مرتکب شده اند، به بخشش الهی بدبین و ناامید می شوند. این در حالی است که در روایات فراوان تأکید شده است که انسان مؤمن هنگام مرگ، با خوش بینی به خداوند جان می دهد. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره روایت شده است: «لا یَمُوتَنَّ أَحَدُکُمْ إِلّا وَ یُحْسِنُ الظَّنَّ باللهِ؛ هیچ یک از شما نمی میرد، مگر اینکه به خداوند خوش بین باشد».(۳)

از نظر تأثیرگذاری، بدبینی به خداوند چنان خطرآفرین است که ممکن است در لحظه آخر، انسان را به نومیدی از رحمت خداوند کشاند و گوید: «من اهل عذاب و جهنم هستم» و این گونه نومیدی، از گناهان کبیره حساب می شود.(۴)

---

۱- بحارالانوار، ج۶، ص۱۳۸.

۲- تحف العقول، ص۱۸؛ خصال صدوق، ج۲، ص۴۴۲.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۱۷.

۴- درس هایی از اخلاق اسلامی، ص ۲۷۴.

حضرت علی(ع) می فرماید:

کسی که در این دنیا به یاد مرگ نباشد، خود را برای پذیرش مرگ آماده نمی کند و در هنگام مرگ با ترسی که دارد، به افکار و گمانه زنی های خود تکیه می کند و جهت گناهانی که انجام داده است، بخشش خداوند بدبین می شود.(۱)

## ج) آماده نبودن برای مرگ و ورود به عالم آخرت

ج) آماده نبودن برای مرگ و ورود به عالم آخرت

افرادی که به یاد مرگ و زندگی پس از آن نیستند، مرگ برایشان هول انگیز و وحشتناک است و همه چیزشان را به واسطه مرگ در معرض فنا و نیستی می بینند.(۲)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرزندان آدم، آماده روبه رو شدن با مرگ و جهان آخرت نیستند، حال آنکه اگر اندیشه کنند، مرگ آغاز راحتی برای مؤمن است.(۳)

مرگ برای افرادی که در اندیشه آن نیستند، ناشناخته است و به آسانی حاضر نیستند که تسلیم مرگ شوند. در روایتی نقل شده است:

یکی از یاران امام هادی (ع) در بستر مریضی قرار گرفت. امام به عیادت او رفت و مشاهده کرد که او هیچ گونه آمادگی برای مرگ و ورود به جهان آخرت ندارد. امام به او فرمود: ای بنده خدا! از مرگ و ورود به جهان آخرت می ترسی؟ برای این است که درباره آن اندیشه نکردی و نمی دانی که مرگ چیست. مرگ چیزی است که با آن از تمام غصه ها و آزار و اذیت ها و سختی های دنیا نجات پیدا می کنی و به تمام لذت ها و شادی ها و خوشی ها می رسی.(۴)

---

۱- ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی سید رضی، خصایص الائمه، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ص ۱۰۹.

۲- پیام قرآن، ج۵، ص۴۲۷.

۳- خصال صدوق، ج ۱، ص ۷۴.

۴- بحارالانوار، ج۶، ص ۱۵۶.

امام جواد (ع) نیز می فرماید: عده ای به دلیل نیندیشیدن به حقیقت مرگ از آن می ترسند. اگر آنها تفکر می کردند، هر آینه می دانستند که «إِنَّ الْآخِرَهِ خَيْرٌ لَهُمْ مِنَ الدُّنیا؛ آخرت برای آنان از دنیا بهتر است».(۱)

بنابراین، یکی از پیامد های دوری از مرگ اندیشی این است که انسان از قدم گذاردن در جهان آخرت در هراس است و هنگام جدا شدن از این دنیا گویا سفر بی هدف و نامعلوم و آزاردهنده ای آغاز می کند و بسیار روشن است که وارد شدن در چنین جایگاهی برای انسان، جز ترس و هراس نخواهد داشت. در حالی که اگر او درباره مرگ می اندیشید، این وضعیت را نداشت، ازاین رو، تحیر و سرگردانی او را فرا می گیرد.(۲)

### د) فراهم سازی عذاب آخرت در این دنیا

د) فراهم سازی عذاب آخرت در این دنیا

یکی از بدترین و دردناک ترین پیامد های دوری از مرگ اندیشی این است که انسان در همین دنیا عذاب های آخرت را آماده می کند. از قرآن کریم و روایات امامان معصوم(ع) مشخص می شود که در روز قیامت، انسان با همان هویتی که در دنیا برای خود ساخته محشور می شود. بنابراین، اگر کسی به دلیل فراموش کردن مرگ و زندگی آخرت، هویت انسانی خویش را در دنیا از دست بدهد و در حیوانیت غوطه ور شود، در روز قیامت با همان صورت حیوانی محشور خواهد شد و به شکل سگ، گرگ یا مورچه و... وارد صف محشر خواهد شد...، ولی باز همه او را خواهند شناخت.(۳)

در این زمینه برخی آیات و روایات وجود دارد که ریشه برخی عذاب های آخرت را در فراموشی مرگ و آخرت می دانند و در اینجا به نمونه هایی از آن اشاره می شود. خداوند در سوره جاثیه دراین باره می فرماید:

---

۱- بحارالانوار، ج۶، ص ۱۵۶.

۲- جوادی آملی، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم، نشر اسراء، ص ۲۲۰.

۳- معاد در قرآن، ص۸۳.

وَ إِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللهِ حَقٌّ وَالسَّاعَهُ لاَ رَيْبَ فِيهَا قُلْتُم مَّا نَدْرِی مَا السَّاعَهُ إِن نَّظُنُّ إِلاَّ ظَنّاً وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُون وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاء يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ. (جاثيه: ۳۲ _ ۳۴)

هنگامی که گفته می شد: وعده خداوند حق است و در قیامت هیچ شکی نیست، شما می گفتید: ما نمی دانیم قیامت چیست، ما تنها گمانی دراین باره داریم و به هیچ وجه یقین نداریم، و بدی های اعمالشان بر آنها آشکار می شود و سرانجام آنچه را مسخره می کردند آنها را فرا می گیرد و به آنها گفته می شود: امروز شما را فراموش می کنیم، همان گونه که شما دیدار امروزتان را فراموش کردید و جایگاه شما دوزخ است و هیچ یاوری ندارید.

از این آیات، با صراحت، پیوند میان اندیشه و عملکرد انسان در این دنیا و جهان آخرت نتیجه گرفته می شود و اینکه به فراموشی سپردن دادگاه عدل الهی در قیامت، سرچشمه انواع آلودگی و فساد است.(۱)

خداوند در آیه دیگری نیز دراین باره می فرماید:

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاء يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ.(سجده: ۱۴)

بچشید [عذاب جهنم را] برای اینکه دیدار امروزتان را فراموش کردید، ما نیز شما را فراموش کردیم. بچشید عذاب جاودان را به دلیل اعمالی که انجام می دادید.

خداوند در سوره ص نیز می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ.(ص:۲۶)

کسانی که از راه خدا گمراه شوند، به خاطر فراموش کردن روز حساب، عذاب شدید دارند.

---

۱- پیام قرآن، ج۶، ص۳۷۸.

از این آیات و آیات دیگر، می توان دریافت که میان کردار انسان در این دنیا و سرنوشت او در آخرت رابطه ای منطقی وجود دارد و تمام خوبی ها و خوشی های آخرت و نیز عذاب در آنجا در همین دنیا فراهم می گردد.

## موضوع های کاربردی قابل بحث در رسانه

موضوع های کاربردی قابل بحث در رسانه

با توجه به رهنمودهایی که جهت ترویج مرگ اندیشی و پیامد های دوری از آن در این بخش ارائه گردید، بسیار مناسب است که دست اندرکاران صدا و سیما برای در امان ماندن از آسیب های مرگ اندیشی و بدآموزی هایی مانند دوری جستن از کسب و تلاش، ناامیدی و زهدگرایی های ناپسند و غیره، در برنامه هایشان به امور ذیل توجه کنند:

۱. تبیین دنیای مذموم و غیر مذموم از دیدگاه اسلام در قالب میزگردها در اموری مانند:

الف) رابطه میان کسب سعادتمندی در این دنیا و جهان آخرت؛

ب) رابطه میان کردار ناشایست در این دنیا و عذاب های آخرت؛

ج) چگونگی بهره مندی صحیح از نعمت های خداوند در این دنیا و کار آمدی آن در جهان آخرت؛

د) تأثیر برخی اعمال ناشایست در این دنیا و در پی آن مرگ ومیرهای زودرس و دسته جمعی؛

هـ) عوامل برطرف شدن کوتاهی عمر با انجام اعمال نیک.

تأکید می شود که کارشناسان باید در هر یک از موارد بالا از آیات قرآن و روایاتی که در متن آمده است و همچنین آیات و روایات فراوان دیگر که در منابع دینی وجود دارد، استفاده کنند.

۲. انتخاب احادیث کوتاهی مانند:

«أَلْدُّنْیا مَزْرَعَهُ الْآخِرَهِ؛ دنیا مزرعه آخرت است».

«أَلدُّنْیا مَتْجَرُ أُوْلِیاءِ اللهِ؛ دنیا محل تجارت دوستان خداست».

«أَلدُّنْیا سُوقٌ رَبِحَ فِیها قَوْمٌ وَ خَسِرَ الْآخَرُونَ؛ دنیا بازاری است که گروهی در آن سود بردند و گروهی دیگر زیان دیدند».

از این احادیث می توان در زیرنویس های تلویزیون در مناسبت های مختلف استفاده برد.

۳. تبیین درست هدف های خداوند از خلقت انسان مانند:

الف ) بیان راه های شناخت خداوند و اینکه سرنوشت انسان در دست اوست؛

ب ) بیان اینکه هواهای نفسانی و تکبر، انسان را از شناخت خداوند و مرگ اندیشی باز می دارد؛

ج) تقویت امید به پاداش ها و نعمت های خداوند به کارهای نیک انسان و اینکه تمام اعمال کوچک و بزرگ انسان در پیشگاه خداوند محفوظ است؛

د ) بیم و انذار دادن درباره کارهای ناشایست و اینکه آثار این گونه کردارها، هنگام مرگ برای انسان آشکار می شود.

## کتاب نامه

کتاب نامه


* قرآن کریم

* نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، اسوه.

۱.ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ ه_ .ق.

۲.________________، التوحید، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴.

۳.________________، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲.

۴.________________، ثواب الاعمال، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴.

۵.________________، خصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ه_ .ق.

۶.________________، علل الشرایع، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۳ه_ .ق.

۷.________________، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ه_ .ق.

۸.ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، بی جا، انتشارات ذوی القربی، ۱۹۶۹م.

۹.ابی الحسن، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۰ه_ .ق.

۱۰.ابی بکر، محمدبن عبدالله بن ابی الدنیا، المحتضر، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۱۷ه_ .ق.

۱۱.احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی الثالی، قم، مؤسسه سیدالشهدا، ۱۴۰۵ه_ .ق.

۱۲.اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تبریز، انتشارات مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱.

۱۳.اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ اخلاق، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵.

۱۴.المیری، عبدالوهاب، دائرهالمعارف یهود و یهودیت، ترجمه: مؤسسه مطالعات و پژوهش های خاورمیانه، دبیرخانه کنفرانس بین المللی فلسطین، ۱۳۸۳.

۱۵.امام جعفر صادق(ع)، مصباح الشریعه، مؤسسه العلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ه_ .ق.

۱۶.امام زین العابدین(ع)، صحیفه سجادیه، ترجمه: محمدتقی خلجی، بی جا، انتشارات پیام مهدی، ۱۳۸۲.

۱۷.اهوازی، ابو محمد حسین بن سعید، الزهد، بی جا، چاپ سید ابوالفضل حسینیان، ۱۴۰۲ ه_.. ق.

۱۸.بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹ه_ .ق.

۱۹.برقی، احمد بن ابی عبدالله، المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.

۲۰.برنتل، جورج، آیین کاتولیک، ترجمه: حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱.

۲۱.بهاری همدانی، شیخ محمد، تذکره المتقین، تحقیق: علی افراسیابی، بی جا، انتشارات نهاوندی، ۱۳۸۵.

۲۲.پاشنک، مصطفی، ریشه یابی واژگان فارسی، تهران، انتشارات محور، ۱۳۷۷.

۲۳.تاج الدین شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۳.

۲۴.ترمذی السلمی، محمد بن عیسی، السنن ترمذی، بیروت، دارالاحیا التراث العربی، بی تا.

۲۵.تستری، سیدنورالله، ملحقات احقاق الحق، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، بی تا.

۲۶.تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.

۲۷.تمیمی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، مصر، دار المعارف، ۱۳۸۵.

۲۸.جعفری، محمدتقی، پیام خرد، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۳.

۲۹.________________، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، قم، دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.

۳۰.________________، در محضر حکیم، گردآورنده: علی جعفری، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۱.

۳۱.________________، عرفان اسلامی، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۷۸.

۳۲.جلالی مقدم، مسعود، کرانه های هستی انسان در پنج افق مقدس، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۴.

۳۳.جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، نشر اسرا، ۱۳۸۲.

۳۴.________________، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۱.

۳۵.________________، معاد در قرآن، قم، نشر اسرا، ۱۳۸۰.

۳۶.چایدستر، دیوید، شور جاودانگی، ترجمه: غلام حسین توکلی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۰.

۳۷.حر عاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ هـ .ق.

۳۸.حرانی، حسن بن علی بن حسن بن شعبه، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ هـ .ق.

۳۹.حسینی تهرانی، سید محمدحسین، معادشناسی، تهران، حکمت، ۱۳۶۱.

۴۰.حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، بی تا.

۴۱.حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ه_ .ق.

۴۲.الدارمی، عبدالله بن بهرام، السنن، دمشق، مکتبه الاعتدال، بی تا.

۴۳.داورپناه، ابوالفضل، تفسیر انوار العرفان، تهران، کتاب خانه صدر، بی تا.

۴۴.دشتی، محمد، فرهنگ سخنان فاطمه زهرا(س)، انتشارات مشهور، ۱۳۸۱.

۴۵.دیل، هالینک، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵.

۴۶.دیلمی الشیخ حسن، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، مؤسسه آل البیت، قم، دار الاحیاء التراث العربی، بی تا.

۴۷.دیلمی، حسن ابن الی الحسن، ارشاد القلوب، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ه_ .ق.

۴۸.دیوان منسوب به امام علی(ع)، ترجمه: مصطفی زمانی، انتشارات پیام اسلام، بی جا، بی تا.

۴۹.راغب، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، بی تا.

۵۰.راوندی، قطب الدین سعید بن عبدالله، الدعوات، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۷ ه_ .ق.

۵۱.زمخشری، محمود، الکشاف، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ه_ .ق.

۵۲.ژکس، فلسفه اخلاق، ترجمه: سید ابولقاسم پور حسینی، انتشارات امیر کبیر، بی تا.

۵۳.سبحانی، جعفر، معاد انسان و جهان، قم، مکتب اسلام، ۱۳۷۳.

۵۴.________________، منشور جاوید، قم، مؤسسه سید الشهدا، ۱۳۶۹.

۵۵.________________، خدا و معاد، تلخیص و تنظیم: رضا استادی، قم، انتشارات توحید، ۱۳۶۰.

۵۶.سید رضی الدین، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، اقبال الاعمال، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.

۵۷.سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی، خصائص الائمه، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ ه_ .ق.

۵۸.سید علی خان، ریاض السالکین، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۱ه_ .ق.

۵۹.شبر، سید عبدالله، الاخلاق، ترجمه: محمدرضا جباران، انتشارات هجرت، ۱۳۷۸.

۶۰.شجاعی زند، علیرضا، عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلام، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱.

۶۱.شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ه_ .ق.

۶۲.شهید ثانی، اندرزنامه، ترجمه: حسین قهستانی، انتشارات نهاوندی، ۱۳۸۰.

۶۳.شیخ مفید، الارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۶۴.________________، امالی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ه_.ق.

۶۵.________________، تصحیح الاعتقاد، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ ه_.ق.

۶۶.صداقت، علی، آفتاب خوبان، قم، نشر بقیهالله.

۶۷.صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۶۶.

۶۸.________________، مفاتیح الغیب، ترجمه: محمدجواد خواجویی، تهران، انتشارات مولا، ۱۳۸۴.

۶۹.طاهری، حبیب الله، درس هایی از اخلاق اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳.

۷۰.طباطبایی، سیدمحمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: محمدباقر همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفدهم، ۱۳۸۲.

۷۱.________________، معاد از دیدگاه علامه طباطبایی، تحقیق: مرتضی متقی نژاد، قم، انتشارات عصر غیبت، ۱۳۸۲.

۷۲.________________، مجموعه مقالات، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.

۷۳.طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، نجف الاشرف، طبع دارالنعمان، بی تا.

۷۴.طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، تهران، دار الفقه، ۱۴۲۵ه_.ق.

۷۵.طبری، ابوجعفر محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، نجف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۳.

۷۶.الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، طبع الثانیه، ۱۳۶۷.

۷۷.طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، امالی، قم، انتشارات دارالثقافه، بی تا.

۷۸.________________، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الاحیا التراث العربی، بی تا.

۷۹.________________، التهذیب، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ه_.ق.

۸۰.عمید، حسن، فرهنگ عمید(یک جلد)، بی جا، کتاب خانه ابن سینا، ۱۳۶۲.

۸۱.فتال نیشابوری، محمد بن حسین، روضه الواعظین، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۸.

۸۲.فخرالدین رازی، محمد بن عمر، تفسیر کبیر، بیروت، دار الاحیا التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ه_ .ق.

۸۳.فیض کاشانی، ملا محسن، المحجه البیضا، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ه_ .ق.

۸۴.قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

۸۵.قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، قم، چاپ دارالاسوه، ۱۴۲۲ه_ .ق.

۸۶.قمی، علی بن محمد خزاز، کفایه الاثر، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ه_ .ق.

۸۷.کراجکی، ابوالفتح محمد بن علی، کنز الفوائد، قم، انتشارات دار الذخائر، ۱۴۱۰ه_ .ق.

۸۸.کربلایی، شیخ جواد، الانوار الساطعه، دارالحدیث، بی تا.

۸۹.کفعمی، تقی الدین ابراهیم بن علی، بلد الامین، بی جا، بی تا.

۹۰.کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

۹۱.کمپس، توماس، اقتدا به مسیح، ترجمه: سعید عدالت نژاد، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲.

۹۲.کهن، آبراهام، گنجینه ای از تلمود، ترجمه: امیرفریدون گرگانی، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲.

۹۳.گروه مترجمان، فرهنگ تاریخ اندیشه ها، تهران، انتشارات سعادت، ۱۳۸۵.

۹۴.گریفین، دیوید، خدا و دین در جهان پسامدرن، ترجمه: حمیدرضا آیت اللهی، تهران، انتشارات آفتاب توسعه، ۱۳۸۱.

۹۵.گیلانی، عبدالرزاق، شرح مصباح الشریعه، انتشارات پیام حق، ۱۳۷۷.

۹۶.مالرب، میشل، انسان و ادیان، ترجمه: مهران توکلی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.

۹۷.مترلینگ، موریس، مرگ، ترجمه: فرامرز برزگر، تهران، کانون معرفت، ۱۳۳۶.

۹۸.مجتبوی، سید جلال الدین، علم اخلاق اسلامی، «ترجمه جامع السعادات»، بی جا، انتشارات حکمت، ۱۳۷۷.

۹۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ ه_ .ق.

۱۰۰.محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۴۱۶ ه_ .ق.

۱۰۱.مصباح یزدی، محمدتقی، پند جاوید، قم، مؤسسه آموزشی _ پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.

۱۰۲._______________، درآمدی بر آموزش عقاید، قم، دارالعلم، ۱۳۷۷.

۱۰۳._______________، معاد، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.

۱۰۴._______________، معارف قرآن، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۷.

۱۰۵._______________، اخلاق در قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۷۷.

۱۰۶.________________، بر درگاه دوست، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۶.

۱۰۷.مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج۴و ۱۶، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۸.

۱۰۸.معرفت، محمد هادی، فرضیه بازگشت روح، ترجمه: سید نصرالله مقدم، بی جا، مؤسسه امام صادق، بی تا.

۱۰۹.معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.

۱۱۰.مقدادی اصفهانی، علی، نشان از بی نشان ها، چاپ جمهوری.

۱۱۱.مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۳۰.

۱۱۲.ملکی تبریزی، المراقبات، ترجمه: ابراهیم محدث بندرریگی، قم، انتشارات اخلاق، ۱۳۷۶.

۱۱۳.__________، اسرار الصلاه، ترجمه: رضا رجب زاده، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۸.

۱۱۴.موسوی الخمینی، روح الله، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.

۱۱۵.__________، اسرار الصلاه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.

۱۱۶.موسوی لاری، سید مجتبی، مبانی اعتقادات در اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.

۱۱۷.مولند، اینار، جهان مسیحیت، ترجمه: مسیح مهاجری و محمدباقر انصاری، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۱.

۱۱۸.میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه: حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱.

۱۱۹.ناس، جان، تاریخ جامع الادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات پیروز، بی تا.

۱۲۰.نسائی، احمد بن شعیب، سنن نسائی، حلب، مکتبه للمطبوعات الاسلامیه، ۱۴۰۶ه_ .ق.

۱۲۱. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ ه_ .ق.

۱۲۲.ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، قم، انتشارات مکتبه الفقیه، بی تا.

۱۲۳. ویلسون، برایان، دین مسیح، ترجمه: محسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۱.

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت  این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹